

• تکفیر زن به بهای آبروی ملی! • تحول نقش زن روستایی ایران در فعالیتهای زراعی  
• آیا زایش برای زن یک قدرت است؟ • افراد فداکار، آرام، بخشنده، مطیع، اما... • خانم، شوهرتان  
خریفت می‌کند؟ • وسواس تا چه حد؟ • این عارضه‌ها توهم زنانه نیست! • از آداب معرفی افراد به یکدیگر  
چه می‌دانید؟ • نقد سخنرانی خانم مهرانگیز کار و پاسخ ما • این «سارا» واقعا کیست؟



توسعه صنایع بهشهر

شرکت  
صنعتی  
بهشهر

تولید کننده روغن آفتابگردان لادن

خوشمزه ترین و سالم ترین  
غذاهای ایرانی  
با روغن آفتابگردان

لادن

مخصوص سالاد و طبخ



اداره مرکزی: خیابان میرزای شیرازی  
کوچه سیزدهم، پلاک ۲، ۵۶  
تلفن: ۸۳۱۶۷۰۸، فاکس: ۸۸۲۳۳۲۳  
پنکس: ۲۱۶۵۸۲ BEHR

کارخانه: کیلومتر ۱۲ جاده قدیم کرج  
صندوق پستی: ۳۱۸۱-۱۵۸۱۵  
تلفن: ۶۰۷۲۳۵۰۲، فاکس: ۶۰۲۷۰۱۳  
پنکس: ۲۱۲۵۵۹ PAN IR



علامت استاندارد ایران  
نشانه مرغوبیت کالا است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زنان

سال دوم • شماره ۱۴ • مهر و آبان ۱۳۷۲

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود

۲	تکفیر زن به بهای آبروی ملی: مدیر مسئول	• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت
۴	خبر:	• مدیر داخلی: رزا افتخاری
۶	مسافرکشی خانم دبیر در خط ونک - ولی عصر: فیروزه شریفی	• طراح گرافیک: کامران مهرزاده
۱۹	تحول نقش زن روستایی ایران در فعالیتهای زراعی: ناهید مطیع	• امور شهرستانها: محسن آسیابچی
۲۸	آیا زایش برای زن یک قدرت است؟: فاتمه بن حدید، ترجمه زهره بهجو	• امور مشترکین: شکوه اردلانی
۳۳	میوه در قاب: بهناز صفایی	• حروفچینی کامپیوتر: صدیقه کردی داریان
۳۸	کیک سوفله شکلات - بیسکویت کره‌ای: هما مزینی	• چاپ متن: نادر
۹	افراد فداکار، آرام، بخشنده، مطیع، اما...: دکتر جان الدهام، لویس موریس، ترجمه زهره زاهدی	(خیابان منوچهری. کوچه ژاندارک)
۱۵	معرفی کتاب:	• چاپ رنگی: هادی
۱۶	خانم، شوهرتان خر و پف می‌کند؟: جیم کولینز، ترجمه فرزانه خردمند	بهارستان - کوچه نظامی - پاساژ آشتیانی پلاک ۱۰۰
۲۴	وسواس تا چه حد؟: دکتر الینور کمپبل، ترجمه ندا سهیلی	• صحافی: شاهد
۶۰	این عارضه‌ها توهم زنانه نیست!: دکتر دیوید دلوین، ترجمه سیدرضا نیازی	• عکس روی جلد: لاله شرکت
۶۶	از آداب معرفی افراد به یکدیگر چه می‌دانید؟: راس تالمن، ترجمه حورا اخلاقی	
۴۲	نقد سخنرانی خانم مهرانگیز کار: مژگان کیانی ثابت	
۵۰	... و اما پاسخ ما: سید محسن سعیدزاده	
۳	زندگی یک زن دهقان (شعر): لورنگ ایوپان، ترجمه علی طایفی	
۶۲	پیرزن: دکتر زهرا کدخداییان	
۲۷	نقش هنر: سپیده خانبلوکی	• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۵۵۶۳
۵۸	این «سارا» واقعا کیست؟: احمد جلیل‌زاده	• تلفن: ۸۳۶۴۹۸
۷۲	جدول:	• نکس: ۸۸۳۹۶۷۴
		• شماره سریال بین‌المللی: ۱۰۲۱ - ۴۰۵۴

License Holder & Editorial Director:  
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language journal published monthly. Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

زنان در زمینه فعالیتهای فرهنگی، هنری، آموزشی و خدماتی آگاهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

# تکفیر زن به بهای آبروی ملی!

بسم الله الرحمن الرحيم

در شرایط کنونی دفاع از حقوق زن، شعار روزآمدی است که تقریباً همه نهاد‌های جامعه، ولو به عنوان یک تاکتیک، آن را در تظاهرات عمومی خود لحاظ می‌کنند. اما واقعیت از این قرار است که هنوز هم حقوق زن از دو سو مورد حمله واقع می‌شود: در سمتی مخالفان نظری رشد و بالندگی زن که کوری تعصبشان با روشنی حقیقت در جدال است و در سوی دیگر واعظان سالوس ورزی که چون در بوتۀ عمل قرار می‌گیرند، عریانی واقعیت را بر نمی‌تابند؛ چرا که با نرینگی و خودکامیگشان در تناقض است.

انصاف بدیهیم که بعضی جوانمردهای قدیم، اگر چه در قاموشان چیزی به نام حقوق زن وجود نداشت اما از سر لوطی‌منشی، احترام زن را واجب می‌شمردند و بالاخره معتقد بودند که «زن، زدن ندارد» و دشنام‌های مردانه در حضورش نباید داد و حرمت او را باید نگه داشت. حالاً نه از آن جوانمردیها خبری هست و نه شعارهای پسند روز، برای زن آب و نان می‌شود. شاهد این مدعا گاهی چنان از غیب می‌رسد که از صد مثنوی سخن گفتن گویاتر است. شاهد، خبری است موجود در نشریه «کیهان هوایی» مورخ ۲۱ مهر ۷۲ که نوشته بود یک زن ایرانی - که «زن» شرعاً نمی‌تواند نام او را بیاورد - در صدد گرفتن پناهندگی از اداره مهاجرت کانادا بوده است و چون با این تقاضا موافقت نشده، وکیل مدافع او در دادگاه ادعا کرده است که این زن در کانادا مرتکب عمل زنا شده و اگر به کشورش بازگردد، مطابق قوانین مدنی ایران مجازات خواهد شد و مقامات کانادایی پس از طرح این موضوع، آن را به لحاظ انسانی دلیل قانع‌کننده‌ای برای پذیرش درخواست پناهندگی زن ایرانی دانسته‌اند.

کیهان هوایی در نشریه پنج آبان ماه خود نوشته است که اکنون مقامات کانادایی پس از گذشت دو هفته، در یک عقب‌نشینی، علت موافقت با پذیرش تقاضای پناهندگی این زن را ملاحظات انسانی و بدرفتاری شوهرش با وی عنوان کرده‌اند. در خبر آمده که اپوزیسیون خارج کشور دو هفته پس از انتشار این خبر، برای سرپوش گذاشتن بر این رسوایی و خنثی کردن اثرات منفی آن در میان ایرانیان مقیم خارج تلاش کرده تا ماجرا را تحریف کند.

نحوه ساخت و پرداخت این خبر به مراتب دردناکتر از احتمال صحت آن است چون نشان از آن دارد که در گردانندگان نشریه‌ای که برای ایرانیهای خارج کشور چاپ می‌شود، ذره‌ای حب وطن وجود ندارد که به فرض صحت چنین خبری، کمتر از اپوزیسیون خارج کشور نباشند و بر این خبر سرپوش بگذارند. حتی با عینک همیشگی‌شان هم به قضیه نگاه نکردند که شاید دستهایی در شبکه امپریالیسم خبری بخواهند ایران و شخصیت زن ایرانی را بیالایند. دست کم اینکه وقتی قول دوتا شد، در هر دو گفته شک می‌کردند و در خبرهای متناقض احتمال شبهه می‌دادند. از کجا که ادعای مذکور - بر فرض صحت - صرفاً برای گرفتن پناهندگی صورت نگرفته باشد؟ و اصولاً چرا یک زن هموطن ما باید با این ترندها از یک کشور بیگانه

تقاضای پناهندگی کند؟ آیا هرگز وجدان آسوده خود را با اندیشیدن به این نکته مکدر کرده‌اند؟ زنانی که به قول کیهان هوایی «علی‌رغم برخورداری از رفاه نسبی در ایران به خارج گریخته و با داشتن همسر و چند فرزند به فساد و تن‌فروشی مشغولند»، سری را که درد نمی‌کند دستمال بسته‌اند؟! اگر زنان پناهنده ایرانی یک عده فواحش و تن‌فروشد، چرا دولت از فراهم‌آوری امکانات و تسهیلاتی برای ورود پناهندگان ایرانی به کشور سخن می‌گوید؟

اگر کیهان هوایی برای ایرانیان خارج کشور منتشر نمی‌شد، آن را هم در صف روزنامه‌های جنجالی داخل رها می‌کردیم، اما اکنون برای مخاطبان خود و زنان ایرانی چه توجیهی دارند؟ ما بسیار کنجکاویم که بدانیم واقعاً مقصود کیهان هوایی از انتشار و شاخ و برگ دادن به این خبر چه بوده است؟ می‌خواسته ثابت کند که زن ایرانی برای گذران زندگی خود تن به هر کاری می‌دهد؟ یا فضای ایران آنقدر رعب‌آور است که زنان برای فرار از آن به خود فروشی و فساد تن می‌دهند؟ البته غریباً احتمالاً همین منظور را داشته‌اند و مسئولان کیهان هوایی با همه ادعایشان در دام آنها افتاده‌اند و روزنامه کیهان هم طبق سنت خود با جنجال خبر را نقل کرد، آن هم در ستون اخبار ویژه! آخر چماق تکفیر بر سر زن، کوفتن، حتی به بهای از دست رفتن آبروی ملی تا کجا؟

نکته اینجاست که این حرکت از کسانی سر می‌زند که خود و هم‌مشربان خود را از معدود مسلمانان و مؤمنان این آب و خاک می‌پندارند. اما بی‌شک این، آن اسلامی نیست که در قرآن آمده: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره...» آنان که دوست می‌دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند، در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهند دید...»

از این روست که علی‌زنی را که چند نوبت اقرار به زنا می‌کند، تبرئه و به او تلقین می‌کند که در اشتباه است. حالا ما می‌خواهیم بدانیم در مملکت آنقدر قانونمندی هست که طبق قوانین خود اگر مسئول این نشریه نتواند با چهار شاهد، زنا را ثابت کند - که نمی‌تواند - او را به هشتاد تازیانه کیفر دهد؟ (طبق آیه چهار سوره نور)

اگر قانون برای همه وجود دارد چرا نشریاتی که هر موضوع بی‌ربطی را به خلدشه‌دار شدن اسلام و ولایت و حکومت ربط می‌دهند و بر تعقیب این و آن پای می‌فشارند و خود را متولی آحاد مردم می‌دانند، در آموزش شیوه‌های زشت و منفی به کسانی که به هر دلیلی مهاجرند، آزاد هستند و لزوم هیچ کیفری در قبال آنها احساس نمی‌شود؟ چرا از آقایان سؤال نمی‌شود که هدفشان از بزرگنمایی و برملا کردن جنبه‌های منفی مسائل یک ملت که با هیچ مدرکی نیز ثابت نشده و در میان همه ملل وجود دارد، چیست؟ و اصولاً کیهان هوایی با چه هدفی در میان ایرانیان خارج کشور منتشر می‌شود؟ هدف، اطلاع رسانی و عزت نفس بخشیدن به ایرانیان است یا محکوم کردن و تحقیر آنان به جرم خروج از مملکت بدون تحلیل ریشه‌های مهاجرت؟!

# زندگی یک زن دهقان

در گرگ و میش شب  
که به خانه باز می‌گردم:  
باز هم کار جانفرسای خانه،  
گاه برنجی قرض می‌کنم و دسته‌ای سبزی  
تا شامی بار کنم  
شب هنگام مملو از تنهایی  
بچه‌ها و شوهرم در خواب،  
از خودم می‌پرسم: چرا باید در فقر زیست؟  
سختی کار و زندگی ما نیز  
طاقت فرساست  
چرا زندگی در مزرعه چنین طاقت‌فرساست!  
دهقانان با عرق جبین می‌کارند  
اما برای خوردن، چیزی نمی‌یابند  
گرانی کشت و کار  
نم نمک ما را می‌کشد

در گرگ و میش صبح  
وقتی که بچه‌هایم در خواب نازند  
از خواب برمی‌خیزم:  
کارهای سخت خانه برهم انباشته  
بعد از پختن غذا  
سراغ کارهای دیگر خواهم رفت  
شاخه‌های برنج را کنار خواهم زد  
و با غذای شوهرم در دست  
رهسپار جایی هستم که او  
در مزرعه جان می‌کند  
در حالی که شوهرم غذایش را می‌خورد  
با کمر خمیده،  
به کمک او می‌شتابم و  
هیچ به سختی این کار نمی‌اندیشم  
به خاطر یک لقمه نان

\*  
در ساعات طولانی فکر و تنهایی  
این واقعیت فریاد می‌زند که  
هرگز زیر پا له نخواهی شد  
اگر راه مبارزه را انتخاب کنی!

\*  
ما زنان  
آن زمان که با هم باشیم و  
برای احقاق حقوق خود مبارزه کنیم  
رستگار خواهیم شد  
باید به خاطر یک چیز دور هم جمع شد:  
می‌توانیم جامعه‌ی ستم پیشه را  
دگرگون کنیم!

لورنگ ایویان (فیلیپین)  
ترجمه علی طایفی





## ◀ سهمیه پذیرش زنان در دوره‌های دستیاری پزشکی افزایش یافت

طرح «تخصیص سهمیه برای زنان در پذیرش دستیاری رشته‌های تخصصی پزشکی» در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و در شور دوم بر سهمیه زنان برای تحصیل در رشته‌های تخصصی پزشکی افزوده شد.

بر ماده واحده‌ای که به تصویب رسیده آمده است: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است حداقل ۲۵ درصد از سهمیه پذیرش دستیاری در رشته‌های جراحی اعصاب، اورولوژی، ارتوپدی، گوش و حلق و بینی، چشم، رادیولوژی و روان‌پزشکی و در صورت وجود داوطلب ۵۰ درصد سهمیه جراحی عمومی داخلی و قلب را به خانمهای پزشک قبول شده در گزینش کتبی دستیاری اختصاص دهد». در تبصره این ماده واحده آمده است: «فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها اعم از مجرد یا متأهل، متعهد خواهند شد تا پس از فراغت از تحصیل، طبق برنامه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، خدمات قانونی را در نقاط محروم و نیازمند ادامه دهند».

## ◀ پیروزی مجدد بی نظیر بوتو

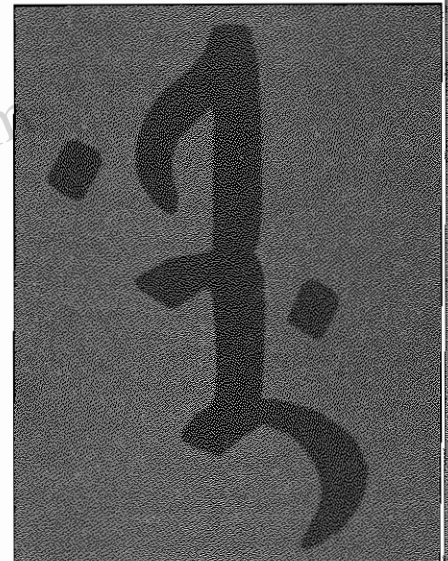
بالاخره پس از چهار ماه مبارزه انتخاباتی، بی نظیر بوتو، رهبر حزب لیبرال مردم پاکستان، با کسب اکثریت نسبی آرا، رقیب سرسخت خود را شکست داد.

مجلس ملی پاکستان دارای ۲۱۷ کرسی است و هر حزبی که ۱۰۹ کرسی به دست آورد می‌تواند دولت مرکزی را تشکیل دهد. در پاکستان چندین حزب و گروه سیاسی فعالیت دارند که در رأس آنها حزب مردم به رهبری «بی نظیر بوتو» و حزب مسلم لیگ به رهبری «نواز شریف» قرار دارند.

حزب مردم ۸۶ و حزب مسلم لیگ ۷۲ کرسی را در پارلمان به دست آوردند که حزب مردم با جلب نظر احزاب کوچکتر توانست اکثریت آرا را برای تشکیل دولت جدید کسب کند اما از هم‌اکنون روشن است که خانم بوتو برای حفظ اقتدار کابینه‌اش باید با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم کند. وی ناچار است همچنان به ائتلاف با احزاب کوچکتر و مستقل متکی باشد. چنانچه دولت مرکزی بتواند رضایت این احزاب را جلب نماید آنها با خروج از ائتلاف موجب سرنگونی فوری دولت می‌شوند. از سوی دیگر خانم بوتو همچنان باید با رقیب قدرتمند خود، نواز شریف، مقابله کند. با وجود چنین رقیبی دست خانم بوتو در اجرای برنامه و سیاستهای جدید چندان باز نخواهد بود. به ویژه که بی‌ثباتی دولتهای پاکستان طی چند سال اخیر اوضاع را بسیار نا بسامانتر کرده است.

بی نظیر بوتو یکبار در سال ۱۹۸۸ نیز به نخست‌وزیری رسید ولی غلام اسحاق خان با تکیه بر اختیارات ویژه رئیس‌جمهور او را به اتهام بی‌کفایتی و واگذاری سمتهای مهم به خویشاوندانش عزل کرد. طبق قانون اساسی پاکستان، رئیس‌جمهور می‌تواند نخست‌وزیر را عزل و پارلمان مرکزی و مجالس ایالتی را منحل کند. این اختیارات ویژه رئیس‌جمهوری عامل اصلی اغتشاشات و بی‌ثباتیهای سیاسی چند سال اخیر پاکستان بوده است و دولت جدید نیز از خطرات آن مبرا نیست.

از سوی دیگر دولت جدید ناچار است تمهیدات جدیدی برای رفع بحرانهای شدید اقتصادی کشور اتخاذ کند. پاکستان در دوران جنگ سرد، پایگاه مهمی برای آمریکا در شبه قاره هند محسوب می‌شد ولی اکنون با فروپاشی نظام شوروی و به هم خوردن موازنه‌های سابق قدرت در منطقه، پاکستان موقعیت ویژه خود را در نظر کاخ سفید از دست داده است و نمی‌تواند امید چندانی به کمکهای آمریکا داشته باشد. به هر حال باید دید کابینه جدید برای مقابله با مشکلاتی که از هر سو با آن مواجه است چه تمهیداتی به کار می‌بندد. بیش از ۵۰ درصد جمعیت پاکستان را زنان تشکیل می‌دهند و خانم بوتو از هم‌اکنون برنامه‌هایی برای زنان در نظر گرفته است. یکی از برنامه‌های دولت خانم بوتو تعیین سهمیه ویژه‌ای برای جذب زنان در دوایر دولتی و غیردولتی این کشور است.

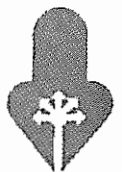


## ◀ از سوی کمیسیون امور بانوان استان تهران،

## کمیته‌ای مأمور بررسی نحوه بررسی بیمه زنان بی سرپرست شد

کمیسیون امور بانوان استان تهران به منظور بررسی نحوه چگونگی حمایت از زنان بی سرپرست در استانداری تهران تشکیل جلسه داد.

روابط عمومی استانداری تهران در این زمینه گزارش می‌دهد که کمیته‌ای با حضور صاحب‌نظران مسئول تحقیق در چگونگی اجرای بند چهار اصل ۲۱ قانون اساسی شده است. براساس این اصل دولت موظف به تضمین حقوق زن در تمامی جهات با رعایت موازین اسلامی است. قرار است کمیته تعیین شده بررسیهای لازم را انجام و گزارشی برای اجرا به کمیسیون ارائه دهد.



## اعطای جایزه نوبل ادبی به یک زن سیاهپوست

تونی موریسون که به خاطر ثبت میراث بردگی در آمریکا «فرشته کینه‌توز» لقب گرفته است، برنده جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۹۳ شد. تونی موریسون استاد دانشگاه پرینستون واقع در ایالت نیوجرسی کاناداست که در سال ۱۹۸۸ نیز

برنده جایزه پولیتزر شده بود. او به خبرنگاران گفت: «برای من بسیار حیرت‌آور بود که بالاخره جایزه نوبل به یک سیاهپوست آمریکایی - افریقایی تعلق گرفت.» او خدا را شکر می‌کرد که مادرش زنده است و این خیر را می‌شنود.

وی تاکنون شش رمان نوشته است که موضوع تمامی آنها تبعیض نژادی و مبارزه برای آزادی انسانها است. کتاب اخیر او به نام بلای در تاریکی: سفیدی و تصور ادبی، نقدی ادبی است که در آن نحوه معرفی شخصیت‌های سیاهپوست در آثار نویسندگان سفیدپوست را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. این کتاب مجموعه سخنرانی‌هایی است که موریسون در دانشگاه هاروارد ایراد کرده است. تازه‌ترین رمان او جاز نام دارد. در این رمان او تمهیدی به کار می‌بندد که مشابه نواختن جاز است. نتیجه کار مجموعه پرغناپی است که با ایجاد تأثیرات حسی، تصویر رویدادها، شخصیت‌ها و حالات را منتقل می‌کند.

تونی موریسون در ۱۹ فوریه ۱۹۳۱ در لورین اوهایو متولد شد. مادرش راما، زنی استوار بود که اعتقاد داشت روزی بالاخره تبعیض نژادی از میان می‌رود ولی پدرش جرج، به «هر کلمه و هر حرکت تمام سفیدپوستان عالم» سخت بی‌اعتماد بود.

تونی در مدارس چندنژادی اوهایو درس خواند و در دانشگاه هوارد واشنگتن که فقط متعلق به سیاهپوستان است ادامه تحصیل داد. موریسون در رشته ادبیات انگلیسی به کسب درجه عالی از دانشگاه کورنل نیویورک نائل شد. تخصص او به ویژه

در بررسی رمانهای ویلیام فالکنر، یکی از برندگان پیشین جایزه نوبل است.

بعد از خاتمه تحصیلات، وی به عنوان ویراستار در مؤسسه انتشاراتی نیویورک مشغول به کار شد و نویسندگی را از زمانی آغاز کرد که ازدواجش با مهندس جامائیکایی به شکست انجامید و او با دو فرزندش تنها ماند.

اولین رمان او، آبیترین چشمان، سرگذشت دخترک سیاهپوستی است که پدرش با او رفتار بدی دارد و مادرش نیز او را تحقیر می‌کند و تنها تمنايش این است که چشمان آبی داشته باشد. موریسون می‌گوید: «زمانی که این رمان را می‌نوشتم شدیداً تحت تأثیر معیارهای قراردادی زیبایی بودم. کسی به تو نگاه می‌کند و می‌گوید: تو بی‌ارزشی.» و چنین ادامه می‌دهد: «رنگ پوست مایه شرمساری تو می‌شود. مردم عادت دارند کلمه «سیاه» را وقتی به کار ببرند که منظورشان آدم بدبخت و ندار است.» موریسون قبلاً هم نامزد دریافت جایزه نوبل شده بود. در میان نامزدهای امسال نام مارگارت آت‌وود و روبرتسون دیویس نیز به چشم می‌خورد. موریسون به خبرنگاران گفت: «نویسندگان بسیاری نامزد کسب جایزه نوبل بودند. من اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم که برنده جایزه من باشم.»



- زنان برنده جایزه نوبل ادبی
- ۱۹۹۳: تونی موریسون (آمریکایی)
  - ۱۹۹۱: نیلین گورتمیر (افریقایی)
  - ۱۹۶۶: نلی زاکنس (آلمانی)
  - ۱۹۲۵: گابریل گسترال (شیلیایی)
  - ۱۹۳۸: برون اس. تاک (آمریکایی)
  - ۱۹۲۸: زیگیده آوندیت (لترژی)
  - ۱۹۲۶: گراتسیا بلقا (ایتالیایی)
  - ۱۹۰۹: سلما لاگروف (سوئدی)

- رمانهای تونی موریسون
- آبیترین چشم
  - سولا
  - غزل‌های سلیمان
  - سیاه سوخته
  - محبوبه
  - جاز
- The Bluest Eye, 1970  
Sula, 1973  
The Song of Solomon, 1977  
Tar Baby, 1981  
Beloved, 1987  
Jazz, 1992

● مدیر مدرسه ام فکر می‌کرد با این کار اسباب آبروریزی و ننگ آموزش و پرورش شده‌ام و امسال مرا در مدرسه نپذیرفت و به مدرسه دیگری رفتم.

- میدان ولی‌عصر، سر حافظ. سر حافظ دو نفر. آقا بیا می‌خواهیم برویم. - عباس آباد پیاده می‌شوم. - ۳۰ تومان می‌شود. - ۲۰ تومان می‌دهم. - چانه زن. ۳۰ تومان می‌شود. اگر هم می‌خواهی چانه بزنی اصلاً سوار نشو، حوصله ندارم. ❗
- میدهاست که او را در این مسیر می‌بینم. تا به حال هر بار که خواستم با او صحبت کنم مخالفت کرده است. امروز بعد از دو سال که مرا می‌بیند خودش برای گفت‌وگو مشتاق است اما هنوز حاضر نیست اسمش را بگوید. هر با که اسمش را سؤال کرده‌ام پاسخ داده است:
- اسمم را برای چه می‌خواهید. مادر هستم. بچه دارم. فامیل دارم. بچه‌ها زن می‌گیرند، شوهر می‌کنند. شوهرشان سرکوفت می‌زند. انگشت‌نما می‌شوند. شما خودتان زن هستید، برای زنها کار می‌کنید، یک چیزهایی را باید بهتر از من بدانید.
- این همه قرض برای چیست؟ ○ برای زندگی. زندگی خودم نه، زندگی بچه‌هایم.
- چند سال است که در آموزش و پرورش کار می‌کنید؟ ○ ۲۷ سال.
- چقدر حقوق می‌گیرید؟ ○ ۱۶ هزار تومان.
- چقدر هزینه می‌کنی؟ ○ در ماه فقط کلی پول نزول می‌دهم.
- از خودت خانه داری؟ ○ یک خانه سازمانی دارم که قسطش را می‌دهم.
- شوهر داری؟ ○ بله.
- چه کاره است؟ ○ کارمند دولت است.
- چقدر حقوق می‌گیرد؟ ○ هر چقدر بگیرد فرقی به حال من نمی‌کند. او پولش مال خودش است. برای خودش کار می‌کند و برای خودش هم خرج می‌کند.
- چند سال است که در آموزش و پرورش کار می‌کنی؟ ○ از دو سال پیش به این طرف هنوز توانستی بدهی‌ها را تسویه کنی؟ ○ نه. هر چه در آوردم خرج شد. تصادف کردم. موتور پیاده کردم. پای پسرم فلج شد. دوباره پول قرض گرفتم و عملش کردم. قرض روی قرض آمد. حالا هم نزول قرضها را می‌دهم.
- او مادر چهار بچه است. یک دختر و سه

# مسافر کشی خانم دبیر در خط ونک - ولی‌عصر

فیروزه شریفی





## ● چند سال است در آموزش و پرورش کار می‌کنید؟

○ ۲۷ سال.

### ● یعنی خرجی نمی‌دهد؟

○ نه، اگر او کمک بود، دیگر اینقدر من به خودم فشار نمی‌آوردم. برای او، من و زندگی، خانه و بچه اصلاً مطرح نیست. هدفش این است که مرا ول کند و برود. او نمی‌خواهد با من زندگی کند.

### ● چرا؟

○ به خاطر یک سری افکار پوسیده معتقد است زن نباید کار کند. نباید استقلال داشته باشد. اگر مستقل باشد حرف مرد را گوش نمی‌دهد. فکر می‌کند زن کلفت مرد است و باید برای مرد فقط بیزد، بشوید، بچه‌هایش را بزرگ کند و از او جز لقمه نانی که می‌گیرد انتظاری نداشته باشد. می‌گوید اگر من می‌گویم ماست سیاه است باید بگویی سیاه است. من هم اصلاً تحمل چنین زندگی‌ای را ندارم. از روز اول هم من را می‌شناخت. می‌دانست در خانواده‌ای بزرگ نشدم که این طرز زندگی کنم. پدرم عارف بود و دبیر آموزش و پرورش. او نسبت به زندگی دید دیگری به ما داده بود که او درکش را نداشت.

### ● چند سال است با هم زندگی می‌کنید؟

○ ۲۰ سال.

### ● چطور با هم آشنا شدید؟ ○ بر حسب اتفاق آشنا شدیم.

### ● خواستگاری بود؟

○ نه، اول بر حسب اتفاق بیرون همدیگر را دیدیم و او به قول خودش از متانستم خوشش آمد. خواستگاری آمد و بعدش هم ازدواج کردیم.

### ● از روز اول متوجه این اختلاف نشده بودید؟

○ نه. البته پدرم مخالف بود. ولی خودم احساس می‌کردم با او تفاهم دارم. همیشه آرزو داشتم با مردی که زندگی می‌کنم دوست باشم. زندگی کدخدایمانه‌ای داشته باشم و به کمک او مشکلات زندگی دیگران را حل کنم اما متاسفانه این طور نشد و کاملاً عکسش اتفاق افتاد.

### ● پیش از ازدواج به شما نگفته بود که دوست ندارد کار کنید؟

● زمانی که با او ازدواج کردم شاغل

بودم. او خودش هم می‌دانست و اعتراضی نداشت. در حقیقت چهره‌ او پیش از ازدواج با چهره‌ امروزش کاملاً متفاوت بود. مرد مؤمن و معتقدی به نظر می‌رسید اما همین مرد سالها در زندگی اذیتم کرد. بارها پیش آمده که هفت - هشت ماه ول کرده، رفته سفر و اصلاً نگفته این زن با بچه‌ها چطور زندگی می‌کند. همین سه سال پیش پسر بزرگم را برداشت و یک دفعه ما را ول کرد و رفت. مدتی از او خبر نداشتم تا یک روز پیغام فرستاد که کاری می‌کنم که از کلاتری بیایند و اسباب و اثاثیه‌ات را بریزند بیرون و از خانه بیرون کنند. من ماندم و سه تا بچه با یک خانه قسطی. دوست و آشنا برایش پیغام فرستادند تا به خانه و زندگی برگردد. جواب داده بود شما کار نداشته باشید.

### ● بعد از اینکه زندگی را ول کرد چه کار کردی؟

○ فامیل همه جمع شدند. و خواهر و برادرهایم گفتند هر کدام به اندازه توانشان ماهانه مبلغی را به من کمک می‌کنند. خوب که فکر کردم دیدم این طوری نمی‌شود زندگی کرد و به گدایی می‌افتم. زندگی که یک روز و



● تصادف کردم، موتور پیاده کردم، پای پسرم فلج شد و قرض روی قرض آمد. حالا هم نزول قرضها را می‌دهم.

● روزی که در تهران کار را شروع کردم یکنفر بودم و آدم عجیبی به نظر می‌رسیدم. امروز ۱۲ زن دیگر هم پیدا شده‌اند و از این راه زندگیشان را می‌چرخانند.

کفایت اداره زندگی را نمی‌کند و اغلب دبیران از راههای دیگر زندگی را اداره می‌کنند. کار تدریس اصلاً کار آسانی نیست. از صبح حرف زدن و سر و کله زدن با بچه‌ها برای ما رفق نمی‌گذارد. حالا اگر قرار باشد بعد از کلاسهای مدرسه باز هم کلاس داشته باشیم یا شاگرد خصوصی بگیریم همین که کیفیت کارمان پایین می‌آید و بیشتر از چند سال هم در این کار نمی‌توانیم دوام بیاوریم. در این شرایط سخت زندگی هیچ امکاناتی وجود ندارد که بار ما را سبک کند. سال گذشته موقعی که بحرانیترین شرایط زندگی بود و احتیاج به کمک داشتم مدیر مدرسه که خیلی هم ادعا دارد آنقدر اذیتم کرد که حد نداشت. درخواست وام قرض‌الحسنه کردم، مانع شد. همکارهایم خواستند پول جمع کنند قرض بدهند تا گره زندگی باز شود، باز مانع شد. می‌گویند نه ما به شما کمک می‌کنیم و نه اگر گرفتار شدید خودتان برای خودتان کاری انجام بدهید. اگر دولت به من کمک کند، اگر آموزش و پرورش به موقع به فریاد برسد، نه من و نه هیچ دبیر دیگر به فکر کار دوم مثل مسافرکشی نمی‌افتیم. فکر می‌کنید بدم می‌آید یک وقت آزاد داشته باشم، پایم را دراز کنم و کمی استراحت کنم؟ فکر می‌کنید خوشم می‌آید در این شهر شلوغ اعصاب خودم را خرد کنم و در سرما و گرما، خودم و ماشینم را مستهلک کنم؟ نه. من هم دوست ندارم مستهلک شوم اما چاره‌ای ندارم. وقتی کسی به فکر ما نیست، می‌خواهید چه کار کنیم؟ تازه اگر زن هم باشیم وضع از بد هم بدتر می‌شود.

● چرا بد؟

○ برای اینکه زن در این اجتماع بدبخت و توسری خور است. برای اینکه اجتماع، اجتماع مردسالاری است. به همین دلیل اگر هم چیزی باشد اول مال مرد است. اگر به اندازه مردها کار کنیم، که زنهایی مثل من خیلی هم بیشتر از مرد کاری می‌کنند باز اسم مرد نان‌آور خانواده است و باید سهم بیشتری بگیرد.

کسی که خیلی به من کمک کرد پزشکی بود که سالها بیمارش بودم. او از زندگیم خبر داشت و در سخت‌ترین شرایط کمکم کرد. بزرگواری او به مراتب بیشتر از شوهرم بود. شوهرم در این سالها جز عذاب چیز دیگری برایم نداشت. از صبح تا شب کار می‌کنم و او به بچه‌ها می‌گوید مادران عضو یک باند قاچاق است. مادران قاچاقچی است.

● حالا می‌خواهید زندگی را به همین صورت ادامه بدهید؟

○ زندگی من همینطور است که هست. کاریش نمی‌شود کرد. فقط از قول من به زنها بگویید اگر در زندگی با مسائل و مشکلاتی رو به رو شدند زانوی غم به بغل نگیرند و از میدان خارج نشوند. آنها اگر یک قارقارک هم دارند مثل من آستین را بالا بزنند و کار کنند. کار ننگ و عار نیست. گرچه مدیر مدرسه‌ام همیشه فکر می‌کرد با کاری که می‌کنم اسباب آبروریزی و ننگ آموزش و پرورش شده‌ام اذیتم کرد و امسال من را در مدرسه پذیرفت و من مدرسه دیگری رفتم. اما اگر روزی که در تهران کار را شروع کردم یک نفر بودم و برای همه آدم عجیبی به نظر می‌رسیدم، امروز ۱۲ زن دیگر پیدا شده‌اند که مثل من از ماشینشان استفاده می‌کنند با آن زندگی را می‌چرخانند نمی‌گویم کار مهمی کردم ولی این را می‌گویم که در مقابل مشکلات ایستادم، درمانده نشدم و بالاخره زندگی کردم. زنها اگر خودشان بخواهند می‌توانند در زندگی روی پای خودشان بایستند و از راههای آبرومند زندگی را اداره کنند. اگر مسلمانیم و ایمان داریم، نباید از کار کردن عار داشته باشیم.

● به قول خودتان کار کردن ننگ و عار نیست اما سؤال این است که چطور می‌شود که یک خانم دبیر آموزش و پرورش با تکیه به این کار به تنهایی نمی‌تواند زندگی را اداره کند و به مسافرکشی رو می‌آورد؟

○ حقوق آموزش و پرورش ما اصلاً



دو روز نیست، آنها هم زندگی دارند، خرج دارند و نمی‌توانم خودم را به آنها تحمیل کنم. بالاخره آستین را بالا زدم و همین کاری را که می‌بینید شروع کردم.

● چطور شد این کار را انتخاب کردید؟

○ کارهایی مثل خیاطی، گلدوزی هم بلد هستم ولی آنها احتیاج به زمان دارد و من با فرصت کمی که داشتم به این کارها نمی‌رسیدم. در اصل با فرصت کوتاهی که داشتم برایم صرف نداشت و هر کاری که کردم دیدم نمی‌شود. همسایه‌ای داشتم که کارمند دادگستری بود. من دیدم عصرها یا لوله کشی می‌کند یا مسافرکشی، به این فکر افتادم با ماشینی که دارم کار کنم. شروعش خیلی سخت بود. هر بار که می‌خواستم مسافر سوار کنم از خجالت خیس عرق می‌شدم اما چاره‌ای نداشتم. بالاخره کار را شروع کردم و کم کم عادت کردم.

● بالاخره شوهرت به زندگی برگشت؟

○ بله برگشت.

● الان به کاری که می‌کنید اعتراضی ندارد؟

○ چه اعتراضی می‌خواهد داشته باشد. دارم خرج زندگی را می‌دهم. دیگر حرفهایش برایم اهمیت ندارد. یعنی چاره‌ای ندارم. باید زندگی کنم و پولهایی را که در این سالها قرض گرفته‌ام پس بدهم. در این مدت تنها





# افراد فداکار، آرام،

## بخشنده، مطیع، اما...

۵۹ زندگی یعنی خدمت به دیگران، عشق یعنی بخشیدن. اینها از نظر کسی که دارای شخصیت فداکار است از بدیهیات محسوب می‌شود. در نظر او برآوردن نیازهای دیگری بسیار مهمتر از نیازهای خود اوست. همین قدر که بداند از وجودش مایه گذاشته است احساس راحتی و آرامش می‌کند و از اینکه در حل مشکلات دیگران سهمی دارد، احساس امنیت می‌کند. این روحیه در شریفترین حالت که به اوج بزرگواری و فراغت از خود می‌رسد، شخصیت قدیسین و انسانهای متعال است. ۶۰

### هفت خصوصیت

هفت ویژگی و رفتار زیر نشانه وجود شخصیت فداکار است.

۱- دست و دل‌بازی: تیپ فداکار اگر احساس کند به پیراهن تنش احتیاج دارید، آن را بیرون آورده، به شما خواهد داد. نیازی به درخواست نیست.

۲- خدمت: الفبای رفتار آنها کمک به دیگران است. آنها برخلاف دیگران جاه‌طلب و رقابت‌جو نیستند. از اینکه در مقام دوم و یا حتی آخر قرار بگیرند، ناراحت نمی‌شوند.

● افراد فداکار با کمال میل می‌بخشند و منزجرند که مغرور و یا تحمیل کننده به نظر آیند اما رفتار غیرانسانی به شدت موجب تألم و آزارشان می‌شود.

● افراد فداکار غالباً رنج کشیده و گاهی بدبین به نظر می‌رسند اما همیشه از نظر عاطفی قوی و آماده به دوش کشیدن هر باری که در سر راه زندگیشان قرار می‌گیرد هستند.

● دو چیز افراد فداکار را سخت می‌آزارد: نخست آن که بیش از حد توان خود کار می‌کنند و دوم آن که از قدر ناشناسی و بی‌توجهی دیگران سخت می‌رنجند.

۳- مراعات: افراد فداکار در ارتباط با مردم بسیار با ملاحظه هستند. آنها پایبند اصول اخلاقی، صادق و قابل اعتماد هستند.

۴- پذیرش: آنها کسی را داوری نمی‌کنند، ظرفیت پذیرش نقاط ضعف دیگران را دارند و هرگز کسی را به سختی شمتت نمی‌کنند. آنها با خوب و بد شما سر می‌کنند.

هر کسی که دارای چنین شخصیتی باشد معنی زندگی را در تلاش برای بهبود زندگی دیگران می‌داند. برخی از ایشان بشر دوستان یا مبلغین مذهبی بزرگی می‌شوند. آنها همان کسانی هستند که کودکان سرراهی بیمار یا زخمی را به فرزندی قبول می‌کنند و داوطلب کمک به بیماران ایدز می‌شوند، همه توان بی‌پایانشان را در خدمت خیریه‌ها و جنبشها

می‌بخشند و منجزند از این که به نظر مغرور یا تحمیل کننده بیایند. اما رفتار غیرانسانی موجب تألم و سردرگمیشان می‌شود.

خوشوقتی توأم با عذاب وجدان همه افراد تیپ فداکار کمابیش نسبت به توجه مستقیم احساس ناخوشایندی دارند. خوششان نمی‌آید روی بلندی بایستند ر

● فداکاران افراطی همیشه اصرار دارند در راه کمک به دیگران از حد خارج شوند و معمولاً به این واقعیت توجه ندارند که شاید کسی کمکشان را نخواهد.

● بعضی افراد فداکار چنان عادی و طبیعی توجه دیگران را از خود دور می‌کنند که نزدیکانشان دیگر به تلاشهای فوق‌العاده آنها توجه نمی‌کنند، آنها را دست کم می‌گیرند و یا حتی از خلق خوش آنها سوءاستفاده می‌کنند.

۵- فروتنی: آنها نه متکبرند و نه مغرور و از اینکه در اطرافشان هیاهو کنند خوششان نمی‌آید. زنان و مردان فداکار دوست ندارند مرکز توجه واقع شوند، از قرار گرفتن در معرض توجه و دقت زیاد احساس ناراحتی می‌کنند.

قرار می‌دهند و نیازهای خود را فدای برآوردن نیازهای خانواده می‌کنند. آنها به سوی موجودات دردمند و محتاج کشیده می‌شوند و برای التیام رنجهایشان، هرچه از دستشان برآید انجام می‌دهند. برخی از افراد فداکار شفا دهندگان واقعی هستند.

احساس غریبی می‌کنند حتی اگر من باب خوشامد گفته شود: «می‌خواهم برای یکبار هم که شده سعی کنم تو را خوشحال کنم.» شخص فداکار وقتی باعث شادی و آسایش دیگران بشود، احساس راحتی می‌کند اما وقتی دیگری بخواهد همین کار را برای او انجام دهد ناراحت می‌شود.

۶- تحمل: آنها تحمل رنج فراوان دارند. ترجیح می‌دهند در زندگی بارشان را خود به دوش بکشند. در مقابل سختیها بسیار صبور و پرنظرفیتند.

به خاطر خطا از من تشکر نکن  
زنان و مردان فداکار، فعال، نیرومند، پرا انرژی، برانگیخته و سخت کوش هستند و تلاششان همواره به سود دیگری است. آنها به طور طبیعی توجه اطرافیان را از خود منحرف می‌کنند و با فروتنی خاص افراد فداکار: اصرار دارند که: «به خاطر خدا از من تشکر نکنید.» فداکار دلش نمی‌خواهد همه اعتبار کار را به خود اختصاص دهد. از جلب توجه لذت نمی‌برد و احساس صداقت نمی‌کند.

این احساس ناراحتی شبیه به احساس گناه است. انگار در عمق وجودشان خود را شایسته این توجه نمی‌دانند.

۷- سادگی: افراد فداکار معمولاً ساده لوح و معصومند. آنها اغلب از تاثیر عمیقی که در زندگی دیگران بر جای می‌گذارند، بی‌خبرند و هرگز مایل نیستند نسبت به کسانی که اینهمه در راهشان ایثار می‌کنند ظن نادرستی یا دورویی ببرند.

احتیاط: خیابان یک طرفه است  
فداکاران که ترجیح می‌دهند بدهند تا بگیرند، انسانهایی خیر و حتی روحانی هستند. اما زمانی که نوبت به برآورده شدن حواشی خودشان می‌رسد، از آنجا که نمی‌توانند به آسانی علاقه دیگران را بپذیرند، ممکن است درگیر روابط نامتعادل شوند. آنها متوجه نیستند که وقتی برای خودشان درخواستی ندارند و یا خود را شایسته چنین توجهی نمی‌دانند، غالباً باعث سرخوردگی طرف مقابل که او هم مایل به دادن است می‌شوند.

◀ شش عرصه عمل فداکار  
بدون تردید رابطه با دیگران عرصه اصلی فعالیت فداکار است.

روابط: همه چیز برای تو  
بعضی اشخاص حس ایثار و فداکار را در مورد اقوام و بستگان درجه یک و دوستان نزدیک دارند ولی افراد فداکار در مورد همه کس چنین حسی دارند. آنها آرام، مهربان و خوش خلقند و آفریده شده‌اند تا به دیگران کمک کنند. در هر رابطه‌ای دست دراز می‌کنند تا بدهند.

در واقع برخی از افراد فداکار چنان عادی و طبیعی توجه دیگران را از خود دور می‌کنند که نزدیکانشان دیگر به تلاشهای فوق‌العاده آنها توجه نمی‌کنند و آنها را دست کم می‌گیرند و یا حتی از خلق خوش آنها سوءاستفاده می‌کنند. هنگامی که فداکار مکرراً پافشاری می‌کند که از او تشکر نکنند، توجه خاصی به او نکنند، دیگران نسبت به کمکهای او بی‌تفاوت می‌شوند و همین باعث رنجش او می‌شود.

افراد بسیار فداکار چون از توجه و بخشش دیگران شرمند می‌شوند و احساس ناخوشنودی می‌کنند، ناگزیر با کسانی جفت می‌شوند که فقط گیرنده باشند و چیزی برای دادن نداشته باشند، جفتهایی خودخواه و حتی ظالم که تنها به فکر خواستههای خودشان هستند.

هنگامی که کاری برای کسی انجام می‌دهند، احساس زنده بودن می‌کنند و تنها همین است که به حساب می‌آید. به عبارت دیگر آنها نوع دوستند.

هر قدر هم افراد فداکار نخواهند به خاطر تلاشهای عاری از خودخواهیشان مورد توجه فوق‌العاده قرار گیرند اما به هر حال مانند هر انسان دیگری به محبت و قدردانی نیاز دارند. آنها با کمال میل

مرز مناسب  
مسلماً برای افرادی با خصوصیات تیپ

فداکار، که بهترینها را فقط برای دیگران می‌خواهند، مشکل است که مرز کفایت را تشخیص دهند. فداکاران میانه‌روتر می‌توانند در دادها و خدمت کردنشان تعادل برقرار کنند و شاید حتی بتوانند با کمی تلاش برای خودشان هم تقاضاهای بیشتری داشته باشند اما هنگامی که خصوصیت فداکاری به حد افراط برسد، به هر حال بخششها و خدمات

مناسب، میان افراد تبعیض قایل نمی‌شوند. آنها به کسانی که نهایت استفاده را از طبیعت یاری‌رسان، آرام، بخشنده، مطیع و فروتنشان بکنند، می‌چسبند و خطرات یک انتخاب نامناسب را هم به جان می‌خرند. به دلیل وجود صفت بخشندگی و شکیبایی در این افراد حتی یک رابطه ناسازگار را هم به جای قطع، ادامه می‌دهند.

اگر روحیه شما فداکار است با کسانی که از توجه و محبت لذت فراوان می‌برند، زندگی خوشی خواهید داشت. اما افراد ماجراجو یا سلطه‌طلب ممکن است از شما سوءاستفاده کنند. از افرادی هم که دارای اعتماد به خود بیش از حد هستند اجتناب کنید زیرا با وجود آن که از دریافت محبت‌های شما بسیار خوشحال می‌شوند، به

## ● والدین فداکاری که تا نهایت جان در راه فرزند تلاش می‌کنند از مشاهده ناخشنودی او و یا اینکه به دنبال زندگی خودش رفته است به غایت ناامید می‌شوند.

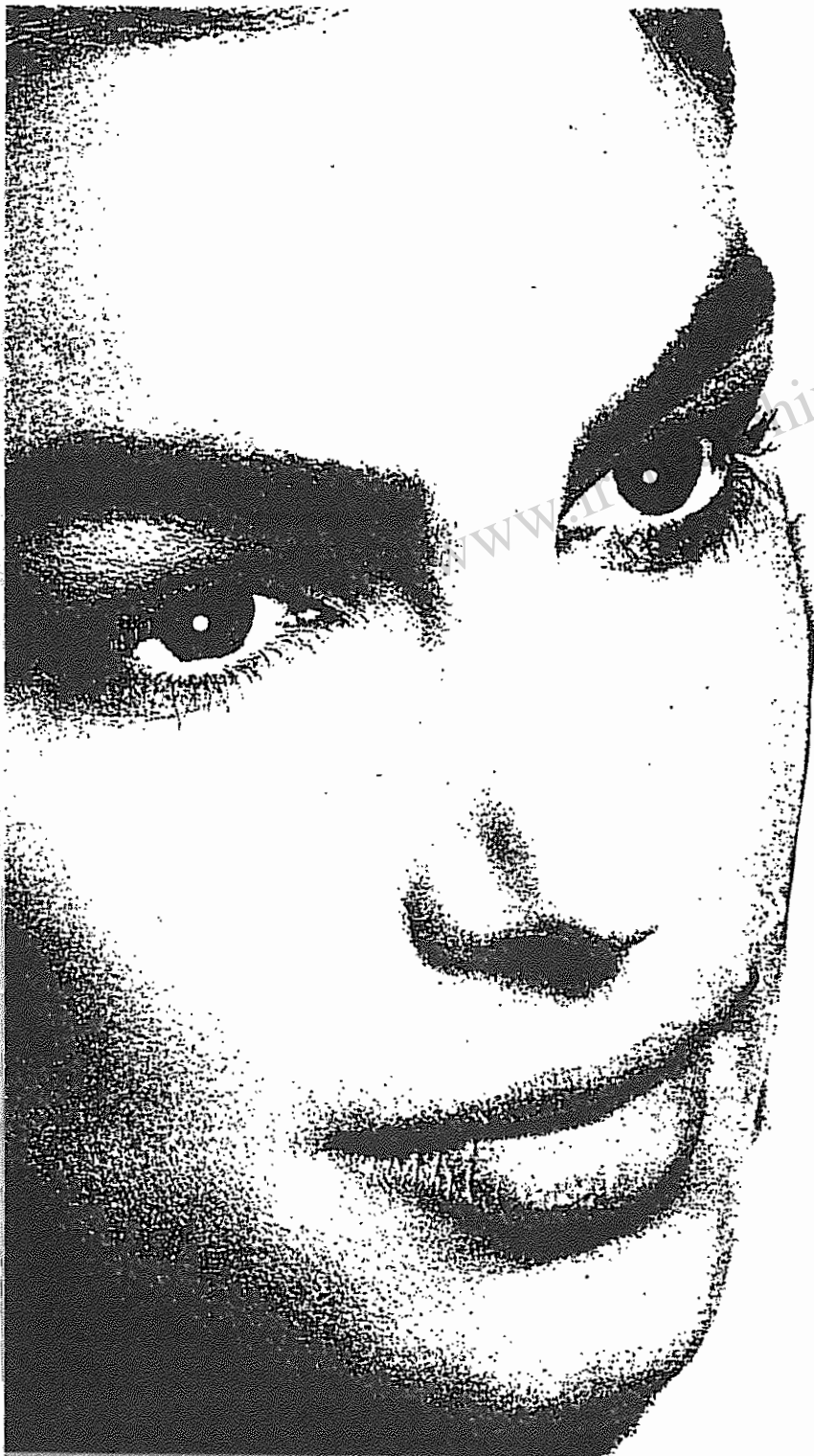
تمام نشدنی، دین و تعهد ناخوشایند و ناخواسته‌ای را به دیگران تحمیل می‌کند. افراد فداکار همیشه اصرار دارند در راه کمک به دیگران از حد خارج شوند و معمولاً به این واقعیت توجه ندارند که شاید کسی کمکشان را نخواهد. «اجازه بدهید برایتان انجام دهم.» های ناخواسته غالباً مردم را عصبی می‌کند.

### والدین فداکار

موفقیت در وظایف والدی توان فداکاری برای فرزند آن هم بدون چشمداشت را اقتضا می‌کند - البته با حفظ حدود. افراد فداکار میانه‌رو به طور طبیعی و با رضایت خاطر از وجودشان مایه می‌گذارند و باعث می‌شوند فرزندانشان در زندگی عمیقاً احساس امنیت کنند. فداکاران افراطی ممکن است از خود شهید بسازند و احساس عذاب وجدان را به فرزندانشان تحمیل کنند. آنها تا نهایت جان در راه فرزند تلاش می‌کنند و آنگاه از مشاهده ناخشنودی او یا اینکه در بزرگی به دنبال زندگی خودش برود، به غایت ناامید می‌شوند. والد بسیار فداکاری که «از همه چیزم صرف‌نظر کردم تا تو بتوانی به دانشکده پزشکی بروی»، ممکن است نتواند با ملایمت تصمیم فرزندش مبنی بر انتخاب شغلی در رشته موسیقی را بپذیرد. «ولی مادر، من که هیچ‌چیزم نخواستم دکتر بشوم. هیچوقت از شما نخواستم از لباس تازه یا اتوموبیلتان به خاطر من صرف‌نظر کنید.»

### ◀ زوجهای مناسب و نامناسب

افراد فداکار آنچنان در فکر نیازها و خواسته‌های دیگران هستند که می‌شود گفت با هر روحیه‌ای می‌توانند سازگاری داشته باشند. به طریق اولی در انتخاب زوج



کمکی کنند و در هر رابطهای دست دراز می کنند تا بهینند.  
افراد فداکار آرام، مهربان و خوش خلقند و آفریده شده اند تا به دیگران

نیازهای شما توجه نخواهند کرد و مأیوستان خواهند کرد. به جز این چند مورد با روحیه های دیگر مشکل چشمگیری نخواهید داشت.

### ◀ عواطف، کف نفس، و دنیای واقعی: مشکل خوشی

همانطور که دیدیم زنان و مردان فداکار بیشتر دهنده خوشی هستند تا گیرنده آن، اما - هرچند به نظر نمی رسد می توانند ظرفیت بالایی در دریافت عواطف ارضاکنده و اشتیاقهای سیراب نشدنی داشته باشند. می توانند از نظر عاطفی احساس رضایت و شادی کنند، به ویژه هنگامی که کار خوبی برای کسی انجام داده باشند.

برای برخورداری از لذت آشکار، خلوت و تنهایی، نقش کلیدی دارد. در حضور دیگران خود به خود از آسایش شخصی چشم می پوشند تا آسایش دیگری را فراهم کنند. آنها ترجیح می دهند آشپزی و پذیرایی کنند، تا این که خود خورنده خوراک باشند. آنها می ایستند تا دیگران بنشینند. صندلی ناراحت را انتخاب می کنند تا دیگری در صندلی راحت بنشیند. آنها اینطورند و به همین درد می خورند اما از آنجایی که هدف غایی آنها در زندگی ارضای دیگران است، همیشه با شدت و سختی پا روی احساسات و نیازهای خود می گذارند تا همیشه برای دیگران وقت کافی بماند. فداکاران افراطی، سخت گیر، عبوس و خسیس هستند و در مجاورتشان به کسی خوش نمی گذرد.

### ◀ دقایق مسروقه

همین افراد - اگر کسی در اطرافشان نباشد - استراحت و رسیدن به خود را بسیار آسان و لذتبخش خواهند یافت. می توانند روی یک مبل راحت لم دهند، یک ظرف بستنی را تا ته بخورند، یک فیلم مهیج تماشا کنند و به خودشان خوش بگذرانند.

روحیه فداکاری هرچه در فرد قویتر باشد، اوقات بیشتری را در کنار افراد دیگر خواهد گذراند، و نگران است که مبادا کاری یا خدمتی از او برآید و انجام نداده باشد. او تنها زمانی به خوشی خود می پردازد که کسی نبیند، گویی کار خلافی انجام می دهد که باید از آن احساس گناه کند.

### ◀ دنیای تاریک

افراد فداکار به دلایل عیدیه در مقابل



اندوه و افسردگی آسیب پذیرند. دنیای واقعی در نظر آنها جای بد و ناخوشایند و به طرز دردناکی واقعی است و در این دنیا رسالت آنها بهتر کردن اوضاع برای دیگران است. حتی فداکارانی که روحیه میانه‌روتری دارند، به دلیل تلاشهای نودوستانه‌شان در کمک به نیازمندان، بیشتر از دیگران در معرض درد، پریشانی و تیره‌روزی انسانها قرار می‌گیرند. آنها زندگی را خوشایند، منصفانه و یا سهل نمی‌بینند فداکاران افراطیتر به خاطر احساس عمیق و درونی عذاب وجدان و احساس تعهد بی‌پایان و غیرقابل انجام نسبت به دیگران، دچار اندوه می‌شوند. آنها نمی‌دانند چطور برآشفنگی خود را به نزدیکانشان ابراز کنند یا حتی آنها را از این که چنین احساساتی را در درونشان می‌پروراند، آگاه سازند. دیگران ممکن است نتوانند کاری از دوششان بردارند.

به این دلایل و دلایل دیگر، افراد فداکار اغلب رنج کشیده و گاهی بدبین به نظر می‌رسند اما همیشه از نظر عاطفی قوی و آماده به دوش کشیدن هر باری که در سر راه زندگی‌شان قرارگیرد، هستند.

## فشار

دو مسئله افراد فداکار را تحت فشار قرار می‌دهد. اول این که بار بیش از حد توانشان برمی‌دارند: با کمال میل از اوقات فراغت خود چشم می‌پوشند تا از دیگران مراقبت کنند. بدون استراحت و تفریح آنقدر پیش می‌روند تا سرانجام ناگزیر لحظه‌ای را برای استراحت خود «بدزدند». قبول کمک دیگری هم برایشان بسیار مشکل است. به این ترتیب ممکن است با کار بیش از حد سلامت خود را به خطر اندازند.

رنجش دومین عاملی است که فداکار را تحت فشار قرار می‌دهد و آن زمانی بروز می‌کند که احساس کند علیرغم همه چیز، دیگران قدرش را نمی‌دانند، درکش نمی‌کنند و دوستش ندارند.

ولی افراد فداکار قوی هستند. می‌توانند مشکلات دیگران را همچون مشکلات خود تحمل کنند. «چه خوشم بیاید چه نیاید، زندگی همین است. من می‌توانم با آن بسازم.» و آنها بر سر حرف خود می‌مانند مگر اینکه کاملاً از پا درآمده باشند که در آن صورت هم آستینها را بالا می‌زنند و تعادل عاطفی خود را با انجام کار نیکویی برای دیگری، دوباره به دست می‌آورند.

● در زندگی خصوصی با افراد فداکار این نکات را رعایت کنید:

۱ - هر قدر او پافشاری کند که «کاری نکرده‌ام»، تلاشهای او را درک کنید و در نظر بگیرید. درست است که تعریف و تمجید شرمنده‌اش می‌کند اما دروناً نیازمند توجه و قدردانی شماست.

۲ - سعی کنید یک راه بده و بستان راحت پیدا کنید. افراد فداکار «باید» به دادن، کمک کردن و خدمت کردنهایشان ادامه دهند اما شما هم می‌توانید کمکشان کنید که فرصتی برای استراحت و تفریح پیدا کنند. به فداکار زندگیتان اصرار کنید که دست از تعمیر وسایل یا اطوی لباس‌تان بردارد و بیاید و فقط به آرامی در کنارتان بنشیند.

۳ - ترجمان زبان «فداکاری» را بیاموزید. ممکن است معنی «به خاطر خدا از من تشکر نکنید»، «درست نمی‌دانم این کار را به حساب خودم بگذارم، ولی از تعریف متشکرم.» باشد. مشابه آن: «واقعاً دلم نمی‌خواهد شام بیرون بروم.» معمولاً یعنی «فکر نمی‌کنم درست باشد شام بیرون بروم و خوش بگذرانم، پس خواهش می‌کنم مرا به زور ببر.»

۴ - سعی کنید بخشش او را رد نکنید و از توجه مدام او شرمند نشوید. فداکار اول به شما فکر می‌کند. از این کار خوشش می‌آید پس آرام باشید و از اینهمه توجه لذت ببرید. در هر حال بر سر آن دعوا نکنید.

۵ - مواظب باشید سوءاستفاده نکنید. بعضی از فداکاران افراطی شاید به شما بیش از حد ببخشند و یا برای خوشایند شما از قاعده خارج شوند. این شخص هر رفتاری هم داشته باشد، برده شما نیست. اگر او مرز را نمی‌شناسد، شما بشناسید. اما وقتی اظهار لطفی را رد می‌کنید، علتش را هم توضیح دهید.

۶ - در کمک هر چه بیشتر به او پافشاری کنید. لباس‌تان را خود به خشکشویی ببرید، حتی اگر اصرار داشته باشد که انجام این کار هیچ زحمتی برایش ندارد. ظرفها را بشویید، باغچه را آب بدهید، یا به هر حال راهی پیدا کنید که از حجم کاری که به عهده اوست بکاهد. این کار به خود شما کمک می‌کند که در روابطتان تعادل ایجاد کنید و همچنین سوءاستفاده از کسی را که مایل است همه کار برایتان انجام دهد، برایتان مشکل خواهد کرد.

۷ - در این باره حرف بزنید. سعی کنید

فرد فداکار زندگیتان را متقاعد کنید که مشارکت در ساعات فراغت شما، یکی از بهترین کارهایی است که می‌تواند برایتان انجام دهد. بدون ایجاد زمینه از جانب شما، ممکن است حقیقتاً نداند که شما به چیزی غیر از آنچه او انجام می‌دهد نیز احتیاج دارید.

## چگونه به بهترین وجه از

### شخصیت فداکاران استفاده ببرید:

شما طبیعتاً فردی سخاوتمند، یاری‌دهنده و بخشنده هستید. شما سخت کار می‌کنید تا دیگران را خوشحال کنید، حتی اگر از شما نخواستند باشند یا تشکر هم نکنند. شاید بیش از آنچه تصور می‌کنید نیازها و شادیهایی خود را کتمان می‌کنید. سعی کنید با تدبیر بیشتر در دادن و قاطعیت بیشتر در گرفتن، تعادل مناسبتری در بده و بستانهایتان ایجاد کنید.

### تمرین شماره یک

در تصوراتتان محض تنوع، توجهتان را به خودتان معطوف کنید. وقتی با دیگران هستید، خود به خود به فکر برآوردن نیازهای آنها هستید. دفعه بعد، تصور کنید که خودتان در شرایط مشابه چه می‌خواستید. برای مثال وقتی می‌دوید تا برای مهمانان جای درست کنید، تصور کنید کس دیگری این کار را انجام می‌داد و حتی یک فنجان چای هم مخصوص شما می‌آورد. وقتی به مشکلات دوستی گوش می‌کنید و سعی دارید راه حلی برای او بیابید، تصور کنید شما گوینده‌اید و او شنونده. اینها فقط تمرین فکر کردن است و ممکن است احساس ناخوشایندی به شما دست دهد زیرا اینها بر خلاف طبیعت شما هستند. نکته اصلی این است که بفهمید چیزهایی هم هست که شما می‌توانید از گرفتنشان از دیگران واقعاً لذت ببرید. فهرستی از همه خواستهایی که برایتان لذتبخش است تهیه کنید. ممکن است در تنهایی راحت‌تر بتوانید این کار را انجام دهید، به هر حال فهرستی تهیه کنید از کارهایی که دلتان می‌خواهد دیگران برایتان انجام دهند.

### تمرین شماره دو

خواستن را یاد بگیرید. بگذارید دیگران از خواستهها و انتظاراتتان باخبر شوند. یکی دو مورد از فهرستی را که در تمرین یک تهیه

کرده‌اید، انتخاب کنید و از کسی بخواهید آن را برایتان تهیه کند یا انجام بدهد. مثلاً اگر شما صبح زود بیدار می‌شوید و صبحانه را آماده می‌کنید اما دلتان می‌خواهد که یکبار هم همسرتان این کار را انجام دهد، از او بخواهید. بگویید: «عزیزم چطور است فردا صبحانه را تو درست کنی.» او حیرت‌زده نخواهد شد! اگر در طرح چسبیدن درخواستهایی راحت نیستند، نگران نباشید، عادت می‌کنید اما حرفتان را پس نگیرید. اگر همسرتان پاسخ داد: «حرفی ندارم ولی نمی‌دانم چقدر جای درست کنم.» بگویید: «اشکالی ندارد، یادت می‌دهم.» ممکن است همسرتان با خوشحالی تعجب کند و بگوید: «با کمال میل، هرگز فکر نمی‌کردم واقعاً چنین چیزی بخواهی.» مردم اغلب اظهار می‌کنند که خیلی دلشان می‌خواهد بدانند فرد فداکار زندگی‌شان واقعاً چه خواسته‌ای دارد.

#### تمرین شماره سه

وقتی کسی مایل است کاری برایتان انجام دهد یا کمک‌تان کند، رد نکنید.

#### تمرین شماره چهار

اگر احساس می‌کنی با شما خوب رفتار نمی‌کنند، اظهار کنید. فداکاران معمولاً از اطرافیان بهترین رفتارها را انتظار دارند و وقتی از آنها سوء استفاده می‌شود، به حق می‌رنجند. ممکن است اگر پیشتر درباره‌ی چنین رفتاری صحبت کنید، بتوانید از بروز آن جلوگیری کنید.

#### تمرین شماره پنج

بشمارید در طول روز چند بار عذرخواهی می‌کنید. اگر غذا کمی زیادی پخته باشد، اگر پنج دقیقه دیر کنید، اگر فراموش کنید به موقع روغن اتوموبیل را عوض کنید، توجه کنید که تا چه حد قضیه را بزرگ جلوه می‌دهید. اگر متوجه شدید در مورد موضوعات نسبتاً ناچیز بیش از حد عذرخواهی می‌کنید، از خود بپرسید آیا برای خوشایند دیگران اهمیت بیش از اندازه قایل

نیستید؟ سعی کنید خودتان را کنترل کنید و پیش از هر عذرخواهی تأمل کنید. ببینید آیا موردی وجود دارد که به خاطرش شرم‌منده باشید یا خیر.

#### تمرین شماره شش

هر بار که می‌خواهید برای کسی از خودگذشتگی نشان دهید، از خود سؤال کنید: «آیا این کار به سود من هم هست؟» در زندگی مواقعی پیش می‌آید که باید از خود پرسید: «این کار چه نفعی برای من دارد؟»

مثلاً وقتی داوطلب می‌شوید برای آوردن دوستی دو ساعت تا فرودگاه رانندگی کنید، در حالی که او به راحتی می‌تواند تاکسی کرایه کند یا سوار اتوبوس بشود، دست نگه دارید و فکر کنید آیا فدا کردن همه‌ی روزتان معنی دارد؟ یا مثلاً وقتی پیشنهاد می‌کنید یک مهمانی به افتخار دوستان خارج از شهری که برای عروسی دختر دوستان آمده‌اند، ترتیب دهید، از خود بپرسید آیا واقعاً وقت، انرژی، و پول کافی - بگذریم از انگیزه‌ی کافی - برای این کار دارید؟ به عبارت دیگر آیا واقعاً دلتان می‌خواهد این کار انجام دهید یا فکر می‌کنید برای اینکه نشان دهید دوست خوبی هستید، انجام این کار لازم است؟

وقتی به دوست معاتذتان پس از آنکه همه‌ی پس انداز خانواده را صرف مواد مخدر کرده و همسرش او را از خانه بیرون انداخته، پیشنهاد می‌کنید نزد شما بماند، از خود بپرسید این کار چه نفعی برای شما دارد؟ با همه‌ی مهربانیتان، فکر می‌کنید بتوانید او را عوض کنید؟ فکر می‌کنید او اگر از بزرگواری، ایثار و طبع لطیف شما - گذشته از اموالتان - سوء استفاده نکند، قدردانی خواهد کرد؟ او قدر خانواده خود را ندانسته است، چطور انتظار دارید قدر شما را بداند؟

#### تمرین شماره هفت

پیش از آنکه داوطلب انجام کاری برای کسی بشوید، از خود بپرسید آیا این شخص

واقعاً دلش می‌خواهد چنین کاری برایش انجام دهید یا خیر؟ خوراک لازانیای شما شاید در دنیا بهترین باشد ولی آیا دخترتان دلش می‌خواهد شما لازانیا درست کنید و با خود به مهمانی شام او ببرید؟ اول فکر کنید، آگاه باشید که مردم اغلب دوست دارند خودشان کارهایشان را انجام دهند و حتی برای شما هم کاری بکنند. شاید دخترتان دلش بخواهد خودش برای شما شام تهیه کند، شاید هم به همین علت از شما دعوت کرده است.

#### تمرین شماره هشت

روی آرامش تمرکز کنید. روزانه حداقل ۱۵ دقیقه را به استراحت مطلق اختصاص دهید. فکرتان را متوجه احساس خوشایند استراحت و آرامش کنید.

#### تمرین شماره نه

با احساس گناه مبارزه کنید. هر بار که دیدید به خاطر داشتن اوقاتی خوش احساس ناراحتی یا گناه می‌کنید، به خودتان بگویید: «احساس خوب داشتن بسیار خوب است. چرا نگران هستم؟ من شایستگی آن را دارم.»

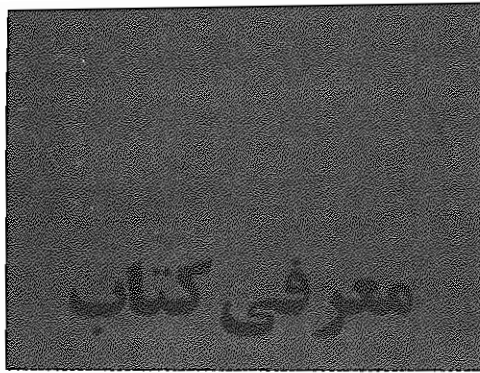
#### تمرین شماره ۱۰


شاد باشید و در خوشبختی شرکت کنید. وقتی در کنار دیگران هستید دائماً در فکر خوشحال کردن آنها هستید و این نمی‌تواند شادی متقابل ایجاد کند. با انگیزه دادن محض و نگرفتن یا نخواستن مبارزه کنید. بروید و در راحت‌ترین صندلی بنشینید، پیش از آنکه آن را برای مهمانان در نظر بگیرید.

در شروع ممکن است قرار گرفتن در موضع گیرنده را خودخواهی بدانید اما برای اغلب زوجها امکان برآوردن خواست دیگری ایجاد لذت می‌کند و این لذتی است که خود شما خوب از آن خبر دارید. اگر متوجه شدید طرف مقابل شما از دادن امتناع می‌کند، آنگاه به سراغ تمرین شماره شش بروید و از خود بپرسید: «این رابطه چه نفعی به حال من دارد؟»







**۹۹** چنان که اطلاع دارید مجله زنان در هر شماره فهرست کتابی منتشر می‌کند. این فهرست شامل سه دسته از کتابهاست: اول کتابهایی که مؤلفین آنها زن هستند. دوم کتابهایی که مترجم آنها زن هستند و سوم کتابهایی که موضوع آنها مربوط به مسائل زنان و خانواده است. امیدواریم این فهرست پس از چندی بتواند منبع ارزشمندی از این سه دسته کتاب شود و نمایانگر فعالیت زنان در سطح جامعه باشد. از نویسندگان، مترجمان و ناشران محترم دعوت می‌کنیم که نسبت به ارسال کتابهای خود برای معرفی در مجله اقدام فرمایند. 

### کلیات

- چگونه فهرستنویسی کنیم / لیز جیمین، ترجمه فیروزه برومند - صلیقه امینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ۱۷۶ ص، ۱۳۰ تومان.  
- به من بگو چرا؟! / آرکدی لئوکوم، ترجمه شهیندخت ربین‌زاده، تهران، جامی، ۱۳۷۱، ۲۰۸ ص، ۱۳۰ تومان.

### فلسفه و روان‌شناسی

- ارتباط، ارتباط درمانی و الگوهای ارتباطی در خانواده / اختر ابراهیمی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۱، ۱۱۲ ص، ۱۱۰ تومان.  
- پیشگیری و درمان لکنت زبان / ناهید عظیمی‌زاده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ۲۴۰ ص، ۱۴۰ تومان.  
- چگونه شخصیت فرزندان خود را پرورش دهید / محترم مؤمنی، تهران، نور، ۱۳۷۱، ۱۶۰ ص، ۹۰ تومان.  
- عالم پراحساس کودک / رخسان بقایی یزدی، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۱، ۸۸ ص، ۲۵ تومان.  
- روان‌شناسی مرضی / باربارا ساراسون - ایروین ساراسون، بهمن بخاریان و دیگران، تهران، رشد، ۱۳۷۲، ۶۳۱ ص، ۵۵۰ تومان.  
- وابستگی عاطفی / ملودی بیتی، فرامرز مسیحی، مترجم، ۱۳۷۲، ۲۴۴ ص، ۱۸۰ تومان.  
- آیین زندگانی / دیل کارنگی، ترجمه سوسن اردکانی، تهران،

جاویدان، ۱۳۷۱، ۴۹۶ ص، ۳۰۰ تومان.  
- زندگی با عشق چه زیباست / لئو بوسکایا، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، تهران، روشنگران، ۱۳۸۸ ص، ۲۰۰ تومان،  
- شفای زندگی / لوییز هی، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۱، ۲۳۶ ص، ۲۵۰ تومان.  
- یک دقیقه برای خودم / اسپنسر جانسون، ترجمه صلیقه ابراهیمی (فخار)، تهران، مترجم، ۱۳۷۱، ۱۴۴ ص، ۷۵ تومان.  
- با بچه‌های شیطان بی‌قرار چه کنیم؟! / بل کارمن، ترجمه هنگامه شهریاری، تهران، نشر مینا، ۱۳۷۱، ۱۷۶ ص، ۱۳۰ تومان.

- اعترافات هیپنوتیزم شدگان، «درمان با هیپنوتیزم» / ارسولا مارکهام، ترجمه شیوا پرتوی، تهران، سمسور، ۱۳۷۲، ۱۸۴ ص، ۱۳۰ تومان.  
- زبان احساسات / دیوید وسیکات، ترجمه آیدا مسیحی، تهران، مترجم، ۱۳۷۲، ۱۰۲ ص، ۸۰ تومان.  
- روان‌شناسی کنترل وزن / جنیفر اشکرانت، ترجمه فاطمه همدانی، تهران، دنیای نو، ۱۳۷۲، ۱۷۶ ص، ۱۳۵ تومان.  
- بی‌چینگ یا کتاب تقدیرات / آلفرد داگلاس، ترجمه سودابه فضایی، تهران، نقره، ۱۳۷۲، ۳۴۶ ص، ۲۸۰ تومان.

### زبان


- بررسی هادخت نسکا / مهشید میرفخرایی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲،

۲۰۴ ص، ۲۱۰ تومان.  
- ساخت اشتقاقی واژه در زبان فارسی امروز / ایران کلباسی، ویراستار فرزانه وزوایی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی پژوهشگاه، ۱۳۷۲، ۲۲۲ ص، ۱۶۰ تومان.  
- شیوه نو در آموزش دستور زبان انگلیسی / پریش منوچهری، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲، ۷۵۷ ص، ۷۲۵ تومان.

- فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی / شیده جلالی‌فر، تهران، ایمان، ۱۳۷۲، ۴۶۲ ص، ۱۱۰ تومان.  
- فرهنگ کوچک فارسی - انگلیسی / شیده جلالی‌فر، تهران، ایمان، ۱۳۷۲، ۳۹۷ ص، ۱۰۰ تومان.

### علوم اجتماعی

- ایمنی در آزمایشگاه ج ۲ / زهرا حریر فروش - مینا توکلی - پروانه کریمی، تهران، کانون صنایع آموزشی، ۱۳۷۱، ۸۰ ص، ۸۰ تومان.  
- آشنایی با وسایل و مواد آزمایشگاهی / زهرا حریر فروش - مینا توکلی - پروانه کریمی، تهران، کانون صنایع آموزشی، ۱۳۷۱، ۵۶ ص، ۶۰ تومان.  
- سرعت در آموزش خواندن و نوشتن کلاس اول / مریم وقار، تهران، آینه کتاب، ۱۳۷۱، ۲۸ ص، ۳۵ تومان.  
- راهنمای خانواده (یکصد و بیست خطر در کمین فرزند شما) / طهمورت فرزین، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۱، ۱۴۴ ص، ۶۰ تومان.  
- راهبردهایی در راستای ترویج آموزش دختران / محمدعلی

آتشیرگ، تهران، یونیسیف، ۱۳۷۱، ۱۰۲ ص.  
**علوم خالص **  
- ۱۰۰۱ سؤال و جواب علمی / بریجت آردلی، ترجمه پوران طوافی، تهران، خشایار، ۱۳۷۱، ۴ ج، ۲۴۰ تومان.

- آزمونهای فیزیک / سوزان لی، ترجمه ناصر مقبلی، تهران، انجمن فیزیک ایران، ۱۳۷۱، ۳۲۸ ص، ۱۶۰ تومان.  
- آموزش شیمی / ناهید پورقاسمی، تهران، باستان، ۱۳۷۱، ۱۶۰ ص، ۱۰۰ تومان.  
- اعداد / آیزاک آسیمروف، ترجمه مریم مهجوری، تهران، دنیای نو، ۱۳۷۱، ۴۸ ص، ۳۵ تومان.  
- حلالیت و حلالها برای کارهای حفاظتی / جورجیو تورکا، ترجمه شیدا ذبیحی، اصفهان، مولانا، ۱۳۷۱، ۸۲ ص، ۸۰ تومان.  
- زلزله / آیزاک آسیموف، ترجمه سیماداد، تهران، دنیای نو، ۱۳۷۱، ۵۶ ص، ۳۵ تومان.

### بانوی مجتهدة ایرانی

ناصر باقر بیدهندی  
چاپ اول - ۱۳۷۱  
مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی  
۶۰ تومان  
موضوع کتاب شرح حال خانم نصرت امین اصفهانی (۱۲۶۵-۱۳۶۶) است. این بانوی بزرگ از زنان فقیه و مجتهدة دنیای اسلامی و از اساتید حوزه علمیه اصفهان و نویسندگان شهر ایرانی است.



۵۹ می‌گویند زمانی یک مرد مسلح تگزاسی را مجبور کرده بودند در اتاق مجاور فردی که با صدای بلند خروپف می‌کرد بخوابد اما او در نیمه‌های شب با شلیک یک گلوله از پشت دیوار، فردی را که مزاحم خوابش شده بود به قتل رساند! حتی اگر این ماجرا را یک افسانه غیرمستند تلقی کنیم، انگیزه‌ای که موجب این قتل شده، در فرهنگ ملل مختلف موضوع ناآشنایی نیست. این عارضه باعث می‌شود که هم اتاقیهای افراد مبتلا به خروپف در منازل، سرباز خانه‌ها و خوابگاههای دانشجویی، ساعتها بی‌خوابی بکشند و گاهی منجر به تیرگی روابط خانوادگی و یا حتی گسستگی این روابط می‌شود. ❏

### ۱ - ضعف عضلانی

ضعف عضلانی معمولاً علت خروپفهایی است که در مراحل خواب عمیق اتفاق می‌افتد. در این زمان عضلات گلو شل می‌شوند و زبان به عقب می‌افتد. به همین علت بافتهای نرم ناحیه فوقانی تنفس به ارتعاش درمی‌آیند. با در نظر گرفتن نیروی ثقل یا جاذبه زمین می‌توان پی برد که چرا اغلب خروپفها، هنگامی که فرد به حالت طاقباز و به پشت خوابیده است رخ می‌دهند.

### ۲ - موانع راههای تنفسی

گاهی موانعی که بر سر راههای تنفسی وجود دارند می‌توانند علت ارثی داشته باشند. در اغلب افراد اندازه زبان کوچک (عضو گوشتی و کوچکی که در انتهای حلق

خروپف معمولاً با «آپنه» همراه است که نوعی اختلال تنفسی مربوط به افزایش فشار خون، ناراحتیهای قلبی - عروقی، سردردها، افسردگی و خستگی است.

علت ایجاد صدای خروپف به زبان ساده، ارتعاشات بافتهای نرم راههای تنفسی فوقانی است. به طور کلی سه عامل عمده در تولید این صدا دخیل هستند که عبارتند از:

#### ۱ - ضعف عضلانی

۲ - توده‌هایی که در مسیر عبور هوای تنفسی مانع ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال خروپف در کودکان اغلب می‌تواند مربوط به بزرگی لوزه‌ها یا لوزه سوم باشد.

۳ - گرفتگیها و انحرافات بینی که تنفس از راه بینی را دچار اشکال می‌کند.

آویزان است) به طور متوسط کمی بیش از نیم سانتیمتر است. اما در بعضی افراد این عضو به میزان چهار برابر بزرگتر از افراد عادی است. در برخی دیگر از خانواده‌ها بعضی از صفات ارثی نیز موجب تشدید خروپف می‌شود. مثلاً افراد چاق نسبت به افراد لاغر بیشتر مستعد ابتلا به عارضه خروپف هستند و علت این امر هم این است که چاقی و پف آلودگی آنها منحصر به اندام خارجی بدنشان نمی‌شود بلکه اعضای داخلی بدن نیز حالت بزرگی و پف آلودگی پیدا می‌کنند.

بیشتر افراد سیگاری نیز جزو گروهی هستند که خروپف می‌کنند. علت این امر هم این است که غشای مخاطی گلوی آنها با تحریک مداوم سیگار متورم و باعث تنگی راه تنفسیشان می‌شود.

### ۳ - گرفتگی مجرای تنفسی بینی

این عامل می‌تواند دلایل متعددی از جمله احتقان بینی، تب یونجه، پولیپ بینی و در بعضی موارد انحراف دیواره میان بینی داشته باشد.

در بعضی موارد ممکن است فردی که مبتلا به عارضه خروپف است، در حین خواب دچار انسداد کامل راه تنفسی شود که به همین علت تنفس او برای مدت کوتاهی قطع می‌شود و مضطرب از خواب می‌پرد و با یک نفس عمیق و بلعیدن حجم زیادی از هوا، کمبود اکسیژن بدنش را جبران می‌کند و مجدداً به خواب می‌رود. این حالت که معروف به «آپنه انسدادی» است، ممکن است در طول شب چندین بار برای فرد رخ دهد برای او ناراحتیهای شدید قلبی و ریوی و حتی مرگ همراه داشته باشد.

### درمان

یکی از راه‌حلهای معروف برای خلاصی از شر خروپف، دوختن یک گلوله یا توپ پارچه‌ای به پشت لباس فرد بود. این کار مانع از این می‌شد که فرد به صورت طاقباز بخوابد و در نتیجه زبان او به عقب نمی‌افتاد و راه تنفسی وی مسدود نمی‌شد. استفاده از این روش از زمان جنگ استقلال امریکا شروع شد و تا به حال همچنان به صورتهای مختلف از این شیوه استفاده می‌شود. مثلاً در سال ۱۹۰۰ «لیونید اس. ویلسون» یک ابزار دهنه مانند ضد خروپف را

افراد چاق نسبت به افراد لاغر بیشتر مستعد خروپف هستند چون چاقی و پف آلودگی آنها اعضای داخل بدن را

# خانم، شوهرتان خروپف می‌کند؟

اگر پاسخ مثبت است،  
این راهنمایها را  
برای او بخوانید

جیم کولینز  
ترجمه فرزانه خردمند

به ثبت رساند که افراد خروپفی با استفاده از آن تا حدودی از شر خروپف خلاص می‌شدند. این دهنه چرمی که به گردن بسته می‌شد، یک وسیله فلزی را که دارای چند لبه تیز بود در پشت بدن فرد، ما بین شانه‌ها، نگه می‌داشت و درست شبیه به توپ پارچه‌ای مانع از این می‌شد که او به پشت بخوابد و خروپف کند.

وسایل ضد خروپف دیگری نیز بعدها ساخته شد که از آن میان می‌توان به ژاکتهای سفت و تنگ و دهنه‌های کثی که اساس کار همه آنها بر گرداندن فرد خوابیده به پهلو و جلوگیری از خروپف بود، اشاره کرد.

امروزه، یک جیب مخصوص به قسمت کمر پیژامه‌های خواب افرادی که خروپف می‌کنند می‌دوزند، اما به جای توپ پارچه‌ای یک توپ تنیس در آن قرار می‌دهند. این توپ تنیس در واقع همانند سقلمه زدن یا پرتاب یک لنگه کفش از طرف هم اتاقیهای فرد مبتلا به خروپف عمل می‌کند و به او هشدار می‌دهد که: «برگرد!»

در مورد بیشتر افرادی که خروپف می‌کنند این روش مؤثر است اما متأسفانه بعضی از افراد خروپفی حتی اگر به پهلو هم بخوابند باز هم خروپف می‌کنند.

برای این افراد هم وسایلی وجود دارد که به قول سازندگان «جادویی» و «صددرصد تضمین شده» ... هستند. اما «مارتین شارف»، متخصص اختلالات



فوق‌العاده شدید و ناراحت کننده‌ای دارند. در این رابطه تا به حال رکورددار جهان از نظر بلندی صدای خروپف یک راننده تاکسی اهل «دیدن» همپشایر به نام «ملوین سوئیتزر» است. او در تاریخ ۲۹ اکتبر سال گذشته، خروپفی با صدایی بیش از ۹۱ دسی‌بل داشت؛ یعنی در واقع صدایی حتی بلندتر از صدای یک ماشین چمن زنی. اما خوشبختانه همسر او از یک گوش ناشنواست!

یک پیشرفت علمی برای درمان خروپف یک روش درمانی جدید برای خروپف در بیمارستان «پپ ورت» انگلیس مراحل اولیه کاربرد خود را می‌گذرانند. در این روش با استفاده از اشعه لیزر، قسمتی از بافت کام نرم فرد را می‌سوزانند. این ناحیه پس از بهبودی محل زخم، قدری ضخیم و سفت می‌شود و از شللی عضلات ناحیه گلو می‌گاهد. این جراحی تنها ۱۰ دقیقه طول می‌کشد و فرد فقط یک شب در بیمارستان بستری می‌شود. اما قبل از استفاده از این روش، روشهای اساسی دیگر باید مورد استفاده قرار بگیرند و فقط تعداد بسیار کمی از افرادی که خروپف می‌کنند مناسب این روش تشخیص داده می‌شوند. اما تا به حال کاربرد این روش در درمان خروپف حدوداً ۸۰ درصد موفقیت‌آمیز بوده است.

چون بعضی از پزشکان معتقدند که این کار بدون ایجاد اشکال در مسیر تنفس، به تخلیه مجاری هوایی بینی که دچار احتقان شده است کمک می‌کند.

۴ - با یک متخصص آلرژی مشورت کنید، شاید به پرهایی که بالشتان با آن پر شده است حساسیت دارید و بعد از تعویض بالش و استفاده از بالشهای حاوی پشم‌شیشه و دیگر مواد مصنوعی، خروپف شما نیز رفع شود.

۵ - اگر سیگاری هستید، کشیدن سیگار را ترک کنید.

۶ - در صورت امکان هنگام خواب از وسایل مخصوص دندانپزشکی که به این منظور تجویز می‌شوند استفاده کنید. چون این وسایل فک را به سمت جلو می‌کشند و مانع از عقب افتادن زبان می‌شوند. بعضی از دندانپزشکان این وسایل را برای تخفیف و برطرف کردن انسداد راههای تنفسی فوقانی تجویز می‌کنند.

۷ - در برخی موارد که مشکل فرد به علت انحراف بینی یا پولیپ بینی باشد تنها درمان، عمل جراحی و برداشتن پولیپ یا اصلاح انحراف بینی است.

ممکن است هر کدام از ما مبتلا به خروپف باشیم، ولی بعضی افراد خروپفهای

خواب می‌گوید. ممکن است هر یک از این وسایل به یک بار امتحانش بیارزد، ولی بهتر است قبل از اینکه چنین هزینه‌های گزافی را برای خرید این وسایل بپردازید، به یک پزشک عمومی یا متخصص گوش و حلق و بینی مراجعه کنید. علاوه بر این وی توصیه‌های عملی زیر را برای تخفیف یا حتی از بین بردن عواملی که در ایجاد خروپف دخالت دارند، پیشنهاد می‌کند:

۱ - وزنتان را کاهش دهید و سعی کنید قوای عضلانی خود را تقویت نمایید.

۲ - قبل از خواب از مصرف موادی که قوای عضلانی را کاهش می‌دهند، پرهیز کنید. این مواد عبارتند از: الکل، داروهای آنتی‌هیستامین - که خواب آلودگی ایجاد می‌کنند - و قرصهای خواب‌آور (که در این افراد برعکس به عنوان بی‌خواب کننده عمل می‌کنند).

۳ - سعی کنید روی تشکهای سفت بخوابید. هوای اتاق خوابتان نیز باید تهویه مناسب داشته و خنک باشد. ضمناً از تا کردن بالش یا گذاردن چند بالش زیر سرتان خودداری کنید چون این کار باعث خم شدن گردن و کمردان می‌شود و در نتیجه در مسیر عبور هوای تنفسی اشکال ایجاد می‌کند. به جای آن می‌توانید یک آجر یا تخته ضخیم زیر پایه‌های بالای تخت بگذارید

● در جنگ استقلال آمریکا راه حل خلاصی از شر خروپف، دوختن یک گلوله یا توپ پارچه‌ای به پشت لباس فرد بود تا نتواند طاقباز بخوابد، زبان او به عقب نیفتد و راه تنفسی او مسدود نشود.

● قبل از خواب از مصرف موادی مانند: داروهای آنتی‌هیستامین و قرصهای خواب‌آور که قوای عضلانی را کاهش می‌دهند، پرهیز کنید.





# تحول نقشی زن روستایی ایران در فعالیتهای زراعی

ناهد مطیع

## ◀ نقش زن در زراعت گندم

تا قبل از اصلاحات ارضی در اکثر نقاط روستایی ایران کشت گندم غالب بود. کشاورزی در این دوره در غالب مناطق، معیشتی بود و تولید به منظور تأمین نیازهای مصرفی خانوار انجام می‌گرفت. شیوه بهره‌برداری از اراضی، به صورت جمعی، گروهی و در قالب واحدهای کار زراعی دسته جمعی (بنه - صحرا - حراثه و...) صورت می‌گرفت و به جز رییس خانوار، همسر، فرزندان، داماد، عروس، پدر و مادر و سایر اقوام نیز نیروی کار «بنه» محسوب می‌شدند و در مواقع لازم در کارهای تولیدی مربوط به واحد تولیدی کمک می‌کردند.

در این دوره کلیه فعالیتهای مربوط به کاشت و داشت و برداشت محصول با

و تولید انواع صنایع دستی فعال بوده‌اند. از طرف دیگر باید توجه داشت همگام با تحولات ناشی از اصلاحات ارضی یعنی استقلال خانواده دهقانی و نفوذ کشت تجاری در روستاهای ایران، به تدریج نقش تولیدی خانواده روستایی کاهش یافته و ساخت و بُعد آن نیز متحول شده است. در این روند از نقش اقتصادی زنان نیز کاسته شده و فعالیتهای ایشان به سمت محیط خانه و خانه‌داری معطوف شده است.

در این بررسی هدف ما مطالعه چگونگی تحول نقش اقتصادی زن در سه محصول زراعی یعنی گندم، پنبه و برنج است. برای این منظور توجه خود را به مقایسه نقش زنان روستایی در اقتصاد مبتنی بر کشت معیشتی<sup>۱</sup> و کشت تجاری<sup>۲</sup> طی دوره تاریخی قبل و بعد از اصلاحات ارضی معطوف کرده‌ایم. █

♀ زنان روستایی ایران کلاً ۲۳/۳ درصد از جمعیت و ۴۹ درصد از کل جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند اما متأسفانه تحقیق در مورد نقش و موقعیت اجتماعی زنان روستایی ایران به اندازه کافی و فراگیر انجام نگرفته است. البته زنان روستایی معمولاً در فعالیتهایی که خارج از چهارچوب کارهای تولیدی و اداری خانواده باشد و اجتماع بزرگتری را تشکیل دهد، شرکتی ندارند. یعنی فعالیتهای سیاسی و اجتماعی روستا معمولاً در انحصار مردان است ولی زنان روستایی از دیرباز علاوه بر رسیدگی به امور خانه و تربیت و نگهداری فرزندان، نقش اقتصادی بارز و برجسته‌ای داشته‌اند. زنان در انواع فعالیتهای زراعی مثل نشاکاری، وجین، درو و برداشت محصولات، باغداری مثل چیدن میوه، دامداری مثل دوشیدن دامها و تهیه مواد لبنی

● نقش زن در کشت برنج از دیر باز نقش بارز و ویژه‌ای بوده است و در واقع دشواری و تراکم کشت برنج، نه تنها کمک زنان، بلکه همیاری و همکاری کلیه افراد خانواده را در فعالیتهای تولید طلب می‌کرد.

● هر چقدر به زنان قشر پایین «بنه» نزدیکتر می‌شویم، فعالیت اقتصادی زنان بیشتر می‌شود. در بعضی دهات، زنان گاهی در شخم زدن زمینهای زراعی نیز با مردان همکاری می‌کردند.

برداشت یعنی درو، پشته کشی و باد دادن خرمن (جدا کردن کاه و کلش از دانه) توسط ماشین و بدون دخالت دست انجام گرفت. بررسی ساعدلو از نیروی کار لازم در متوسط یک هکتار گندم نشان می‌دهد که در صورت اعمال کشت سنتی، نیروی کار لازم برای عملیات برداشت گندم، جمعاً بین ۱۹ تا ۲۷ نفرند که یک دوم تا یک سوم ایشان را زنان تشکیل می‌دهند. در حالی که با استفاده از کمباین این تعداد به دو نفر مرد تقلیل پیدا می‌کند.<sup>۸</sup>

بنابراین می‌توان گفت ورود ماشین به روستا و تسلط کشت تجاری، یکی از عوامل عمده‌ای است که فعالیتهای مردان را محدود و همچنین فعالیت زراعی زنان را در امر زراعت گندم تقریباً از بین برد.

«جدول یک» بررسی ما از مراحل مختلف کشت و داشت و برداشت گندم را برحسب نیروی انسانی و نیروی ماشین طی دو دوره غلبه کشت سنتی و تسلط کشت تجاری نشان می‌دهد.

### ◀ نقش زن در زراعت پنبه:

کشت پنبه در ایران سابقه دیرینه دارد و در یک اقتصاد معیشتی و سنتی کشاورزی، به دلیل کاربری زیاد محصول پنبه، همکاری کلیه اعضای خانوار از جمله زنان در امور تولیدی لازم و ضروری به شمار می‌آمد. به علاوه استفاده از ابزار و ادوات سنتی، نقش نیروی انسانی را در جریان تولید، بسیار مهم و تعیین کننده می‌کرد. از این رو زنان نیز همپای مردان در مراحل مختلف زراعت پنبه فعالیت بارزی داشتند. نقش زنان در زراعت پنبه مربوط به مراحل داشت و برداشت محصول می‌شد. در مرحله داشت، تنک کردن محصول (کندن بوته‌های پنبه اضافی)<sup>۹</sup> و وجین کردن (کندن علفهای هرزه)، که معمولاً دو بار صورت می‌گرفت، از جمله فعالیتهای زنانه محسوب می‌شدند. در مرحله داشت نیز چین پنبه در اکثر مزارع به عهده زنان گذاشته می‌شد و به

تنورهای خانگی می‌پرداختند. علاوه بر عملیات فوق، «خوشه‌چینی» که عبارت بود از جمع کردن خوشه‌هایی که ضمن دسته برداشتن گندم به زمین می‌ریخت، اغلب کار زنانی بود که به گروه بی‌زمین و فقیر ده تعلق داشتند.

البته باید توجه داشت که اصولاً فعالیت اقتصادی زنان با قشریندی اجتماعیشان بی‌ارتباط نیست.<sup>۶</sup> یعنی هر چقدر به زنان قشر پایین «بنه» نزدیکتر می‌شویم، فعالیت اقتصادی‌شان بیشتر می‌شود طوری که در بعضی دهات، زنان گاهی در شخم کردن زمینهای زراعی نیز با مردان همکاری می‌کردند در حالی که فعالیت زنان قشر مرفه، فقط به رسیدگی به امور خانه، تربیت بچه‌ها و پختن نان محدود می‌شد. جلال آل‌احمد در مونوگرافی «دوران، یکی از دهکده‌های توابع قزوین، می‌نویسد:

«تنها کارهای خانه نیست که به عهده زنهاست. موقع درو و خرمن‌کوبی، علف‌چینی و در سیفی‌کاریها و هر کار دیگری با مردها دوش به دوشند. بچه‌های شیری خود را با چادر شبی به پشت می‌بندند، راه می‌افتند و پا به پای مردان کار می‌کنند و فقط شخم و آبیاری شبانه، کاری مردانه است و غیر از این هیچ استثنایی برای زنها قایل نیستند.»<sup>۷</sup>

با تسلط تدریجی شیوه کشت تجاری در روستاهای ایران، در شکل سنتی زراعت گندم نیز تغییرات بسیاری حاصل شد. استفاده از نیروی گاو برای شخم زمین که پیش از این در اکثریت روستاهای ایران رواج داشت با ورود تراکتور به روستا منسوخ شد. از طرف دیگر با حفر چاههای آبی و استفاده از موتور پمپ برای آبیاری مزارع، مشکلات مربوط به ایجاد لایروبی قنوات و سیستم سنتی آبیاری از بین رفته و ضرورت همکاری جمعی نیز از میان رفت و دهقان در ازای پرداخت مبلغی پول، آب زراعی مورد نیاز خود را تأمین کرد. در مرحله برداشت محصول هم با جایگزینی ماشین کمباین به جای انسان، عملیات

استفاده از نیروی انسانی و حیوانی و ابزار سنتی انجام می‌شد و به همین دلیل نقش نیروی انسانی در جریان تولید، اهمیت ویژه‌ای داشت. عواملی که مشارکت و همکاری کلیه اعضای خانوار و همچنین زنان را در امور تولیدی ایجاب می‌کردند عمدتاً به قرار زیر طبقه‌بندی می‌شود:

الف) کشت معیشتی مستلزم همکاری کلیه اعضای خانواده در امور تولیدی بود و خانوار واحد تولید خودکفا محسوب می‌شد و برای تأمین نیازهای مصرفی خود باید از کلیه امکانات و نیروی کار بالقوه موجود در خانوار سود می‌جست تا بتواند معیشت خود را تأمین کند.

ب) آمیختگی کشاورزی معیشتی با سایر منابع تولید مثل باغداری، دامداری و صنایع دستی نیازمند همکاری همه جانبه اعضای خانوار بود و کلیه اعضای خانوار برحسب سن و جنس، عهده‌دار فعالیتهایی در منابع مختلف تولید بودند.

ج) محدودیت منابع آب زراعی و استفاده مطلوبتر از منابع آب، آبیاری مشارکتی را متداول و به دنبال آن بهره‌برداری جمعی و گروهی را مرسوم ساخت. این مسئله به خوبی در امر زراعت گندم مشهود است.

به طور کلی عملیات سنتی زراعت گندم، مراحل کاشت، داشت یعنی شخم و آبیاری و کودپاشی زمین، با مردان بود و کار زراعی زنان غالباً در هنگام برداشت محصول آغاز می‌شد. بدین ترتیب زنان در درو، خرمن‌کوبی و باد دادن محصول همپای مردان فعالیت می‌کردند و این عملیات در اکثر نواحی کشاورزی ایران مشابه و یکسان بود. فعالیت دیگری که زنان پس از پایان عملیات کشت گندم انجام می‌دادند، مربوط به آماده کردن آرد و تهیه نان بود که در این دوره کاملاً به شکل سنتی انجام می‌گرفت. در واقع پس از آنکه کار خرمنکوبی، باد دادن و غربال گندم به پایان می‌رسید، زنان مقداری از محصول را که کفاف نان سالانه خانواده را بدهد با خود به منزل برده و پس از آسیاب و تهیه آرد، به پخت سنتی نان در



گیاه میسر نشد اما تقریباً در ۴۰ درصد مزارع برای برداشت محصول، کمباین به کار برده می‌شود.<sup>۱۳</sup>

به این ترتیب می‌توان گفت فعالیت‌های زراعی زنان در کشت پنبه به صورت زیر کاهش یافت:

(الف) با استفاده از بذر اصلاح شده، تُنک کردن گیاه ضرورت خود را از دست داد، زیرا با کاشت هر بذر اصلاح شده، فقط یک بوته پنبه به وجود می‌آید.

(ب) استفاده از سموم علف‌کش، عملیات وجین محصول را تقلیل داد.

(ج) در ۴۰ درصد از مزارع کمباین جایگزین نیروی کار زنان پنبه چین شد.

محاسبات آماری نیروی کار لازم در کشت پنبه نشان می‌دهد که نیروی کار لازم در

متوسطه یک هکتار برای انجام هر یک از فعالیت‌های زنان چون تنک کردن، وجین و پنبه

چینی در عملیات کشت سنتی به ترتیب برابر ۲۰ زن برای تنک کردن، ۳۰ زن برای انجام

سه بار وجین و ۹۰ زن برای پنبه چینی می‌شود. حال آنکه پس از اصلاحات

ارضی، با رواج بذر اصلاح شده در مزارع پنبه، مرحله تنک کردن گیاه، تقریباً از بین رفته

و استفاده از سموم علف‌کش، مراحل وجین را به یک تا دو بار کاهش داده است.

همچنین در صورت استفاده از کمباین برای برداشت محصول، نیروی کار لازم در

متوسط یک هکتار به دو نفر مرد تقلیل می‌یابد.<sup>۱۴</sup>

### نقش زن در زراعت برنج:

تا قبل از اصلاحات یکی از مهمترین محصولات کشاورزی ایران که تقریباً پس از

گندم و جو، غذای بخش اعظمی از مردم روستایی و شهری را تشکیل می‌داد برنج

بود. کشت این محصول در گیلان، مازندران، خوزستان و فارس متداول بود

ولی مرکز عمده تولید آن در استانهای گیلان و مازندران و به طور کلی سواحل دریای

خزر است.

نقش زن در کشت برنج از دیرباز، نقش بارز و ویژه‌ای بوده است و در واقع

دشواری و تراکم کشت برنج، نه تنها کمک زنان، بلکه همیاری و همکاری کلیه افراد

خانواده را در فعالیت‌های تولیدی طلب می‌کرد. در این بخش از آنجا که زنان در

کلیه مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول، نقش مهمی به عهده دارند؛ به



دردت مردان در این امر دخالت داشتند. پس از اصلاحات ارضی و استفاده از روشها و وسایل مکانیزه برای زراعت پنبه نقش نیروی انسانی در زراعت پنبه، به طور محسوسه کاهش یافت. بهره‌برداری از تراکتور در اکثریت قریب به اتفاق مزارع رایج شد و همچنین استفاده از کود و سمپاشی و بذر اصلاح شده و ضدعفونی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.<sup>۱۵</sup> اگر چه کاربرد وسیع کمباین برای برداشت محصول پنبه به دلایل چند از جمله کوچک بودن قطعات اراضی و شکنندگی

جدول شماره (۱): مقایسه عملیات کشت گندم بر حسب نیروی کار

عملیات زراعی گندم قبل از اصلاحات ارضی (کشت سنتی)      عملیات زراعی گندم بعد از اصلاحات ارضی (کشت مدرن)

عملیات زراعی	نیروی کار و ابزار کار		وسیله کار	نیروی حیوان	نیروی انسان
	نیروی ماشینی	نیروی انسانی			
شخم	تراکتور	مرد(راننده)	خیش - بیل	گاو	مرد
دیسک زدن و بذریاشی	تراکتور	مرد(راننده)	دیسک	-	مرد
مرزکشی (کوت‌بندی)	مرزکش تراکتور	مرد(راننده)	کلدر	-	مرد
آبیاری	-	مرد	-	-	مرد
کود و سمپاشی <sup>۱</sup>	سپاش و کودپاش	مرد	-	-	مرد
درو	کمباین	مرد(راننده)	داس	-	مرد و زن
دمت کردن و پشته کردن	کمباین	مرد(راننده)	-	-	مرد و زن
کوبیدن خرمن	تراکتور	مرد(راننده)	چرخ خرمن‌کوب	اسب - الاغ - گاو	مرد و زن
باددادن خرمن	کمباین	مرد(راننده)	غربال، بارو	-	مرد و زن
خوشه چینی	-	-	-	-	زن

جدول شماره (۲): مقایسه عملیات کشت پنبه بر حسب نیروی کار

عملیات زراعی قبل از اصلاحات ارضی (کشت سنتی)      عملیات زراعی بعد از اصلاحات ارضی (کشت نیمه مدرن)

عملیات زراعی	نیروی کار و ابزار کار		وسیله کار	نیروی حیوان	نیروی انسان
	نیروی ماشینی	نیروی انسانی			
شخم و آماده کردن زمین	تراکتور	مرد(راننده)	خیش	گاو - اسب	مرد
بذر پاشی	دیسکهای مختلف	مرد	غلظک میخ‌دار	گاو - اسب	مرد
نهر کشی	تراکتور - نهرکن	مرد	بیل و کج‌بیل	-	مرد
مرزکشی	تراکتور - مرزکش	مرد	بیل و کج‌بیل	-	مرد
تخم زدن	خیشهای مختلف چند تیفه	مرد	خیش	گاو - اسب	مرد
آبیاری نوبت اول و دوم	آبیاری نواری (پمپاژ به وسیله موتور پمپ)	مرد	بیل	-	مرد
تنک کردن	-	-	فوکا - کج‌بیل	-	زن
آبیاری نوبت سوم	-	مرد	بیل	-	مرد
وجین کردن	تراکتور ۱۵	زن	فوکا - کج‌بیل	-	زن
پنبه چینی	دستی - کمباین	زن - ۱۶ مرد	دستی	-	زن
پاک کردن پنبه	کارخانه پنبه پاک‌کنی	مرد	دستی	-	زن



توصیف هر یک از عملیات زراعی برنج پرداخته تا از این رهگذر، نقش زن، در امر تولید برنج را بهتر و دقیقتر شناسایی کنیم:

۱ - شخم و آماده کردن زمین: در نواحی برنجکاری عمدتاً اراضی را در سه نوبت که از زمستان تا اوایل بهار به طول می‌انجامد، شخم می‌زدند و این امر توسط مردان، با کمک خیش چوبی و نیروی گاو انجام می‌شد. پس از شخم آخر، ماله‌کشی به منظور صاف و یکدست کردن شالیزار انجام می‌شد که دو یا سه مرحله داشت. معمولاً ماله‌کشی نوبت سوم به عهده زنان بوده است. در همین زمان کود را هم به خاک اضافه می‌کردند که کود اغلب طبیعی بوده است. مثل پهن گاو، فضله پرندگان، خاکستر و ذغال... زنان در تهیه کود طبیعی نیز نقش فعالی به عهده داشتند.

۲ - بذرکاری در خزانه: خزانه محلی است که برای تهیه نشا آن را به کاشت بذر اختصاص می‌دادند. البته مساحت این قطعه زمین بستگی به سطح زیرکشت برنج داشت. معمولاً برای هر هکتار زمین زراعی، چهارصد متر مربع خزانه آماده می‌شد. برای تهیه بذر، زنان آنها را در گونیها و یا سبدهای بسته می‌خیساندند و به ستونهای ایوان منزل آویزان می‌کردند. پس از آنکه دانه‌های برنج جوانه می‌زد عملیات بذریاشی در خزانه آغاز می‌شد که توسط مردان انجام می‌گرفت. هنگامی که طول بوته‌های بذر کاشته شده حدوداً به ۱۲ سانتیمتر می‌رسید، عملیات نشاکاری یا مهمترین مرحله زراعی زنانه شروع می‌شد.

۳ - نشاکاری: که در اکثریت مزارع منحصرأ توسط زنان انجام می‌گرفت. برای نشاکاری ابتدا بوته‌های رشد یافته در خزانه را از نصف ریشه قطع کرده و پس از جمع‌آوری، آنها را به زمین اصلی منتقل می‌کردند و به فواصل ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتری در زمین می‌کاشتند. کلیه این عملیات با دست صورت می‌گرفت.

۴ - وجین کاری: برای وجین، آب مزارع را خالی کرده و با داره یا داس، علفهای هرز را از ریشه بیرون می‌آوردند. این کار نیز اساساً توسط زنان صورت می‌گرفت و

اغلب دو یا سه بار تکرار می‌شد

۵ - درو: عملیات درو به وسیله داره، یا داسهای دنداندار و توسط مردان و زنان مشترکاً انجام می‌شد. پس از درو و جمع‌آوری محصول، آن را به محل خرمن منتقل می‌کردند.

۶ - خرمن‌کوبی: برای کوبیدن محصول آن را به محل خرمن برده و سپس به وسیله اسب یا قاطر، عمل کوبیدن را انجام می‌دادند. برنج‌کوبی که توسط مردان شروع می‌شد به وسیله زنان تکمیل می‌شد. بدین ترتیب که شلتوکهایی را که در زیر پای حیوانات سالم مانده، توسط نوک یک نی مالیده و شلتوک را از دانه برنج جدا می‌کردند. سپس برنج را با پاروهای چوبی باد می‌دادند و بدین ترتیب دانه‌ها کاملاً از ساقه جدا می‌شدند. پس از انجام این مرحله، برنج فقط با پوسته خود همراه بود.

۷ - خشک کردن: برای خشک کردن برنج که با پوسته خود همراه است آن را بر روی سطحی خشک و پوشیده از کاهگل پخش می‌کردند و یا داخل ظروفی از چوب و یا سرگین گاو می‌ریختند. این عمل نیز توسط زنان انجام می‌گرفت.

۸ - پوست‌گیری: سابقاً برای جدا کردن پوست یا سبوس برنج از وسیله‌ای به نام

«آبدنگ» یا «بادنگ» استفاده می‌کردند. این وسیله اهرمی داشت که با هر ضربه به اهرم، دانه برنج از پوست جدا می‌شد. معمولاً دو زن پای آبدنگ نشسته و برنج را به تدریج درون آبدنگ می‌ریختند. بعد از این عمل آبدنگ را موقتاً از کار باز می‌داشتند و برنج نیم جدا شده از سبوس را در «لاوک»<sup>۱۱</sup> ریخته و باد می‌دادند تا سبوس از برنج جدا شود. پس از آن مجدداً برنج باقیمانده در لاوک را در آبدنگ ریخته تا به اصطلاح «دوکو» شود. این بار، دانه با کمی باد دادن از سبوس جدا می‌شد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در کشت سنتی، عملیات زراعی زن در امر تولید برنج شامل ماله‌کشی زمین، تهیه کود طبیعی، نشاکاری، وجین، خرمن‌کوبی، خشک کردن و پوست‌گیری می‌شد. به علت غلبه سیستم اجاره‌داری در این منطقه و استقلال عمل نسبی زارعان در امر کشاورزی، قوانین اصلاحات ارضی، تغییر و دگرگونی عمده‌ای در امر زراعت برنج ایجاد نکرده است. با این همه باید توجه داشت که بر اثر تقسیم املاک سلطنتی و خالصه و اراضی بزرگ، بر تعداد خرده مالکان افزوده شد. از طرفی با استفاده از کودها و سموم شیمیایی و رواج ماشین‌آلات کشاورزی و روشهای جدید کشت، میزان تولید محصول افزایش یافت و از سوی دیگر سهم نیروی انسانی خانوادگی، همچنین نیروی کار زنان در فعالیتهای زراعی کاهش یافت.

به طور کلی می‌توان گفت عملیات زیر تقریباً مکانیزه شده و از نقش نیروی انسانی کاسته شده است:

الف - مرحله آماده کردن و شخم زمین





● جلال آل احمد در مونوگرافی اورازان می نویسد: «تنها کارهای خانه نیست که به عهده زن‌هاست. موقع دو و خرمن کوبی، علف چینی و در سینی کاریها و هر کار دیگری با مردها دوش به دوشند. بچه‌های شیری خود را با چادر شبی به پشت می بندند، راه می افتند و پا به پای مردان کار می کنند.

مزرعه؛ کمک در باد دادن و غربال خرمن، تقریباً در تمام مناطق روستایی مشابه بوده و با مشارکت زنان انجام می شود.

۶. نیک خلق، علی اکبر - جامعه‌شناسی روستایی ایران - پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه - ۱۳۵۸

۷. آل احمد، جلال - اورازان - انتشارات مازیار - تهران ۱۳۳۲ - ص ۵۰

۸. ساعدلو، هوشنگ - بحثی پیرامون کار کشاورزی و طریق محاسبه کار در کشاورزی - سازمان برنامه و بودجه - تهران ۱۳۵۲

۹. باید توجه داشت که مسلماً عملیات زراعی گندم در کلیه نقاط ایران با جدول فوق کاملاً تطابق ندارد و در برخی از روستاهای دورافتاده، هنوز کشت نیمه سنتی غالب است.

۱۰. قبل از اصلاحات ارضی به صورت خیلی محدود از کودها و سمهای شیمیایی استفاده شده و کودها اغلب کودهای حیوانی بودند.

۱۱. در کشت سنتی معمولاً از هر تخم، چندین گیاه پنبه به وجود می آمد و زارع ناگزیر بود، بوته‌های اضافی را قطع کرده و فقط یک بوته باقی بگذارد تا قوت گیاه از بین نرود و به خوبی رشد کند. این عمل توسط زنان انجام می گرفت.

۱۲ و ۱۳. شخم بیش از ۹۰ درصد اراضی با تراکتور و بیش از دو سوم مزارع از بذرها اصلاح شده استفاده کرده‌اند. نشریه سازمان پنبه ایران - شماره ۷، تهران ۱۳۵۵

۱۴. ساعدلو، هوشنگ - همان مأخذ

۱۵. وجین نوبت اول معمولاً با تراکتور انجام می شود. ولی وجین دوم با دست و اکثراً توسط زنان صورت می گیرد.

۱۶. در برداشت با ماشین، مرد کمباین را هدایت کرده ولی در برداشت دستی زنان اکثر کار را انجام می دادند.

۱۷. «لاوک» ظرفی چوبی است که برای جدا کردن سیوس برنج از دانه آن مورد استفاده زنان شمالی قرار می گرفت.

۱۸. نیک خلق، علی اکبر - کشت برنج - مؤسسه پژوهشهای دهقانی و روستایی ایران - تهران، ۱۳۵۹

۱۹. پس از مصرف سموم علف کش، از میزان علفهای هرز و عملیات وجین کاری کاسته شده است.

استفاده می شود و شیوه همیاری و تعاون که سابقاً در دهات شمال رایج بود، اهمیت سابق را ندارد.

جدول سه عملیات کشت برنج را قبل و بعد از اصلاحات ارضی نشان می دهد. یادداشتها:

۱. مرکز آمار ایران - نشریه یک، درصد سرشماری کل کشور ۱۳۶۵

۲. منظور از کشت معیشتی، کشتی است که در آن

عموماً توسط گاو آهنهای مجهز به تیلر و عملیات ماله کشی توسط بولدوزر و بیل مکانیکی انجام می گیرد.

ب - خرمن کوبی برنج توسط دستگاههای خرمن کوب جدید صورت می گیرد.

ج - خشک کردن برنج با خشک کنهای برقی انجام می شود.

د - عملیات پوست گیری نیز در

جدول شماره (۳): مقایسه مراحل کشت برنج بر حسب نیروی کار

عملیات زراعی قبل از اصلاحات ارضی		عملیات زراعی بعد از اصلاحات ارضی		
نیروی کار و ابزار کار	نیروی انسان	نیروی حیوان	وسیله کار	نیروی ماشین
شخم و آماده کردن زمین	مرد	گاو	خیش	تیلر
ماله کشی	مرد و زن	-	ماله	بیل مکانیکی
آماده کردن زمین خزان	مرد	-	-	-
آبیاری	مرد	-	-	-
خیساندن بذر	زن	-	دستی	دستی
بذرپاشی در خزان	مرد	-	دستی	دستی
نشاکاری	زن	-	دستی	دستی
وجین	زن	-	داره (داس)	دستی
درو	مرد و زن	-	-	زن و مرد
خشک کردن	زن و مرد	-	-	مرد
کوبیدن خرمن	زن و مرد	اسب - گاو	چرخ خرمن کوب	دستگاه برقی خرمن کوب
پوست گیری	زن	-	آبنگ	کارخانه برنج پاک کنی

محصول نه برای عرضه به بازار بلکه عمدتاً به منظور مصرف در خانواده تولید می شود و نیروی کار آن را عمدتاً انسان و حیوان تشکیل می دهند.

۳. کشت تجاری به فعالیتهایی گفته می شود که هدف اساسی، تولید محصول برای فروش در بازار است و در فرآیند تولید، استفاده از وسایل مکانیزه تقریباً رایج و غالب می باشد.

۴. این شکل از مدیریت در تمام نقاط ایران به استثنای مازندران، گیلان و بلوچستان قابل مشاهده است؛ ماخذ از ملک حسین - وضع کشاورزی ایران - سازمان برنامه و بودجه - تهران ۱۳۵۴.

۵. باید توجه داشت که شرکت زنان در دروی محصول در همه نقاط ایران مشابه و یکسان نیست و در بعضی از مناطق شمالی و جنوبی کشور، زنان اساساً در فعالیتهای مربوط به دروی گندم با مردان همکاری نمی کنند. اما سایر کارهای جنبی نظیر حمل غذا به سر

کارخانجات برنج پاک کنی و با کمک دستگاههای برنج کوبی صورت می گیرد. به طوری که ماشینهای برنج کوبی در روستاهای ایران جای «آبندنگ» و «پادنگ» را گرفته و در نتیجه یکی از قشرهای جامعه روستایی ایران که به آبدنگچی معروف بوده و اکثراً زن بودند، نقش خود را از دست دادند<sup>۱۸</sup> همچنین باید توجه داشت که با به کارگیری و استفاده از کودها و سموم شیمیایی از حجم عملیات وجین کاری نیز کاسته شده است.

بنابراین بعد از اصلاحات ارضی، نشای برنج مهمترین و عمده ترین فعالیت زراعی زنان محسوب می شود. به علاوه باید خاطر نشان کرد که نحوه اعمال این فعالیت نیز پس از اصلاحات ارضی دگرگون شده است. یعنی با نفوذ مناسبات کالایی و کشت تجاری در منطقه شمال، از نیروی کار زنان بیشتر به صورت کارگران کشاورزی روزمزد

# وسواس تا چه حد؟

دکتر الینور کمپبل

ترجمه ندا سهیلی

از طرفی باید مطمئن باشید به سراغ چیزهای خطرناک مانند مایعات پاک کننده، وسایل برقی، داروها، چسب مایع، سوزن ته گرد و چیزهایی از این قبیل نروید. اما از اینها گذشته اکثر چیزهای موجود در محیط منزل بی خطر است و البته درست است که امکان وجود میکروب در هر چیزی هست اما غالب آنها بیماریزا نبوده و ضروری متوجه طفل نمی شود.

در واقع مدت کوتاهی پس از تولد، در دهان و دستگاه گوارش کودک باکتریهای بی ضروری وجود دارند و میکروبیایی که می توانند سبب بیماری شوند غالباً از طرف سایرین وارد بدن طفل می شوند. گاهی اوقات این انتقال میکروب از طریق غذاها خصوصاً غذاهای دمی صورت می گیرد نه از طریق وسایلی مانند اسباب بازی و وسایل غذاخوری.

بعضی روشهای اساسی نظافت و پاکیزگی ارزش دقت و بحث را دارند. مثلاً برخی غذاهای رویناز مگسها را جلب می کنند و مگسها هم حامل میکروب هستند.

نیازی که به کشف محیط اطراف دارند باز دارید و در نتیجه لزومی ندارد برای ضدعفونی کردن هر چیز خودتان را از پایاندازید.

تمام بچه ها هر چیزی دم دستشان می رسد به دهان می گذارند، این عمل ضرورتاً به دلیل گرسنگی یا دندان درآوردن نیست بلکه دلیل ساده تری دارد. آنها می خواهند آن شیء را بشناسند. دهان حساسترین نقطه بدن طفل است و بیماریهای دریافتی از این ناحیه در بخش نسبتاً گسترده ای از مغز انتشار می یابد. کودک با خوردن غذا و رفع گرسنگی آرام می شود، غذا را از طریق دهان می خورد پس ترجیح می دهد تحقیق و بررسی اشیا را نیز از همین راه انجام دهد. شیء را به دهان می گذارد تنها به خاطر آنکه برایش جالب است. در این مرحله از رشد طعم و مزه، درست اهمیت دادن و لمس کردن را برای او دارد. شما باید اجازه این گونه کنکاش را به او بدهید. بگذارید یک قطعه چوب یا پلاستیک را آزمایش کند درست مانند آب و غذا، اما

چند وقت پیش مادری کودکش را برای معاینه به مطب من آورده بود. کودک در حالی که روی میز کنار مادرش نشسته و پاها را از هم بار گذاشته بوده خم شد تا قطعه ای اسباب بازی را از روی میز جلوش بردارد. آن را برداشت سپس با دقت از یک دست به دست دیگر داد و بعد با کنجکاوی آن را مستقیماً به طرف دهانش برد. رفتارش کاملاً طبیعی بود یعنی دقیقاً آنچه که من از یک طفل به سن او انتظار داشتم. در همین موقع مادرش از من پرسید: «فکر می کنید تا کی لازم است بشقبات و قاشق او را ضدعفونی کنم؟» و این درحالی بود که کودک دهان خود را به لبه چرمی میز چسبانده بود مشغول گاز زدن آن بود. به کودک اشاره کردم و گفتم «خودتان چه فکر می کنید؟» مادرش وقتی منظور مرا فهمید خندید. در واقع وقتی او هر چیزی را به طرف دهانش می برد، ضدعفونی کردن ظرف غذا و قاشق او چه مفومی دارد؟

شما نمی توانید و نباید کودکان را از





● تمام بچه‌ها هر چیزی دم دستشان می‌رسد به دهان می‌گذارند زیرا می‌خواهند آن شیء را بشناسند.

در مورد مواد خوراکی و گرد و خاک چه کنیم؟ به گمان اکثر ما به کودک نوپایمان اجازه می‌دهیم تا بیسکویتش را که روی زمین افتاده برآورد و به خوردنش ادامه دهد و البته اگر شخص دیگری نزد ما باشد، در مقابل او احساس گناه می‌کنیم. راستش را بخواهید شانس بر خوردن یا میکروبیهای بیماریزا در کف تمیز منزل شما یا هر کس دیگر واقعاً صفر است. اما خارج از خانه مسئله دیگری است. غذاهایی که روی پیاده‌رو می‌افتد باید کنار گذاشته شوند، پستانک و اسباب‌بازی باید به خانه برده و شسته شوند. میکروبیها اگر چیزی برای تغذیه نداشته باشند به سرعت و سهولت از بین می‌روند. بنابراین اسباب‌بازیهای مهدکودک یا مطب دکتر ندرتاً مشکل‌زا هستند. من خود اصرار دارم جمع‌های که در مطب من برای بچه‌ها وجود دارد در فاصله بین یک بچه و بچه دیگر شسته شود. اما این بیشتر یک عادت اخلاقی است تا یک نگرانی جدی برای انتقال میکروب.

در مورد استفاده از لباسهای دست دوم

بشوید و زیر ناخنها را با برس تمیز کنید. به دختر کوچکتان بیاموزید که خود را از سمت جلو به عقب بشوید این عمل به صورت عادت مفیدی برای او درمی‌آید که بعدها در زندگی او را در مقابل عفونتهای رحیم و نطفدان نیز محافظت می‌کند.

مدفوع حیوانات ممکن است میکروبیهای خطرناکی داشته باشد. برخی از این میکروبیها باعث ناپیسی می‌شوند که البته بسیار نادرند. اما آنها که ناراحتیهای شکمی به وجود می‌آورند تعدادشان کم نیست. بنابراین در باغها، پارکها و حیاط منزل بسیار مراقب مدفوع حیوانات باشید. باید بدانید که حیوانات خانگی به طور طبیعی و قاعدتاً حامل انگل هستند بنابراین اگر حیوان خانگی دارید به آنها بیاموزید که از قسمت خاصی از باغ یا حیاط برای عمل دفع استفاده کنند. اجازه دهید طفل یا حیوان بازی کند ولی نگذارید حیوان بچه را لیس بزند.

◀ موارد بی‌ضرر

غذاهای روپاز و مالنده زمینه مناسبی برای توسعه آلودگی - خصوصاً در هوای گرم - هستند. بنابراین سعی کنید خرده‌های غذا را دور اندازید و جای آنها را تمیز کنید. روی غذا را بپوشانید و در محیط خشک و خشک نگه دارید.

در مورد کودکانی که از لگن استفاده می‌کنند، باید بدانید که لگن میکروبیهای دارد که برای صاحب لگن غالباً بی‌ضرر است. اما همین میکروبیها ممکن است در شخص دیگر خصوصاً در افراد کم‌سال و ضعیف ایجاد بیماری کند. پس از استفاده از لگن آن را بشوید دستها را نیز خوب بشوید. اگر کسی از افراد منزل انگل دارد باید بیشتر مراقب باشید. برخی انگلها از راه تماس انتقال می‌یابند. خاراندن با مالش مقعد، تخم انگل را زیر ناخنها جمع می‌کند، مکیدن انگشت با نا دست خوردن غذا نخنها را مجدداً به دستگناه گوارشی وارد کرده و موجب ادامه بیماری می‌شود. برای پیشگیری از این عمل، پس از استفاده از لگن و شستن کودک و پیش از خوردن غذا دستها را

که از دوستان و اقوام به کودک شما می‌رسد. جای نگرانی نیست آنها نمی‌توانند ناقل میکروب باشند و یک شستشوی عادی می‌تواند آنها را برای استفاده مجدد تمیز و قابل پوشیدن کند.

### خطر جدی:

در هر حال شرایطی وجود دارد که شما باید وسواس بیشتری به خرج دهید. اگر کسی در خانواده دچار سرماخوردگی یا ناراحتی پوستی و یا عفونت انگلی است، باید بیشتر مراقب باشید. آلودگی از راه تماس انتقال می‌یابد پس سعی کنید از دستمالهای یک بار مصرف استفاده کنید. لباسها و ملافه‌ها را با آب داغ بشویید و از استفاده مشترک اسباب‌بازیها تا زمان سلامتی کامل و برطرف شدن عفونت خودداری کنید. حتماً کودک را به مطب پزشک ببرید و از داروهای تجویز شده به درستی استفاده کنید. در اطاق انتظار مطب دکتر طفل را از سایر اطفال مریض دور نگه دارید.

### چرا ضدعفونی؟

در مورد کودکان شیرخوار، نوک سینه مادر یا سر شیشه شیر باید حتماً ضدعفونی شود. دلیل آن واضح است زیرا هر قطره شیر که باقی بماند منبع غذایی خوبی برای میکروبها می‌شود. بشقاب، کاسه و قاشق به راحتی تمیز می‌شوند و نیازی به ضدعفونی شدن ندارند.

شاید فکر کنید بردن یک نوزاد از محیط استریل بیمارستان به محیط منزل کار چندانی درستی نیست اما این را بدانید که با نگر داشتن نوزاد در بیمارستان باید همواره از لباسهای ضدعفونی شده استفاده کنید و با مواد ضدعفونی کننده محیط را بشویید تا از انتشار هرگونه آلودگی جلوگیری کنید. در حالی که همین نوزاد می‌تواند از کهنه و وسایل تمیز در محیط نسبتاً غیرآلوده منزل استفاده کند زیرا اکثر خانه‌ها فاقد میکروبهای خطرناک هستند.

در هر حال بهتر است بدانید هر نوزاد که به دنیا می‌آید در مقابل بسیاری از میکروبها مقاوم است. این ایمنی در دوران طفولیت ادامه دارد و کودک را در برخورد روزانه با میکروبها محافظت می‌کند. بدن ما به خوبی برای مقاومت در مقابل عفونتها تنظیم شده، پوست به عنوان یک پوشش سخت عمل می‌کند بنابراین مجبور نیستید خانه یا لباسها را عاری از میکروب کنید.

تنها زمانی که پوست دچار خراشیدگی یا زخم می‌شود احتمال جمع شدن میکروب و نفوذ آنها به داخل وجود دارد. در اکثر خانواده‌های سالم افراد ترسی از آلوده بودن یکدیگر ندارند. اما اگر مجبور شدید از توالت عمومی استفاده کنید، مثلاً در مسافرت شستن دستها زیر ناخنها کاملاً ضرورت دارد. در مورد آشپزخانه باید گفت وسایل آشپزی و جایی که غذا را آماده می‌کنید چیزهایی هستند که استریل باقی نمی‌مانند و در واقع نیازی هم به این کار نیست فقط از تمیز بودن آنها مطمئن باشید و خرده غذاها را جمع کنید و دور بریزید. در مورد سایر نقاط منزل همه چیز به شما بستگی دارد. میکروبها در گرد و خاک رشد و تولید مثل نمی‌کنند. اما اگر شخصی در خانه مبتلا به آسم است باید در مورد زدودن گرد و خاک منزل از خود وسواس نشان دهید. خوب است که فرزندان شما تمیز و مرتب به نظر آیند اما مهمتر آن است که به صحبت‌های او در مورد قهرمانیش در بازی فوتبال گوش دهید تا اینکه نگران برطرف کردن گل و خاک از لباس او باشید، و به خود یادآور شوید که بچه‌های ما برای حفظ

سلامتیشان تنها به توجهات اساسی و ضروری در نظافت احتیاج دارند.

### آنچه باید انجام دهید:

دستهای خود و کودک را پس از استفاده از توالت و پیش از غذا بشویید. نوک سینه و سر شیشه شیر را ضدعفونی کنید.

خرده‌های غذا را حتماً دور بریزید. متوجه وجود مدفوع حیوانات باشید. عفونتهای پوستی را جدی بگیرید. پستانک را با یک بند یا زنجیر به گردن کودک اندازید.

### آنچه نباید انجام دهید.

شستن حمام یا وان، با مواد ضدعفونی کننده لزومی ندارد. نگرانی در مورد جویدن اشیا توسط اطفال بی‌مورد است. ضدعفونی کاسه، قاشق و غیره و استفاده از خوله و دستمال استریل اصلاً ضرورتی ندارد شستشوی بیش از حد لباس فقط شما را خسته می‌کند.

## فرم اشتراك

نام خانوادگی: \_\_\_\_\_  
 نام خانوادگی: \_\_\_\_\_  
 سن: \_\_\_\_\_  
 از شماره: \_\_\_\_\_  
 کد پستی: \_\_\_\_\_  
 تحصیلات: \_\_\_\_\_  
 نشانی: \_\_\_\_\_  
 تلفن: \_\_\_\_\_  
 تاریخ شروع اشتراك: \_\_\_\_\_  
 صندوق پستی: \_\_\_\_\_

### حق اشتراك برای یکسال (۱۲ شماره)

ایران ۹۶۰۰ ریال ◊ آمریکا، کانادا و خاور دور معادل ۲۲ دلار ◊ اروپا معادل ۲۰ مارک ◊ خاورمیانه معادل ۲۲ دلار

خوانندگان گرامی در صورت تمایل به اشتراك می‌توانند با تکمیل این فرم و واریز حق اشتراك به حساب جاری ۱۹۷۰ به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل پرداخت در شعب سراسر کشور)، اصل فیش بانکی همراه با اصل یا کپی این فرم را به نشانی تهران - صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ مجله زنان ارسال فرمایند.



# نقش هنر

☀ نگاهی به آثار نقاشی  
«سهیلا مهدوی»  
- نگارخانه سبز  
۱۷ تا ۲۲ مهر ۷۲ -  
● سپیده خانبلوکی

تابلوهای مداد رنگی وی طبیعت بیجانایی هستند که تنها نماینگر تعدادی از رنگها در کنار یکدیگرند و از نظر موضوع، حس، پرسپکتیو و کمپوزیسیون، نکته قابل توجهی در آنها دیده نمی‌شود. کارهای آکرولیک وی نیز عمدتاً طبیعت بیجان و منظره هستند ولی در بعضی از آنها، از نظر نحوه کارکرد و انتخاب رنگ و کمپوزیسیون و هماهنگی رنگها تحولی به چشم می‌خورد که از کارهای دیگر این نقاش، متمایزشان می‌سازد. به هر حال واضح است که نقاش، از دوره‌ای به دوره دیگر گذر کرده و مرحله جدیدی از کار کردن را با دید و حسی قویتر آغاز کرده است که بسیار مثبت به نظر می‌رسد.

## ☀ نگاهی به نمایشگاه گروهی نقاشان

- نگارخانه افروند

- ۲۰ تا ۲۷ مهر

● سپیده خانبلوکی



نگارخانه افروند این بار آثار بیست و هشت تن از نقاشان را به نمایش گذاشته بود که هر کدام از نظر انتخاب موضوع، رنگ و نوع رنگ‌آمیزی و سبک کار بسیار متنوعند. در میان این مجموعه کار شش تن از نقاشان زن نیز ارائه شده بود. که عبارت بودند از:

- شیده تامی: تابلو وی نشاندهنده زنی است که تا حدودی شکل واقعی خود را در چهره و اندام از دست داده است. در این کار رنگها محدودند و نکته قابل توجهی در آن دیده نمی‌شود.

- شهلا حسینی: دو تابلوی طبیعت بیجان خود را با مدادرنگی کار کرده که از نظر نوع کارکرد، حس و رنگ‌آمیزی کارهای زیبایی هستند و هر دو نشان از تداوم احساس او دارند.

سهیلا مهدوی، تابلوهایش را با مدادرنگی و آکرولیک ارائه کرده است. تابلوهای وی بنا به گفته خودش، ابتدا با حس آغاز شده‌اند و سپس مسائل مختلف مطرح در نقاشی به کارهایش راه یافته‌اند اما علیرغم اینکه او بسیار به احساسش متکی بوده، متأسفانه در انتقال این احساس زیاد موفق نبوده است. ظاهراً احساس نقاش و همچنین دید او دائماً در حال تغییر بوده و کلاً هیچگونه یکپارچگی و تداوم احساسی در این تابلوها مشاهده نمی‌شود و چنین به نظر می‌رسد که نقاشیها متعلق به دو نقاش هستند: یکی آن که با مدادرنگی کار کرده و دیگری آن که آکرولیک را انتخاب کرده است و به هیچ‌وجه تشابهی از نظر حس، انتخاب رنگ و کمپوزیسیون بین این دو گروه کار و حتی بین کارهای یک گروه نیز به چشم نمی‌خورد.

- نفیسه شهدادی: او یکی از تابلوهای قدیمی خود را انتخاب کرده است که نمایانگر دو ماهی است که رنگ قرمزشان در فضای سپید اطراف، صدای شدیدی ایجاد کرده است. وی همچون گذشته به بعضی از قسمتهای کار زیاد پرداخته و در مقابل، فضای پسزمینه را بسیار ساده کار کرده است.

- فریناز صدیقی پور: که با نشان دادن دو مبل در فضای یک اتاق، کار ساده و زیبایی را به وجود آورده است. وی برای پسزمینه از آبرنگ استفاده کرده و سپس خطوطی رنگی را با مداد به آن اضافه نموده است. در این کار، همه رنگها سرد و با یکدیگر هماهنگند. (بهتر بود که این تابلو در قسمتی دیگر از نمایشگاه به دیوار آویخته می‌شد تا بیننده بتواند فاصله لازم را با کار داشته باشد و آن را بهتر ببیند.)

- شهرو مهران: وی قسمتی از یک ذکه را با آبرنگ کار کرده که عنوان «کلبه خوراک امید» در بالای آن به چشم می‌خورد. در این تابلو فضا بسیار سرد است و رنگها نیز سرد و خاکستری انتخاب شده‌اند.

- جمیله وفاکیش: خانم وفاکیش دو کار بسیار متفاوت با کار دیگران ارائه داده است. دو طرح با مرکب که یادآور نقاشیهای چینی هستند. وی با ضربات سریع قلم، همراه با رنگ‌آمیزی و احساسی خاص، کارهایی بسیار زیبا به وجود آورده است. حرکتی که در این دو کار به چشم می‌خورد، بسیار گیرا و جالب است.



قدرت زنان چیست؟ آنان چه رابطه‌ای با قدرت دارند؟ این گونه پرسشها درباره زنان عرب امروز، از آن رو مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد ایشان طرد شدن خویش را از قلمرو سیاست، با توسل به قدرت زایش جبران می‌کنند، قدرتی که سیاست را با «مشکل حل ناشدنی جمعیت» مواجه می‌سازد. آیا اخلاق زنان را ناگزیر از زایمانهای مکرر می‌کند؟ یا این خصیصه از ویژگیهای منحصر به جهان عرب است؟

فائزه بن حدید  
ترجمه زهره بهجو

# آیا زایش برای زن یک

نشانه انکار مجدد تاریخ است. به همین ترتیب رادیوها، تلویزیونها و مطبوعات سراسر جهان به شرح مفصل درباره پوشاک، آرایش صورت و موهای او به هنگام حضورش در مراسم ادای سوگند پرداختند. اما آیا هیچگاه شرح جزئیات جنس و رنگ کت و شلوار آقای شاذلی بن جدید یا مارک کراوات آقای میتران رییس جمهور فرانسه در چنین مراسمی داده شده است؟ سیاست، واژه‌ای چند معنایی است و برحسب مورد می‌تواند مذکر یا مؤنث مثبت یا منفی و یا حتی تحقیرآمیز باشد. چنانکه وقتی از «سیاست زنها» نام برده می‌شود، معمولاً معانی ضمنی آن، یعنی کنجکاو، پرحرفی، یک کلاغ چهل کلاغ کردن، شایعه‌سازی، غیبت و بدگویی و تفرقه افکنی مد نظر است. روایت است از ابوبکر که پیامبر ص می‌فرماید: «مردمی که عنان امور خود را به دست زنان بسپارند هرگز اعقاب خود را نخواهند شناخت.» یعنی نسل خود را گم خواهند کرد. در مورد این حدیث مشهور که اغلب مردان مسلمان با خرسندی بدان استناد می‌جویند، تحقیقی انجام داده است. او چنین

بود که می‌توان آن را در این جمله خلاصه کرد: «زنان بیچاره‌مان کردند، آنان قدرت را به دست گرفتند... با وجود این، هیچ ابایی از گرفتن دستمزدهای ما ندارند!» سیاهه شکایت مردان طولانی است و «قدرت گرفتن» زنان در تمامی زمینه‌ها، هر چند بیشتر شبح است تا واقعیت، سبب هراس شده است. در این مورد، جالب به نظر می‌رسد که بدانید مبارزات انتخاباتی بی‌نظیر بوتو و سپس پیروزی او در انتخابات عمومی، شرایطی را ایجاد کرد که هیچکس بدان توجهی نکرد؛ و آن پدید آمدن اتفاق نظربین رسانه‌های غربی یا رسانه‌های موسوم به مترقی و بنیادگراهای مسلمان از هرگوشه و کناری درباره وی بود: «او محصول ناب غرب (هاروارد، لندن،...) است.» سخنی که برای بعضی مایه مباهات بود و برای بعضی دیگر مایه سرافکنندگی، اما برای هر دو دسته در حکم انکار اصالت اسلامی او بود. «او اولین رییس دولت [زن] مسلمان است.» این نظر در مورد بعضی رسانه‌ها حاکی از ناآگاهی و در مورد برخی دیگر،

چرا در این زمینه از زنان مسلمانی که در دوره‌های مشخصی از تاریخ حکومت کرده‌اند یا قدرت را به دست گرفته‌اند سخنی به میان نمی‌آید؟ حکومتی که در تمام مناطق اسلامی تجربه شده است: در آسیا، در هندوستان که به روایت ابن بطوطه، رهبری آنجا را زنی به نام رادیا (Radhia) به عهده داشت، در قلمروهای اسلامی مغولان و ترکان، در اندونزی و حتی جزایر مالدیو (موفوک، ۱۹۸۹). همچون حکومت شجره‌الدور در قاهره... که به مناسبت آن، خلیفه عباسی به مصریان نوشت (در آن هنگام قاهره یکی از ولایات بغداد بود): «اگر در قاهره دیگر مردی وجود ندارد تا قدرت را به دست گیرد، می‌توانیم از اینجا یکی برایتان بفرستیم...» این مطلب ما را به یاد سیل نامه‌هایی می‌اندازد که روزنامه‌های الجزایری در دسامبر ۱۹۸۸ دریافت کرد و به چاپ رسانید. این نامه‌ها در پی نامه بانویی ارسال شدند که مشکلات شغلی شوهرش را که منجر به تضییع حقوق وی شده بود، طرح کرده بود. محتوای نامه‌ها فریاد خشم و نفرتی همگانی



● افتخار زادن، مادر شدن و شیر دادن و البته افزایش اولاد، سیمای الزامی و بارز زن الجزایری است این تنها مسئولیتی است که رسماً به او اعطا می‌شود و تنها مقام مهمی است که به او تعلق دارد.

● زنان از سیاست برکنار شده‌اند زیرا حتی اگر در اینجا یا آنجا در جلوی صحنه جای داده شوند - مثل نقش خدماتی سیاهپوستان در سریالهای پلیسی آمریکایی - باز هم هیچ قدرت واقعی ندارند.

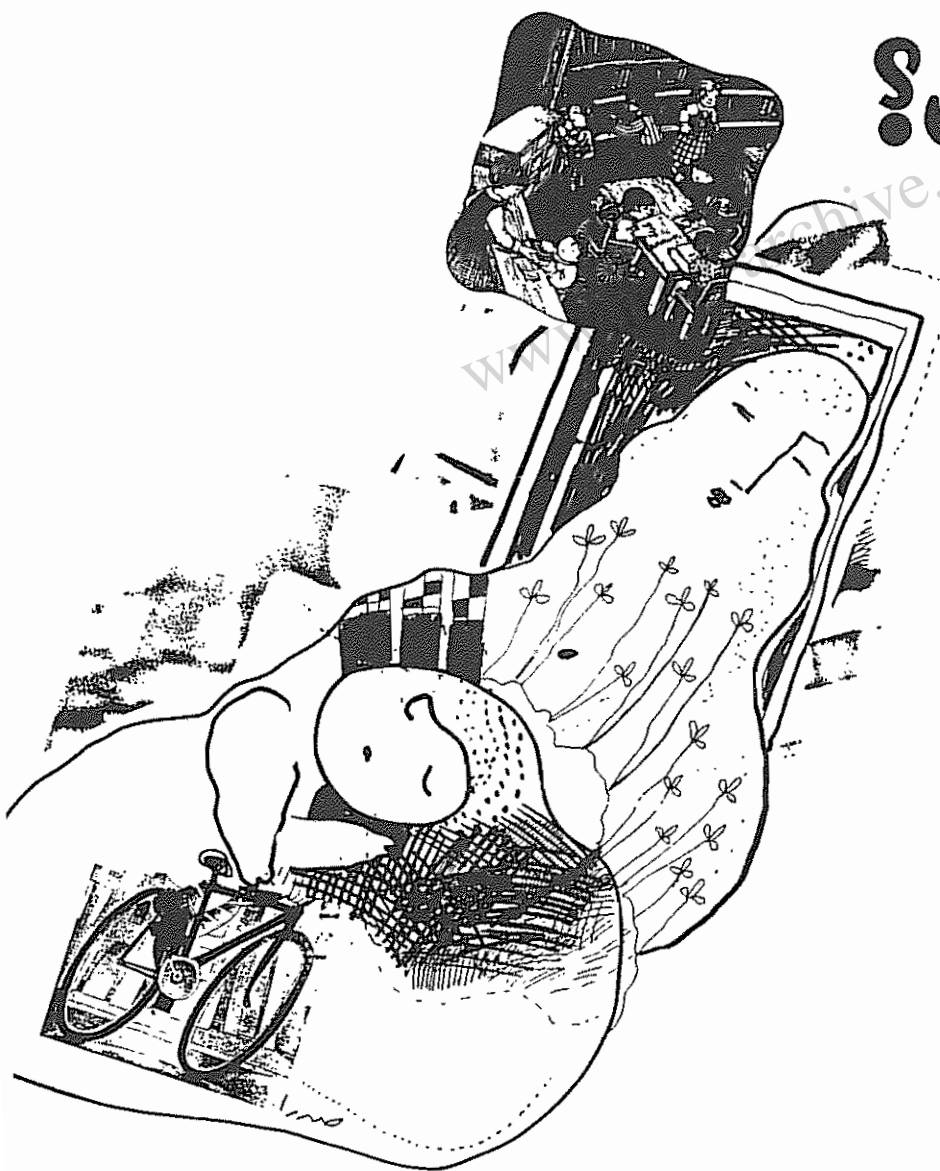
## قدرت است؟

نتیجه‌گیری می‌کند که براساس احکام بسیار معتبر علمای اسلام، شهادت ابوبکر را باید رد کرد، زیرا مگر نه اینکه عمر بن خطاب آن را شهادتی باطل خوانده و محکوم کرده است؟ اما چه کسی از تأکید بر این حدیث سود می‌برد؟

فاطمه مرنسی همچنین متذکر می‌شود که در هیچ جا اشاره‌ای به این حدیث نشده است جز در یکجا؛ و آن هم بسیار به جا؛ بیست و پنج سال بعد از فوت پیامبر، هنگام رویارویی سپاه عایشه، همسر پیامبر با علی در جنگ جمل.

نویسنده مزبور، درباره واقعه‌ای مربوط به یکی دیگر از همسران حضرت محمد به نام ام‌سلمه، از اشراف قریش، گزارش می‌دهد که او روزی از پیامبر پرسید: «چرا قرآن از ما چون مردان سخن نمی‌گوید؟» در پاسخ به وی آیه‌ای نازل می‌شود که مؤمنان را، اعم از زن و مرد، برابر می‌شمارد:

«[...] مردانی که به خداوند توکل کنند و نیز زنانی که چنین کنند، همانا آنانند که رحمت و بخشایش بیکران خداوند شامل حالشان خواهد شد.» (سوره طلاق، آیه ۴)



و چنانچه در آیه‌ای موضوع برتری مقام (درجه) بین زن و مرد مطرح شده است، معنایی الهی صرفاً در درجه ایمان مؤمنان و مؤمنات دارد.

در این خصوص، نظر محقق معاصر بودیبا (۱۹۸۶) مؤید آن است که در مقدس‌ترین متون نیز گهگاه جریانی فمینیستی مشاهده می‌شود. حتی چنین روایت است که:

«در صدر اسلام، چندین زن فمینیست تندرو وجود داشتند که یکی از آنان جنگجویی قدیمی به نام نسیم بود. وی از پیامبر ص می‌پرسد که چرا در قرآن خطاب خداوند همواره به مردان است و هیچگاه زنان مخاطب او نیستند. این حدیث حاکی از آن است که خداوند برای این سؤال اعتبار قایل می‌شود و از آن پس، وحیها را

دیگر، یعنی دانایش نبود که فرصت را غنیمت شمرد و در مدت ۳۳ ماه داستان‌گویی، سرور خود را صاحب سه فرزند که همگی نیز پسر بودند، کرد؟ پسر اول تازه به راه افتاده بود؛ دومی روی زمین می‌خزید و سومی هنوز شیرخواره بود.» (بودیبا، ۱۹۸۶).

پسر زاییدن! زن سنتی عرب رؤیایی به جز این ندارد زیرا مادر بودن یعنی هويت (مادر...) و امنیت، و در مرحله بعدی یعنی پشتیبانی و جانشینی «قدرت». اما حقیقت امر چیست؟

چنانکه قبلاً گفته شد، زنان از سیاست برکنار شده‌اند زیرا حتی اگر در اینجا یا آنجا، در جلو صحنه جای داده شوند - تقریباً مثل نقش خدماتی سیاهپوستان در سریالهای پلیسی آمریکایی - باز هم هیچ قدرت واقعی

امتیازی خاص زنان است؟ مطالعه در مورد تمایل به بچه‌دار شدن (بن حدید)، به عنوان اصلی ضروری در سیاست فاصله‌گذاری بین تولدها، این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا این سیاست، سیاستی مبتنی بر قدرت (نیرو)، اختیار (حق) و اصولاً میل و علاقه شخصی زن نیست؟ مطالعه در خصوص دو گروه اجتماعی - فرهنگی (بن حدید، ۱۹۸۵) کاملاً متضاد و ضمناً آشتی‌ناپذیر - از جهان عرب و مسلمان (الجزایر) و جهان یهودی و مسیحی (فرانسه) - نشان داده است که بچه زاییدن یا نزیایدن، در درجه اول عملی اجتماعی و نیز سیاسی است.

سیاست جمعیتی هر چه که باشد - مبتنی بر محدودیت زایش (الجزایر) یا افزایش آن (فرانسه) - همواره از بین زوجین ذریع، به

## ● هنگام انتخاب شدن بی‌نظیر بوتو رسانه‌های جهان به شرح مفصل پوشاک و آرایش

او در مراسم ادای سوگند پرداختند اما هیچگاه شرح جنس و رنگ

و کت و شلوار شاذلی بن جدید یا مارک کراوات میتران در چنین مراسمی داده نشد.

زن به عنوان رکن اصلی معطوف می‌شود. آیا این مطلب به معنای آن است که زن، تنها دارنده این قدرت است؟ یا آنکه وی ابزاری بیش نیست؟

برای اینکه بدانیم قدرت یا قدرتهایی که زن گمان می‌کند صاحب آنهاست و دیگران هم بدان معتقدند، می‌تواند سبب «جنون مادری» (وینی کات) و تحمل ناملایمات شود؛ به چند جنبه از آن نظر می‌افکنیم:

### ◀ قدرت تحمل درد

تفاسیری که - چه در تصدیق و چه در تکذیب - رنج و درد ارائه می‌شوند، بسیار شبیه به یکدیگرند ولی برحسب خصوصیات فردی و بافت فرهنگی تفاوت‌های زیادی دارند مثلاً در تورات نفرینی آمده است: «تو با درد زایمان خواهی کرد». این کیفر از نظر قوم یهود، مکافات گناه آغازین و بیشتر برای آن است که ایشان شایستگی جبران آن را هم در این دنیا و هم در آن دنیا دارند.

در دین اسلام، گناهان زنی که به هنگام زایمان می‌میرد بخشیده می‌شود و مانند شهدا به بهشت می‌رود. از طرفی، رنجهای مادر مسلمان او را محق می‌کند که موجب (یا مانع) ورود فرزندان به بهشت شود (بهشت

ندارند و خود را در جایگاهی می‌یابند که بیشتر براننده نقشی زنانه است، مانند امور اجتماعی، بهداشتی، آموزشی و غیره. و در این معناست که به نظر ما شایسته آمدن این مسئله را از خلال قدرتی که همگان کم و بیش در زن باز می‌شناسند مورد بحث قرار دهیم: قدرت زایش، که در اینجا به مثابه قلمرویی ویژه تجلی می‌کند چرا که مستقیم یا غیرمستقیم به انواع دیگر قدرت مربوط می‌شود.

بنا به سنت و به طور معمول، این رییس است که قدرت و اختیار را به دست می‌گیرد. این مطلب نیز پذیرفته است که در ساختار خانواده، به عنوان کوچکترین جامعه سیاسی، این مرد، یعنی شوهر یا پدر است که نقش رییس را (اگرچه آن را تقسیم کند) از نظر قانونی و ظاهراً شرعی، اجتماعی و اقتصادی، با تفاوت‌هایی برحسب بافت فرهنگی خانواده به عهده دارد. زن و شوهر می‌توانند و بایستی برای مسائلی که پیش از هر چیز کلیت آنان را تشکیل می‌دهد اولویت قایل شوند، مثل کششهای غریزی و نیازهای بقا. این امر حدود رابطه، دخالت، همچنین تأثیر و در نتیجه اعمال قدرت را وسعت می‌بخشد. بنابراین آیا قدرت زایندگی حقیقتاً

خطاب به مردان و زنان مؤمن نازل می‌دارد (امل ازن)

به نظر می‌رسد که مسائل مربوط به رابطه زنان با سیاست، فقط خاص جهان عرب و مسلمان نیست بلکه امری مشترک در تمامی جوامع معاصر موسوم به جوامع متجدد است؛ البته با بعضی تفاوت‌های اغلب کلیشه‌ای در برنامه‌های فرهنگی یا ملی. در غیر این صورت، چرا مجله‌های پاری تیچ (Paris - Match) و آلرزی - اکتوالیته (Algerie - Actualite) هر دو همزمان پرونده زنان و قدرت سیاسی را گشودند؟

عنوان سرمقاله هفته نامه الجزایری «آیا شهرزاد سیاست به کار بست؟» (موفوک) به استاد کتاب «شهرزاد ماکشی نیست»، اثر مریسی بود.

آنچه ما از این شاهزاده خانم زیباروی باهوش، با فرهنگ و زیرک می‌دانیم این است که تنها ضامن جان او توانایی وی در زایل ساختن اندوه سرورش به برکت استعداد شگفتی بود که با قصه‌پردازی در طی هزار و یک شب از خود نشان داد. اما آیا این تنها قدرت وی بود؟ مسلماً خیر.

«و با همه این احوال، آیا شاهزاده خانم شهرزاد [...] موفقیت خود را مرهون چیزی





زیر پای مادران است.]

اغلب شنیده می‌شود که زنان - برای آنکه بگویند کاری فقط از عهده آنان ساخته بوده است - می‌گویند: «... مثل زایمان بود.» یا اینکه «... از زایمان سخت‌تر بود.» و هنگامی که یکی از نزدیکانشان از دردی شکوه می‌کند، اگر فرزندشان باشد به او می‌گویند: «به دنیا آوردن تو بسیار دردناک‌تر بود.» و اگر شوهرشان باشد: «پیداست که تو زایمان نکرده‌ای.» و بدین نحو گره از مشکلات می‌گشایند.

### ▶ قدرت مالکیت

شیر دادن به فرزند، علاوه بر همه محاسن بارزی که دارد؛ از جمله تأثیر مثبت آن در رابطه مادر و فرزند و سلامت نوزاد، برای مادر به مثابه یک قدرت، آن هم قدرتی محسوس و ملموس است. چرا که موجب پیوندهای رضاعی (پیوندهای عاطفی از راه شیر) و در نتیجه پیوند مادر به فرزندش می‌شود: «من به تو شیر داده‌ام و می‌خواهم در کنار تو پیر شوم.» (آشیل).

مادری الجزایری، در حالی که به طفل خود شیر می‌دهد، به ما می‌گوید: «من شیر دادن را دوست دارم، از این گذشته، برای او هم خوب است که بعدها بداند من به او شیر داده‌ام.» که به عقیده ما در واقع «این کار بیشتر برای خود وی خوب است.»

از نظر مادر فرانسوی: «تاخیر هر چه بیشتر در گسستن رشته‌ای که سبب پیوند می‌شود، حفظ تماس، تداوم و تحکیم رابطه؛ سبب می‌شود که ما احساس کنیم طفل به ما وابسته است... این کار رشته پیوند را، حتی در آینده، مستحکم می‌دارد.»

### ▶ قدرت آفرینش

در هنگام تولد فرزند هرگونه ابراز احساسات مادر، شادمانی، هیجان، خوشبختی زیاده از حد و بسیاری احساسات دیگر، همه ناشی از اضطرابی است که هر زن بارداری - حتی زنی که چند بار زایمان کرده است - بدان دچار می‌شود و از خود می‌پرسد که آیا می‌تواند این راه را تا به آخر طی کند و «بچه‌ای بیاورد». قدرت آفرینش، زن را به خداوند، به طبیعت، یا دست کم به زنان دیگر نزدیک می‌سازد و از این روست که فقط تولدی «موفقیت‌آمیز» پذیرفتنی است. به عبارت دیگر، زایمان معجزه دوباره آفرینش است. در بین هر دو گروه زنان

الجزایری و فرانسوی، بیشتر مادرانی که نوزادشان را با شیر خود تغذیه می‌کنند، احساساتی مشابه را ابراز می‌دارند: «ابتدا بسیار هیجان‌انگیز بود که نوزادی به این زیبایی را به دنیا آورده باشم، شگفت‌انگیز بود.» یکی از این مادران، او را «موجود فوق زمینی» می‌خواند.

### ▶ قدرت اخته کردن:

عقدۀ اختگی به واسطهٔ عاملی روانی و ناخود آگاه منبعت از خطر اختگی ناشی از ادراک تفاوت جنس، نظریهٔ کشش جنسی نسبت به مادر، نظریهٔ شهوت رابطهٔ جنسی، و ترس از پدر سبب می‌شود که شهوت زنی با محارم و جنون پدر و مادرکشی، از یک سو و دغدغهٔ حفظ سلامت جسمانی و تناسلی از سوی دیگر، در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند. از این مرحله به بعد، خود شیفتگی نقش عمده و اصلی را بازی می‌کند؛ زیرا به عنوان غریزه‌ای حفاظتی، تمامی این غلیمانها را به خصوص در پسران فرو می‌نشانند. «و این بدبختی بزرگی است که تمامی زندگی آیندهٔ مرد را تهدید می‌کند... او از آن بیم دارد که همهٔ موجوداتی که «فاقد آن» اند [یعنی همهٔ زنها و نیز مادرش] آن را از او که «دارندهٔ آن» است بگیرند... بدینسان، ترس از اختگی در مرد پای می‌گیرد و او را به دفاع از خود، در درجهٔ اول در برابر زن و آنگاه در برابر زنانگی وادار می‌سازد.» (الیویه، ۱۹۸۲).

این امر در محیط فرهنگی الجزایر موضوعی بسیار آشکار، ولی در بین فرانسویان بسیار پنهان است. پیامدهای عینی آن اگرچه به ظاهر کاملاً مغایر یکدیگرند؛ ولی به عقیدهٔ ما در اصل به یک مکانیسم مربوط می‌شوند. در گروه اول (الجزایریها):

- «مردانه» شدن مفرط جامعه

- تفکیک و حتی تبعیض جنسی

- ایجاد و حفظ قلمروهای اختصاصی و

تابوهای علیده، که بارزترین آنها تابوی اهمیت بیش از حد اثبات باکره بودن به دیگران و آداب مخصوص آن در روز ازدواج، همانند اهمیت حاملگی و زایمانهای متعدد، به ویژه به مجموعه نمادهای اخلاقی و قومی این مردم باز می‌گردد. همچنان که در مورد ختنه نیز چنین است.

در گروه دوم (فرانسویها):

- جامعهٔ غیرجنسی

- ایجاد و پذیرش قلمروهای جداگانه و

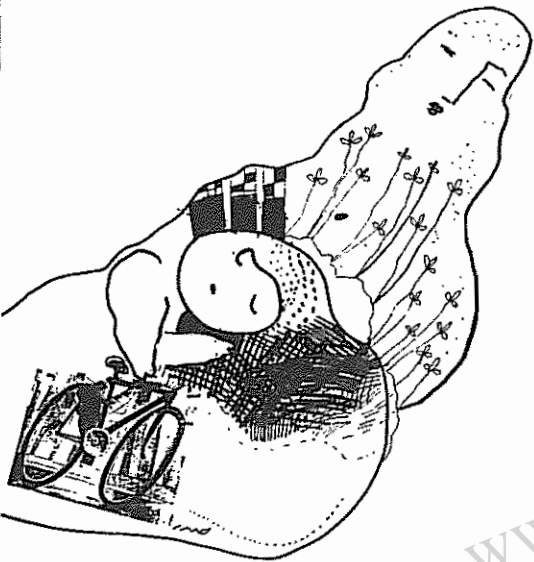
حتی مشابه

- وجود تنها یک تابو، تابوی تفاوت

جنسی

دلایل بسیار زیادی از این دست سبب شده است که این گروهها را عموماً «سنٹی» و «متجدد» یا «ارتجاعی» و «مترقی» بخوانند. ولی به نظر ما دلیل یا محتوای روان شناختی، خود نیز، منبعت از همان سوءظن، یعنی دغدغهٔ اختگی و عملکردهای دفاعی مختلف آن برحسب شرایط است.

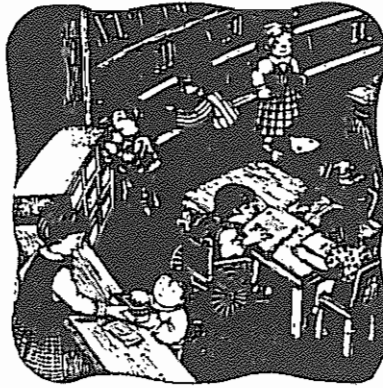
با چنین ادراکی، نیاز به دفاع مبدل می‌شود به نیاز به تسلط - (دیالکتیک قدرت و



ضد قدرت) - که اغلب به شکل مخالفت کامل یا نسبی با جلوگیری از بارداری همسر بروز می‌یابد و نیز در مورد هر یک از دو گروه الجزایری و فرانسوی شیوه‌ای متفاوت و مخصوص به خود دارد.

بدین ترتیب، این مخالفتها هر ماهیتی که داشته باشند، اخلاقی (گناه است)، پزشکی (برای سلامتی زنان دارد)، زیبایی‌شناسی (اندام زن را تغییر می‌دهد)، زیست‌شناسی (خلاف طبیعت است)، یا فردی (مرد ترجیح می‌دهد که خود تصمیم گیرنده باشد) از این حقیقت ناشی می‌شوند که مرد نمی‌تواند بپذیرد که زن نیز به سهم خود مشکلاتی دارد. «مردی که نتواند نشانی از عشق در وجود خود داشته باشد، چنین میلی را در زن نیز خلاف می‌داند، مگر آنکه این میل در او تبدیل شود به تمایل به بچه‌دار شدن؛ در وجود بچه، او (مرد) دست کم نشانی از خود خواهد دید...» (الیویه، ۱۹۸۲).

تأثیر جادویی زن در مردانگی (رجلیت) مرد منبعت از تسلط او در امر باروری؛ یعنی



سخنی واقعیت‌ر «مادامی که هستم، احتمالاً می‌توانم...».

تغییراتی که طی دو دهه پیش در فرانسه روی داد، تحولاتی مشابه را به دنبال داشت. این تغییرات، از یک سو منجر به بی‌اعتباری بعضی اصولی شد که از شدت و رواج افتاده بودند مثل احترام به والدین (بزرگترها) و تشکیل خانواده؛ و از سوی دیگر سبب افزایش و اعتبار بعضی اصول دیگر گردید، مانند آزادیهای شخصی، رعایت منافع زن و شوهر در حکم افرادی مستقل و برخوردار از حقوق برابر در امر ازدواج.

بسیاری از قوانین مصوب سالهای ۶۰ - ۷۰ به منظور «اصلاح اصول اخلاقی... در جهت پیشگیری از اشتباه و تحجر در آداب و قوانین به مجلس پیشنهاد شده بودند.» (سولرو، ۱۹۸۴)

بنابراین، تصویب قوانین مزبور، نه فقط در جهت رفع کمبودهای نظام اخلاقی، بلکه بیشتر به سبب تحلیل محتوایی آنها برای ساختن اخلاقیاتی متناسب با جامعه بوده است، اخلاقیاتی که رعایت آن، چه برای افراد و چه برای گروه‌های خانوادگی مخصوصاً در رابطه فرزند و والدین در قبل و بعد از ازدواج آنها، چندان ساده نیست. آیا رفتارهایی مثل نارضایتی، مردد بودن و گاه اظهار نگرانی و تشویش در زنان را، هر چند در چارچوب مشروع خانواده و ازدواج بروز یابد نباید در این مقوله گنجانید؟

همین مسئله ما را بر آن می‌دارد تا بگوییم عدم تمایل به بچه‌دار شدن نیز عملی نه تنها اقتصادی بلکه اجتماعی - سیاسی است؛ که در این صورت، نفی بچه به طور ضمنی در این جمله اعجاب انگیز تبلور می‌یابد: «من نمی‌زایم، پس هستم»؛ در غیر این صورت برای پاسخی که یکی از زنان فرانسوی در خصوص تعداد بچه دلخواهش ابراز می‌کند: «می‌دانم که زندگی به عوض بهتر شدن، تباه خواهد شد.» چه توجیهی وجود دارد؟

آنچه در مجموع از این سخنان دریافت می‌شود، این است که نفس تمایل هر چه که باشد - اولاد کمتر یا بیشتر - تأثیری در تحقق آن ندارد، اگر چه منطبق با «خواست» سیاست حاکم بر جامعه باشد؛ چرا که کاهش یا افزایش اولاد به هیچ رو مبین افزایش یا کاهش تمایل زنان به بچه‌دار شدن نیست، بلکه نوعی دفاع در برابر قدرت انحصاری است که زنان را هیچ گونه حقی در آن نیست.

دانشگاه الجزیره

عروس بودنش) و همهٔ مخاصمات ناشی از روند پیچیدهٔ حوادث آن ایام در خاطر او حک کرده‌اند.

اگر در بین زنان همبستگی مشاهده شود، این همبستگی فقط به صورت افقی و هم سطح (در زنانی که از نظر سنی یا جایگاه اجتماعی... در یک گروه‌اند) و در مخاطرهٔ دسایس سیاسی، حتی در محیط خانگی، است. البته در مواردی نیز شکل عمودی دارد و اگر پدرها برای دخترها حکم صادر می‌کنند و آنها را وادار می‌سازند که به فرمان آنها گردن نهند، این توفیق را به مدد مادرها به دست می‌آورند. اما در حکومت یوکاسته، لایوس هیچ قدرتی ندارند.

برای زن الجزایری «زادن، مادر شدن و شیر دادن نخستین و اصلترین وظیفه‌ای است که بدان افتخار می‌کند» (بوسبسی، ۱۹۷۹) و صد البته افزایش اولاد. این است سیمای الزامی و بارز زن الجزایری و کرسی قدرتی که او، با هر موقعیت اجتماعی - فرهنگی یا فکری، بر آن می‌نشیند. این تنها مسئولیتی است که رسماً بدو اعطا می‌شود و تنها مقام مهمی است که بدو تعلق دارد؛ باقی به جز انتظار و نقشهایی ناچیز بیش نیست....

و در چنین چشم‌اندازی است که میل فردی به بچه داشتن، پیش از هر چیز، عملی اجتماعی و تعهدی سیاسی می‌شود که زن را به رغم تعلق گروهی تأیید می‌کند و ایمن می‌دارد.

به دلیل خانگی بودن نقشهایی که برای زن تعیین و بدو واگذار شده است، وی این نقشها را با نوعی وارد آوردن فشار اسموزی، یعنی با محکم چسبیدن به آنها انجام می‌دهد. چنانکه در پاسخ به سؤال: «آیا همهٔ بچه‌هایتان را به خواست خودتان آوردید؟» می‌گوید: «بله... مسلم است، من برای بچه آوردن ساخته شده‌ام... می‌خواستید چکار کنم؟... کار من این است...» و از خود می‌پرسد: «اگر بچه کمتری بیاورم چه بر سر من خواهد آمد؟...» این طرز فکر، در اصل از منطق دکارت نشأت می‌گیرد؛ «من می‌زایم، پس هستم» یا به

مسئله‌ای است که مرد آن را در حکم خطری جدی برای سلامت جسمانی خود به شمار می‌آورد. در این زمینه، نکتهٔ جالب توجه این است که در دو موردی که بررسی شد، میانگین تعداد بچهٔ دلخواه، بنا به اظهار رقمی زن و شوهرها، در بین پدرها بیشتر از مادران مورد بحث است.

در گروه سنتی، جایگاههای آشکارا متفاوت مرد و زن بنیادهای جامعه را تشکیل می‌دهند و نقشهای آنهاست که نظام انتظار را به وجود می‌آورد. نظامی که ساختار رفتاری همهٔ اعضای گروه را سبب می‌شود. براین اساس: «جنسیت، سن و تبار از شروط جایگاه اجتماعیند. ساختار گروهی، پیش از هر چیز مبتنی بر مطابقت آفرینش بیولوژیکی با تبار فامیلی است... بدین معنا که انسان، اگرچه به سن رشد رسیده باشد باز هم در قیومت باقی می‌ماند.» (بوسبسی، ۱۹۷۸)

آنچه در اینجا به عنوان اصل مسلم مطرح می‌شود، در مورد مردان نسبت به مردان دیگر و کل زنان، و نیز در مورد زنان نسبت به زنان دیگر، در شبکهٔ روابطی کاملاً تعیین شده و سلسله مراتبی اعتبار و مصداق دارد:

- پدر، برادر، شوهر، پسر؛

- دختر، همسر، مادر، مادرشوهر.

البته کسب مقام مادر شوهری منوط است به داشتن فرزند پسر؛ زیرا دختر از بدو تولد کاملاً به پدرش تعلق ندارد. چرا که او به دنیا می‌آید تا، طبق ضرب‌المثلی عامیانه «مال مردم باشد» و بعداً نیز همسری تام شوهرش را - به دلیل نازایی و تعدد زوجات - کسب نخواهد کرد.

«این وضعیت تا زمانی که زن در جایگاه مادر شوهر قرار بگیرد و دیگران او را به عنوان فردی در کمال رشد به رسمیت شناسند ادامه می‌یابد.» (بوسبسی، ۱۹۷۸)، که جلوس به این مقام هم با انجام دادن سفرهای زیارتی مهم (در بعضی جوامع عرب) صورت می‌گیرد. بدین سان، هر چند وی هیچ جایگاهی در بطن حکومت نداشته است، اما سرانجام در قلمرو خاص خود با کمال اقتدار حق حیات و مرگ را پیدا می‌کند.

مقام مادر شوهری این اجازه را به زن می‌دهد که گاه از نقش بزرگسالها درآید و تحت تأثیر آثاری قرار بگیرد که تجارب دوران کودکی و جوانی (هنگام دختر بودن یا

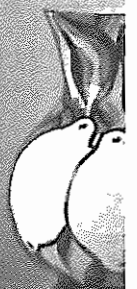
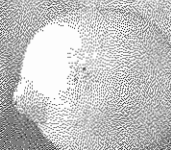
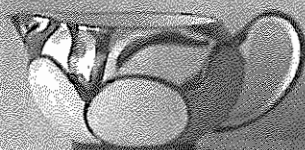
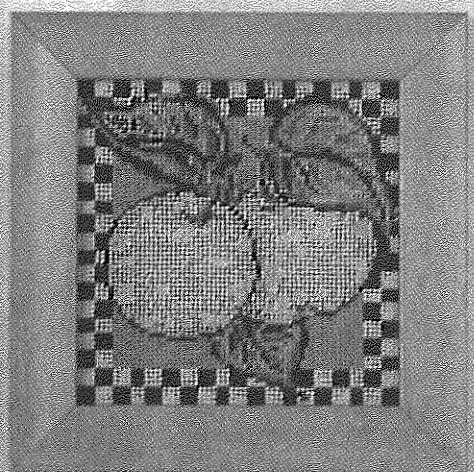
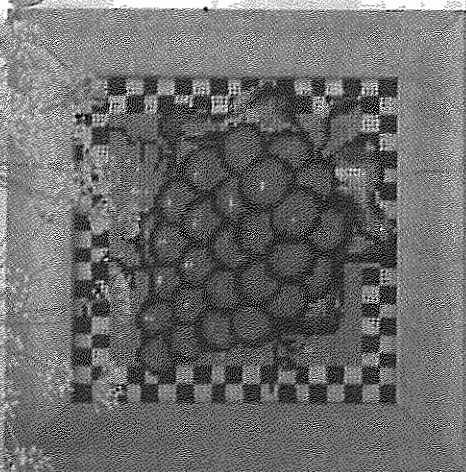
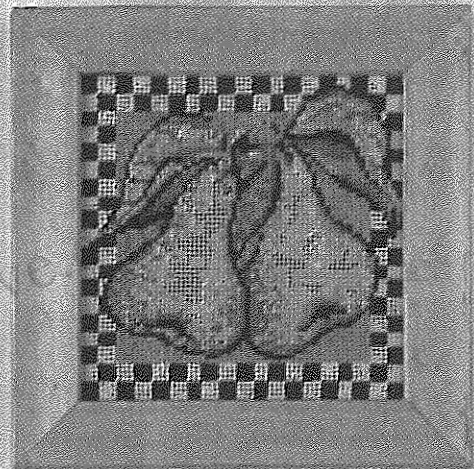
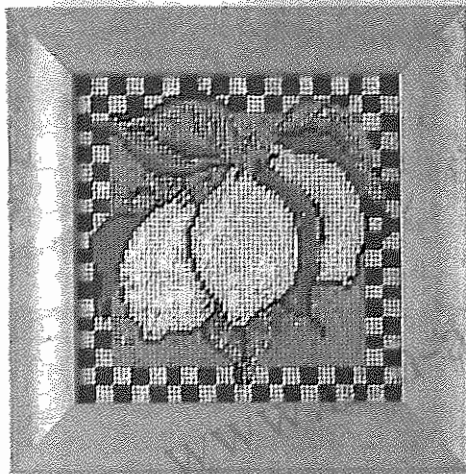


# میوه در

بهناز صفایی

## قاب

این مجموعه تصویرهای میوه، نمونه‌های کاملی از کار شماره‌دوزی است؛ طرح‌های زیبایی که دوخت بسیار ساده‌ای دارند. دست به کار دوختن آنها شوید؛ آنگاه آنها را در قاب مناسبی قرار دهید و محل مناسبی از دیوار منزل را با آنها بیاراید.



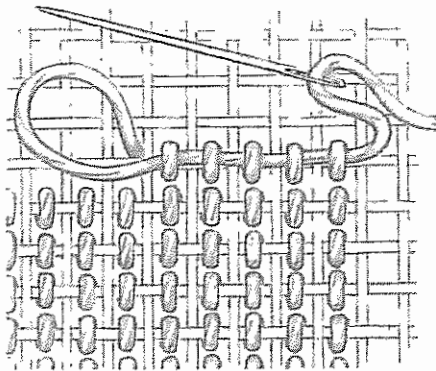
کنید تا به محل گره نخ برسید. آنگاه گره را باز کنید و به کوک زدن ادامه دهید. (تصویر دو)

وسط هر چهار ضلع پارچه را بیابید و علامت بگذارید. سپس با خط کش نقاط را به هم وصل کنید. نقطه‌ای که محل تقاطع دو خط در وسط پارچه است محل شروع کار شماره‌دوزی است. (تصویر یک)

● مواد مورد نیاز  
پارچه شماره‌دوزی  
نخ شماره‌دوزی یا نخ کاموا  
سوزن مناسب

### ۳ - گره زدن نخ سوزن

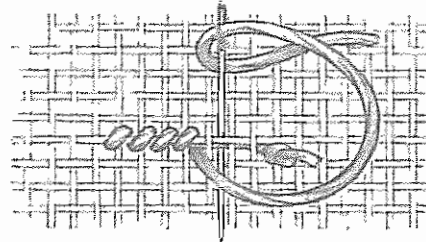
در قسمت پشت کار، سوزن را میان چند کوک وارد کنید و انتهای آن را گره بزنید. (تصویر سه)



تصویر سه

### ۲ - دوخت پارچه شماره‌دوزی

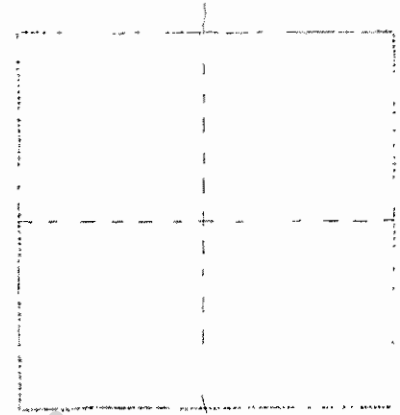
از وسط پارچه، دوخت را شروع کنید و کوکها را طبق تصویر دو بزنید. برای شروع نخ‌ی به طول ۴۵ سانتیمتر ببرید، آن را از سوزن رد کنید و انتهای یک سر آن را گره بزنید. سوزن را داخل پارچه فرو کنید و از پشت پارچه درآورید. سپس از دو سانتیمتری آن نقطه، کوک زدن را شروع



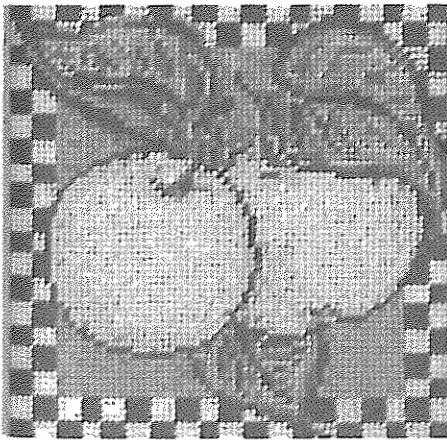
تصویر دو

### ۱ - پارچه شماره‌دوزی

ابعاد پارچه باید ۵۰ × ۵۰ سانتیمتر باشد. پارچه را به چهار مربع ۲۵ × ۲۵ سانتیمتری تقسیم کنید. در مربعهای جدید

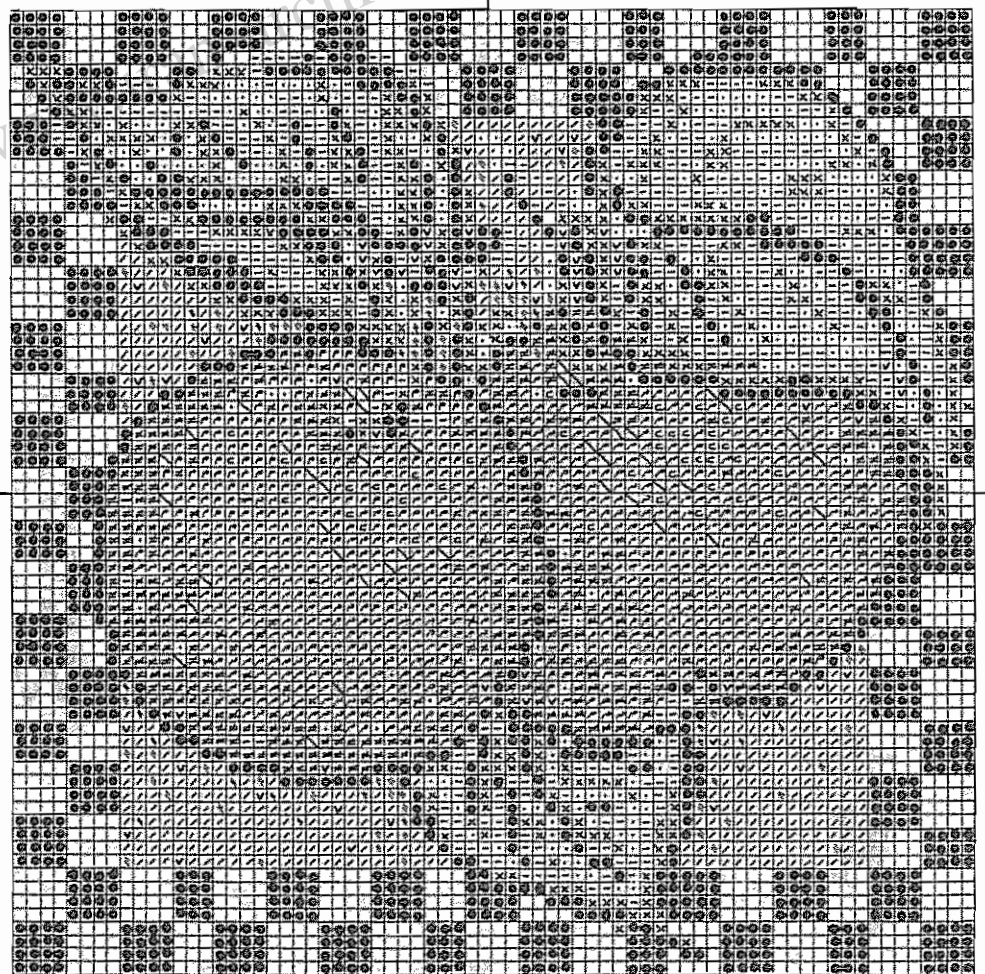


تصویر یک



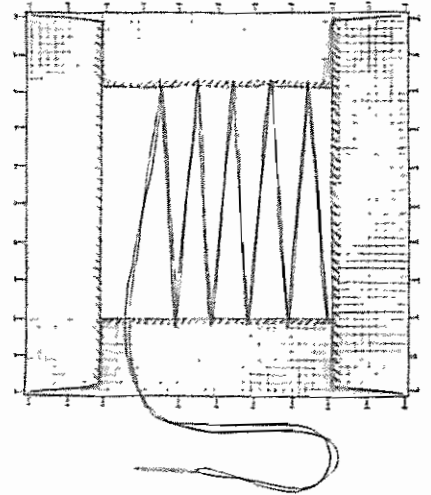
● طرح پرتقال

- سفید □
- سیاه ●
- سبز پررنگ X
- سبز کاهویی -
- سبز سدری ○
- بنفش V
- بنفش پررنگ >
- بنفش کم‌رنگ /
- پرتقالی کم‌رنگ C
- زردآلوی ▽
- پرتقالی P
- پرتقالی پررنگ #



#### ۴ - دوخت حاشیه

وقتی طرح میوه را دوختید، از هر ضلع پارچه پنج سانتیمتر اندازه بگیرید. این قسمت اضافه برای پشت قاب استفاده می‌شود. سپس زمینه چهارخانه را که بین طرح میوه و حاشیه اضافه قرار دارد، بدوزید.



تصویر چهار

#### ۵ - قاب کردن پارچه شماره‌دوزی

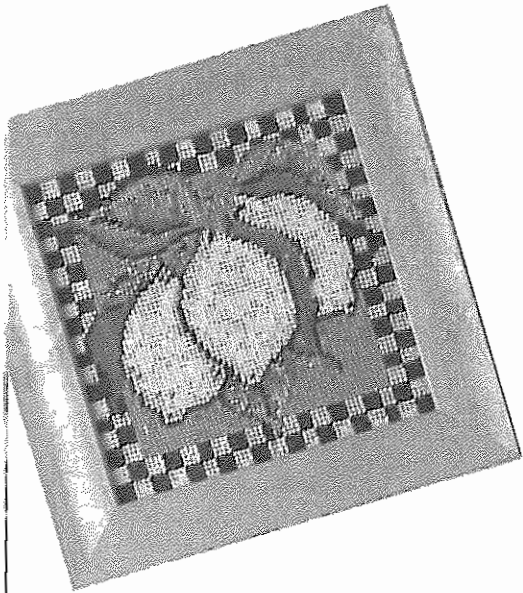
یک مقوای محکم انتخاب کنید و آن را درست به اندازه کادر کار ببرید. مقوا را پشت کار قرار دهید. باید از هر طرف مقوای بریده شده پنج سانتیمتر حاشیه اضافه پارچه شماره‌دوزی بیرون بماند. دقت کنید که کار را صاف و دقیق روی مقوا قرار دهید. لبه‌های اضافه را روی مقوا تا بزنید و مطابق تصویر چهار دو طرف مقابل آنها را با نخ دولا به هم کوک بزنید تا کار محکم روی مقوا ثابت بماند. اگر قبل از این کار لبه‌های پارچه راه، لبه دوزی کنید هم از نخ کش شدن پارچه جلوگیری کرده‌اید و هم پشت کارتان تمیزتر درمی‌آید.

به جای مقوا می‌توانید از یک چهارچوب چوبی ظریف هم استفاده کنید. (تصویر چهار)

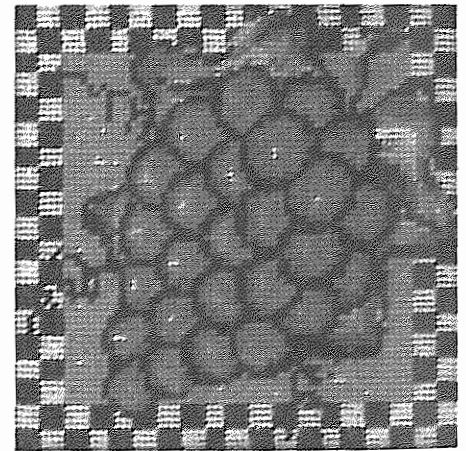
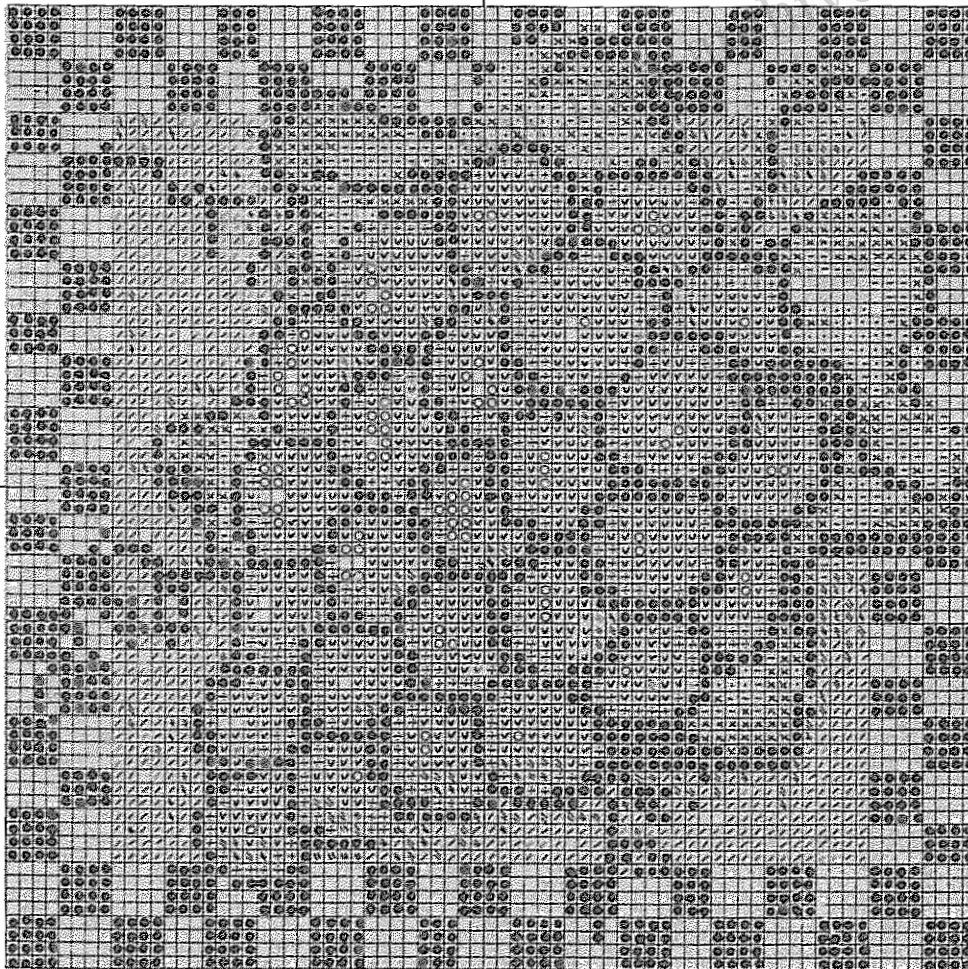
#### ۶ - قاب کردن

قاب متناسبی با رنگ کار و با سلیقه خودتان انتخاب کنید و پس از قاب کردن

طرحها، آنها را در محل مناسبی به دیوار نصب کنید.

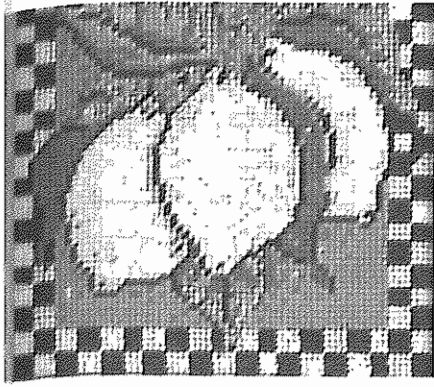


الگوی طرح انگور



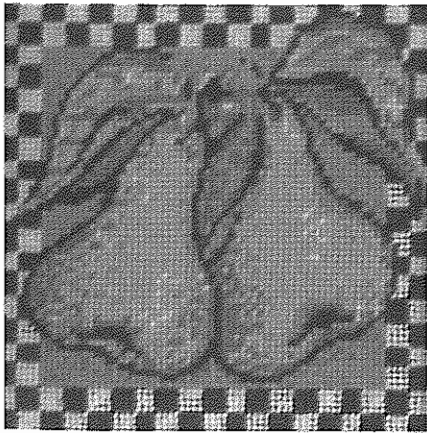
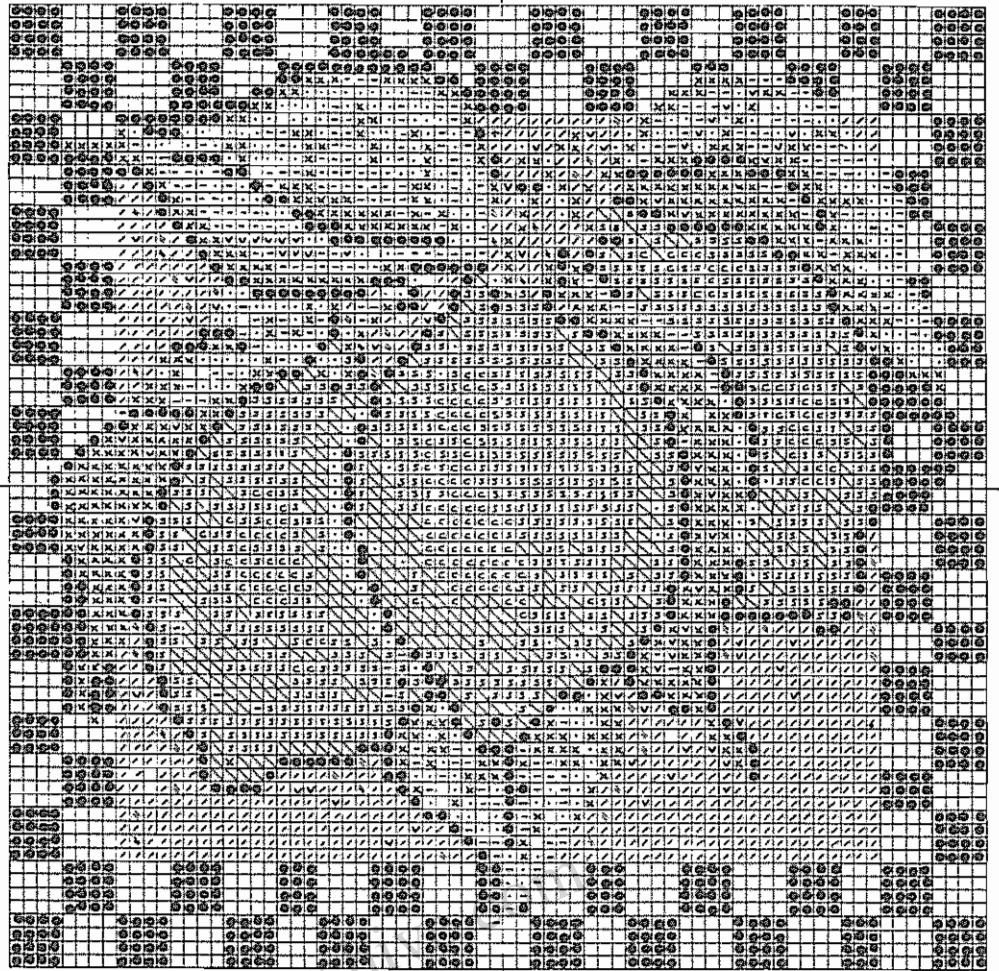
● طرح انگور

- سفید □
- سیاه ●
- سبز تیره X
- سبز کاهویی -
- سبز سدری ◻
- سبز زیتونی ○
- ارغوانی تیره ⊕
- بنفش کم‌رنگ /
- بنفش ✓
- بنفش پررنگ ↘



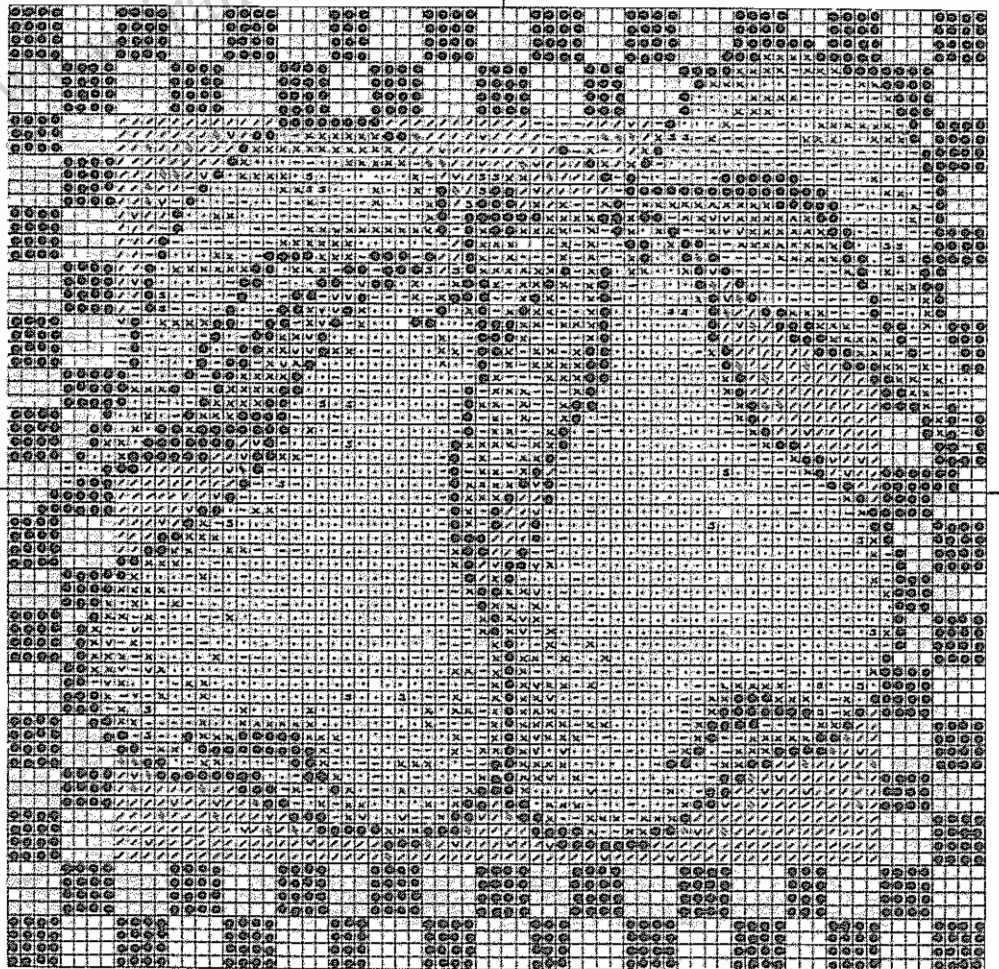
● طرح لیمو

- سفید □
- سیاه ●
- سبز سدري ○
- سبز کاهویی -
- سبز پررنگ X
- بنفش پررنگ //
- بنفش V
- بنفش کم رنگ /
- زرد کم رنگ C
- زرد لیمویی S
- زرد لیمویی روشن ▽



● طرح گلابی

- سفید □
- سیاه ●
- بنفش کم رنگ /
- زرد لیمویی S
- سبز سدري ○
- سبز کاهویی -
- سبز تیره X
- بنفش V
- بنفش تیره //



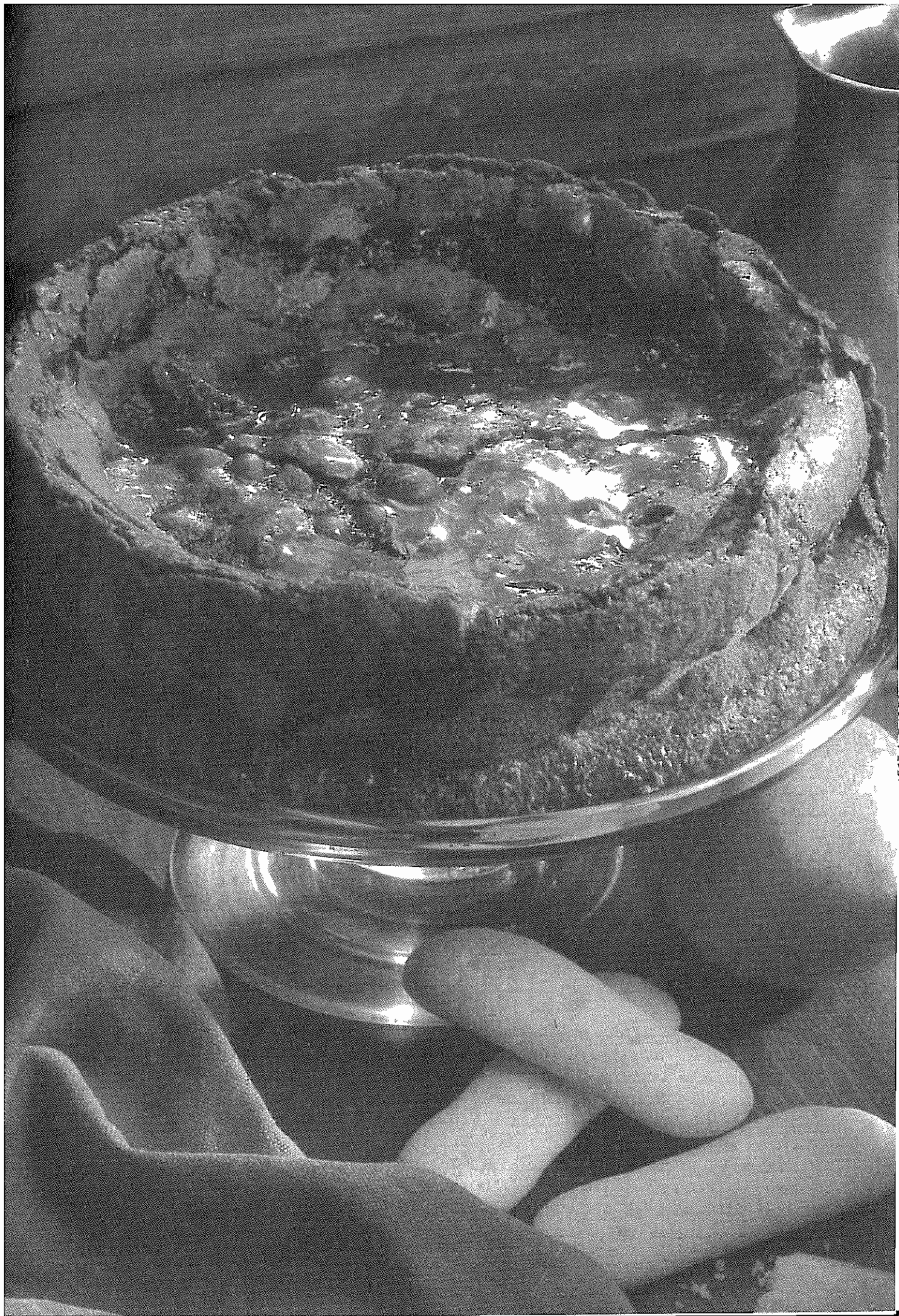


خرید لباس برای خانمها و دختر خانمها به صورت یک معضل درمی آید. آنها باید سرتاسر یک خیابان و یا یک منطقه را زیر پا بگذارند تا بتوانند تک تک خرید خود را انجام بدهند. تازه بعد از پایان خرید، زمانی که به خانه می رسند هنوز شک و تردید نسبت به اجناسی که خریده اند آنها را رها نمی کند که آیا شیکترین لباس را خریده اند؟ آیا نمی توانستند همین لباس را در فروشگاه دیگری با قیمتی ارزانتر بخرند؟

محدودیت انواع در یک فروشگاه مطمئناً آنها را در خرید لباس مورد نظر نیز محدود می کند. ما این مشکل اساسی را برای شیک پوشان تهرانی حل کرده ایم: «چین جیلا» مانتو سرای «چین جیلا» که در ابتدای خیابان فاطمی (شرقی) قرار دارد یکی از باسابقه ترین فروشگاههای زنانه است که شیکترین و متنوعترین مدلهای لباس، از مانتو گرفته تا روسری، پالتو و بارانی و کت، در مجموعه زیبا و بی نظیر خود، یکجا گردآورده است.

فروش ارزانتر انواع لباسهای این فروشگاه، گاه این شک را در ذهن خریداران آن ایجاد می کند که چرا معتبرترین فروشگاه شهر از همه جا ارزانتر می فروشد؟ آقای صدیق صاحب «چین جیلا» در این مورد می گوید: معمولاً اگر هر صاحب حرفه ای بداند که مشتریانش را چگونه جذب کند، موفق خواهد بود. ما سود مشخص و مناسبی را در نظر می گیریم و مدلهای مختلف خود را به قیمتی مناسب به خریداران عرضه می کنیم، ارزانتر از همه جا.

در این فروشگاه همه مردم شهر می توانند بیایند و دست پر بیرون بروند. بعضی از خانمها و دختر خانمها تصور می کنند که چون «چین جیلا» فروشگاه صاحب نام و معتبری است اجناسی در حد توان آنها برای خرید وجود ندارد در صورتی که این تصور اشتباهی است. مطمئناً یک بار آمدن آنها به اینجا، آنها را مشتری ثابت «چین جیلا» خواهد کرد.





# کیک سوفله شکلات

کیک فرو کنید. چنانچه میله و یا خلال دندان فقط کمی مرطوب شود، کیک آماده است.

۵- در طول مدتی که کیک درون فر قرار دارد می‌توانید شاهد را آماده کنید. شکر و ۱۰۰ میلی‌لیتر آب جوش را در یک ظرف کوچک ریخته، هم بزنید تا شکر حل شود. سپس آن را روی حرارت ملایمی قرار دهید تا جوش بیاید. حالا شربت را به مدت دو دقیقه با حرارت نسبتاً زیادی بجوشانید. شربت را از روی گاز برداشته و پودر کاکائو را الک کنید، به تدریج به آن شربت بیفزایید و مرتباً هم بزنید. در صورت لزوم شاهد را از صافی عبور دهید تا گلوله‌های کاکائو در آن نماند.

۶- کیک را از فر بیرون بیاورید و حدود پنج دقیقه کنار بگذارید تا خنک شود. با دقت کیک را از قالب درآورید و در ظرف دلخواه خود قرار دهید. سطح مرکزی کیک در اثر مجاورت با هوای خارج از فر، فرو می‌رود و به اصطلاح پف آن می‌خوابد. شاهد داغ را روی کیک بریزید و آن را بلافاصله سرو کنید.

کنید. شکلات، قهوه و کره را روی بخار آب ذوب کنید و آن را خوب هم بزنید تا نرم و یکنواخت شود. مخلوط را کنار بگذارید خنک شود.

۲- یک قاشق شکر، کنار بگذارید و بقیه شکر را با زرده تخم‌مرغ خوب بزنید تا حجم آن سه برابر و رنگ آن روشن شود. مخلوط بالا را به آن اضافه کنید و خوب بزنید تا کاملاً نرم و یکنواخت شود.

۳- سفیده تخم‌مرغ را آنقدر بزنید تا زمانی که قاشق را از درون آن بیرون می‌آورید، روی آن به فرم قیف کوچکی درآید. سپس یک قاشق شکر را به آن اضافه کنید و خوب بزنید تا به صورت مخلوط یکدستی (مزننگ) درآید. یک قالب کیک گرد (به قطر ۲۰ سانتیمتر) را چرب کنید و کمی آرد در سطح آن پاشید. مرننگ را به دقت با شکلات آماده شده مخلوط کنید و در قالب کیک بریزید.

۴- کیک را به مدت ۳۵ تا ۴۰ دقیقه در فر قرار دهید. برای امتحان کیک می‌توانید یک میله فلزی باریک یا یک خلال دندان، وسط

۹۹ کیک سوفله شکلات بسیار لذیذ است و می‌توان آن را سرد یا گرم سرو کرد. یادتان باشد که کیک سوفله را نباید در یخچال گذاشت زیرا تازگی خود را از دست می‌دهد و خشک می‌شود اما می‌توانید شاهد آن را مدت یکماه در فریزر نگاه دارید. برای کیک سرد، شاهد سرد و برای کیک داغ هم شاهد سرد و هم شاهد داغ قابل استفاده است. ❧❧

## ● مواد لازم برای تهیه کیک:

- شکلات ساده ۲۲۵ گرم
- قهوه یک تا دو قاشق
- کره ۲۰۰ گرم
- شکر ۲۰۰ گرم
- تخم‌مرغ شش عدد

## ● مواد لازم برای تهیه شاهد:

- شکر ۱۲۰ گرم
- پودر کاکائو دو تا سه قاشق
- غذاخوری

طرز تهیه:

۱- فر را تا ۱۹۰ درجه سانتیگراد گرم

# بیسکویت کره‌ای

خمیر را به صورت نوارهای باریکی روی کاغذهای روغنی، با فاصله‌های مناسب، بریزید.

۳- خمیر آماده شده را به مدت هشت تا ۱۰ دقیقه در فر قرار دهید تا کناره‌های آنها قهوه‌ای شود، سپس آنها را روی پنجره‌ای فلزی قرار دهید تا سرد شود. می‌توانید هنگام سرو بیسکویتها مقداری خاکه قند روی آنها بپاشید. توجه داشته باشید که نباید بیسکویتها را با خاکه قند داخل ظرف در بسته بگذارید زیرا وجود خاکه قند، روی بیسکویتها را نرم می‌کند.

- آرد معمولی ۱۰۰ گرم

طرز تهیه:

۱- فر را قبلاً تا ۲۰۰ درجه سانتیگراد گرم کنید. دو ورق کاغذ روغنی را چرب کنید و روی آنها کمی آرد بریزید.

۲- سفیده تخم‌مرغ را اول به تنهایی و بعد با شکر خوب بزنید، سپس کره آب شده و بعد آرد الک شده را به آن بیفزایید. یک قیف متوسط با نوک ساده آماده کنید. خمیر را داخل قیف بریزید و بعد به کمک آن،

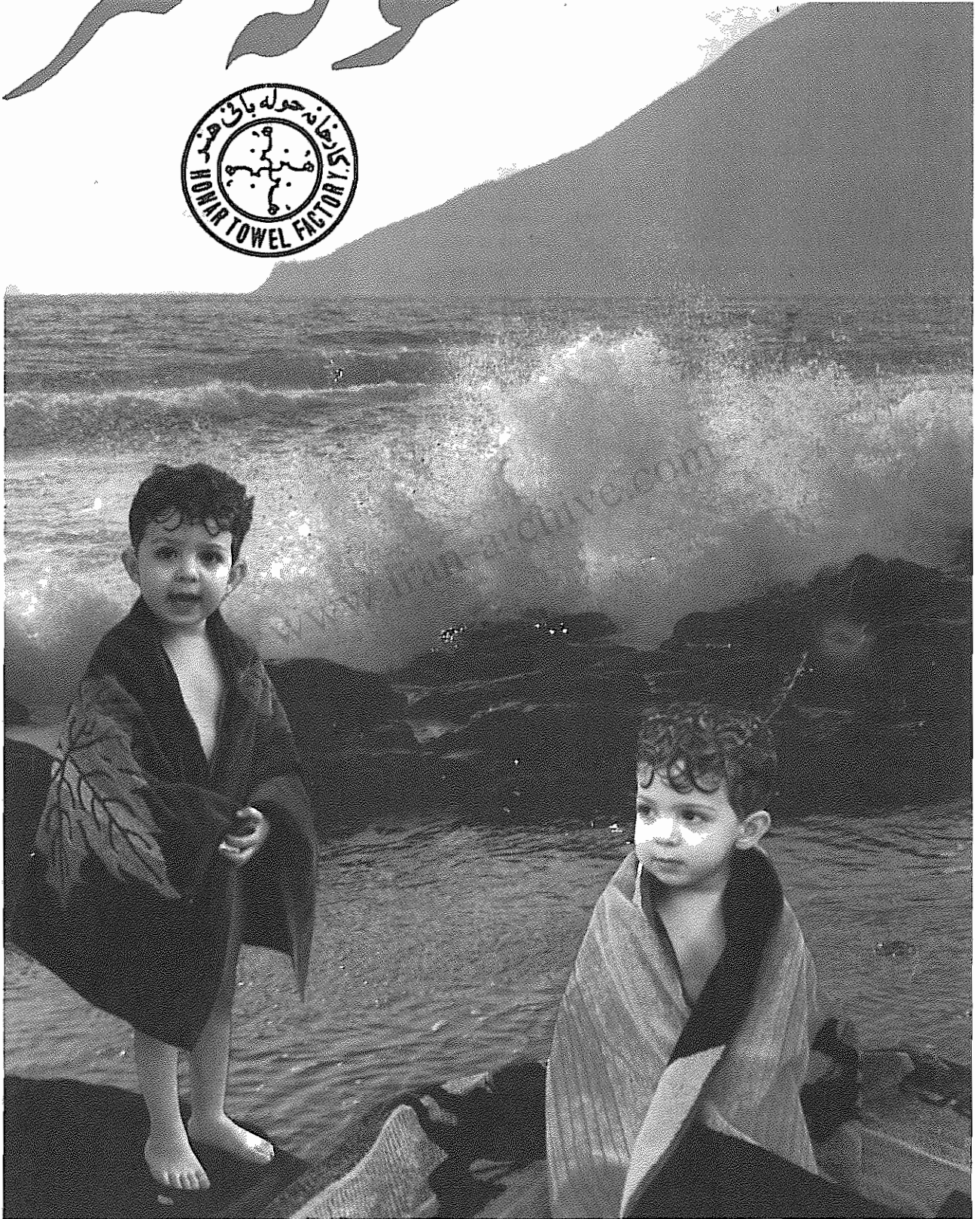
۹۹ تهیه این بیسکویتها بسیار ساده است و برای صبحانه یا پذیرایی بعد از ظهر همراه با انواع پودینگهای نرم، موسه‌ها و بستنی برای هر فصلی مناسب است. می‌توان این بیسکویتها را مدت چند هفته در ظرف در بسته نگهداشت و در موقعیتهای مناسب و دلخواه آن را سرو کرد. ❧❧

## ● مواد مورد نیاز

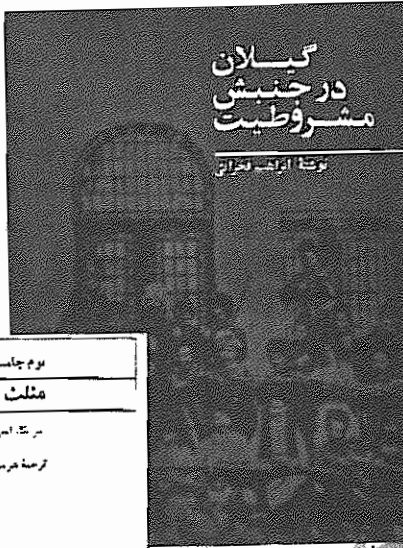
- سفیده تخم‌مرغ چهار عدد
- خاکه قند ۱۰۰ گرم
- کره ۱۰۰ گرم

روز و شب زیبایی در دستهای شماست

# حواله‌ها



محصولات صادراتی کارخانه حوله‌بافی هنر را میتوانید از فروشگاههای حوله و شرکت‌های تعاونی تهیه فرمائید.  
دفتر مرکزی: تلفن ۵۶۳۸۳۰۰ و ۲۲۲۶۳۱۲ فاکس و تلفن ۵۶۲۰۴۷۰ و ۲۲۲۴۶۹۰ تلکس HTFI-IR ۲۲۲۸۹۹ صندوق پستی تهران ۱۱۳۶۵/۶۵۶۸



گیلان  
در جنبش  
مشروطیت

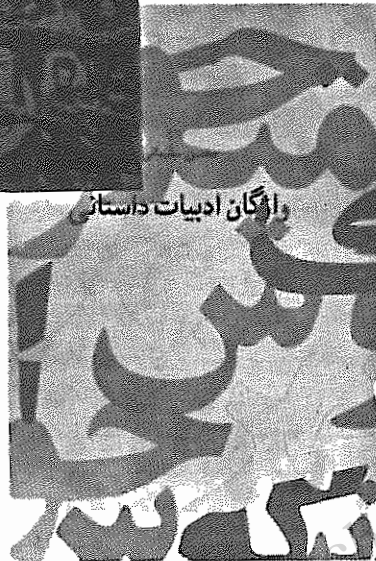
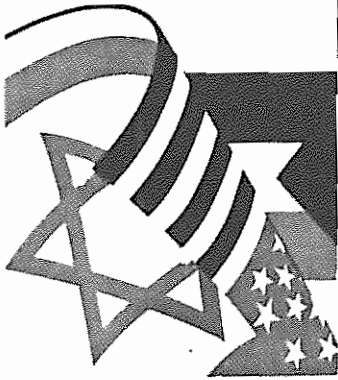
بهشتا ابراهیم گهرانی

نوم چاستکی

مثلث سرنوشت

سرقت، اعتراض و جنسیت

ترجمه هوشیار هادیان پور



واژگان ادبیات داستانی

- تاریخ جامع ادیان (چاپ پنجم) با ویرایش جدید قیمت: ۷۰۰۰ ریال
- مثلث سرنوشت جلد ۱ و ۲ (چاپ اول) قیمت: ۲۱۰۰ ریال
- جلد دوم: ۲۶۰۰ ریال
- گیلان در جنبش مشروطیت (چاپ سوم) قیمت: ۱۸۰۰ ریال
- جلد زرکوب: ۳۰۰۰ ریال
- واژگان ادبیات داستانی (چاپ اول) قیمت: ۲۴۰۰ ریال

خواستاران کتابها در شهرستانها می توانند بهای آن را به حساب شماره ۴۹۶/۱۱ بانک مرکزی واریز نمایند (از همه شعب بانک ملی می توان به این حساب حواله کرد) و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده زیر به دفتر مرکزی این شرکت ارسال دارند تا کتابها با پست سفارشی برای آنها فرستاده شود (لطفاً کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

اینجانب ..... به نشانی ..... کدپستی: .....

تلفن: ..... با ارسال اصل فیش بانکی شماره ..... به مبلغ .....

ریال درخواست می کنم نسبت به ارسال کتاب/ کتابهای ..... اقدام فرمایید.

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی  
(شرکت سهامی)



دفتر مرکزی و فروشگاه بزرگ کتاب: تهران، خیابان افریقا، چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، شماره ۴، کد پستی ۱۵۱۸۷؛  
صندوق پستی ۳۶۶ - ۱۵۱۷۵ تلفن: ۷۰-۶۸۴۵۶۹ و ۵-۶-۱۷۶۰۸۰  
فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، جنب دبیرخانه دانشگاه تهران

# نقد سخنرانی خانم مهر انگیز کار،

## تحت عنوان

## جایگاه زن در قانون کیفری ایران

مرژگان کیانی ثابت

آنچه می‌خوانید نقد یکی از خوانندگان عزیز ماست بر متن سخنرانی خانم مهر انگیز کار که در «اولین سمینار مشارکت اجتماعی زنان» ایراد و در شماره ۱۱ مجله زنان منتشر شده بود. امیدواریم که این، گشایش بایی باشد برای برخورد سالم آرا درباره مسائل زنان. ما در این زمینه پذیرای نظرات مختلف هستیم. «زنان» پاسخی برای این نقد دارد که در پی می‌آید. █

### مقدمه:

هرگونه ایراد و انتقاد به قوانین اسلامی خدشه در ایمان و اعتقاد و دین و مذهب اسلام است و ارتباط نزدیکی با اصول دین دارد. بنابراین حقیر اشکالات بنیادی و اساسی را که این گونه ایرادات ناشی از آن است، مطرح نموده و بحث کرده است.

۳ - در ضمن قبل از بازنگری و نگاه تحقیقانه در برابریها و نابرابریهای بین زن و مرد در قانون کیفری اسلام اولاً باید مقام والای زن در اسلام و قرآن را مورد عنایت قرار داد، ثانیاً باید توجه داشت که میزان تفاوت بین زن و مرد چیست.

۴ - منظور از مقام والای زن و یا انسان اعم از زن و مرد، مقام جسم و بدن او نیست. مقصود مقام روح و جان آدمی است اما انسان دارای دو بعد حیوانی و انسانی است. بعد حیوانی او در زندگی دنیوی است و در این دنیا لزوم به وجود زن و مردی است که مکمل یکدیگر باشند و تقسیم کار شود. امور سنگین و خشن به مرد واگذار شده است که از عواطف و لطایف کمتری برخوردار است و امور عاطفی که ظرافتی خاص دارد و تنها از ید توانای زن ساخته

۱ - آنچه در این مقاله مورد نقداست، جایگاه زن در قوانین کیفری اسلام است نه ایران. در زمان رژیم منحوط پهلوی قانون مدنی ایران یا بر آرای برادران اهل تسنن منطبق بود یا اصلاً خلاف دستورات اسلامی بود و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در قانون مدنی تجدید نظر شد و به مرور زمان به طور کامل اصلاح خواهد شد. انشاءالله تعالی. البته بعضی قوانین مثل قانون مدنی خانواده به طور کامل اصلاح شده است. شایان ذکر است که در قانون مدنی نظر مشهور فقها مورد نظر است نه اعلم و افقه فقها.

۲ - نظر به اینکه اعم قوانین جمهوری اسلامی ایران از احکام و فقه جعفری نشأت گرفته است و منابع و مأخذ فقه جعفری ادله اربعه می‌باشد و ادله اربعه مشتق از وحی الهی و عصمت معصومین است و فروع دین که شامل احکام و فروع اسلامی است، تقلیدی و تبعیدی محض می‌باشد - علی‌رغم اصول دین که تحقیقی و عقلانی است - لذا



است به عهده زن واگذار شده است و این خشونت یا عتوفت سبب برتری یکی بر دیگری نیست چون ارادی نیست و هرکدام به امانت در وجود زن و مرد قرار گرفته است تا درجهت صحیح آن را بارور سازند. تبعاً به دنبال این دو ویژگی نیز، احکام و مسئولیتهای هرکدام فرق خواهد کرد که این تفاوت مسئولیت سبب تحقیر یکی و شرافت دیگری نیست.

۵ - مسلم است که وقتی از نظر فیزیکی و جسمی زن و مرد متفاوت باشند، مسئولیتهای هرکدام نیز متفاوت است اما آنچه طبیعت به همراه دارد و غیرارادی است، شرافتی به همراه ندارد. شرافت از آن چیزی است که انسان بتواند آن را کسب کرده و به کمال برسد و آن کمالی معنویت می آورد که در سبیل معنویت باشد. اگر منصب خلافت، قضاوت و... کمال و شرافت بود و عدم آن اهانت و تحقیر، معصومین - علیهم السلام - در کسب آنها تلاش می کردند. اما چرا ائمه اطهاراً هیچکدام جز علیؑ که پنج سال واندی حکومت کرد (آن هم با اصرار و پافشاری مردم)، بقیه حکومت را به دست نگرفتند؟ علی الخصوص بانوی بزرگوار اسلام - علیها السلام - چرا ایشان سعی در کسب منصب خلافت یا قضاوت نکردند؟ با اینکه به نظر بعضی بزرگان ایشان مقام والاتری از حضرت امیرالمومنینؑ داشته اند.

۶ - هر عقل سلیمی حکم به تفاوت میان مرد و زن خواهد کرد.

جینا لمبروزو روان شناس ایتالیایی، در کتاب روح زن آورده است: «در اینکه زن و مرد با هم فرق دارند، تردیدی نیست.» وقتی فی البداهه فرق میان دو روشن شد، مسلم است که وظایف آنها هم فرق خواهد کرد و به تبع وظایف، حقوق آنها هم متفاوت است.

تمامی روان شناسان قدیم و جدید، غرب و شرق، مسلمان و غیرمسلمان، همه بر این نظر اتفاق داشته اند که زن و مرد از لحاظ جسمی و روانی با هم متفاوتند. مثلاً زن از مرد سریع الهیجانتر است یعنی زن در مورد اموری که مورد علاقه یا ترسش هست، زودتر و سریعتر تحت تأثیر احساسات خویش قرار می گیرد و مرد سرد مزاجتر است. زن از مرد محتاطتر است، پرحرفتر و ترسو تر و تشریفاتیتر است. زن از مرد رقیق القلبتر است. اینها بعضی از تفاوتهایی بودند که استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام از قول روان شناسان قدیم و جدید در شرق و غرب بیان کرده بودند.<sup>۲</sup>

استاد مطهری در جای دیگر کتاب اشاره به نظریه یک خانم روان شناس به نام کلیود السون که در مجله زن روز شماره صدویک آن زمان (سال ۱۳۵۷ ه. ش) چاپ شده بود، می نماید. این خانم می گوید: «مردان همیشه عملیتر فکر می کنند، بهتر قضاوت می کنند...» بعضی جملات لمبروزو در کتاب روح زن نیز بدین قرار است: «آنچه باعث می شود زن شخص خود را فدای دیگران ساخته و میل خود را تابع سلیقه آنان نماید،... نیازمندی وی به دوست داشتن است قهراً او را تحت تابعیت دیگران قرار می دهد.» «مغز زن مانند ذره بینی است که احساسات سایرین را قویتر و شدیدتر جلوه گر می کند و همین خود دلیل حساسیت فوق العاده زن نسبت به آلام و اسقام دیگران می باشد.»

در جای دیگر نیاز به وجود این تفاوتها را میان زن و مرد ذکر می کند و می گوید: «بالاخره بر من مبرهن گردید که برای نظام اجتماع فرق روشنی بین وظایف زن و مرد لازم است.» در قسمت دیگری از کتاب اشاره می نماید که تفاوتهای مذکور مطلق نبوده بلکه استثناء پذیر است.

باتوجه به نظریات روان شناسان که ذکر شد، چند نکته اصلی در مورد روان شناسی زن مطرح است، اگر چه قابل استثناء است:

۱ - زن بیشتر تحت تأثیر احساسات است نه عقل و مرد عقلانیتر می اندیشد.

۲ - نظریات زن بیشتر تابعی است نه استدلالی.

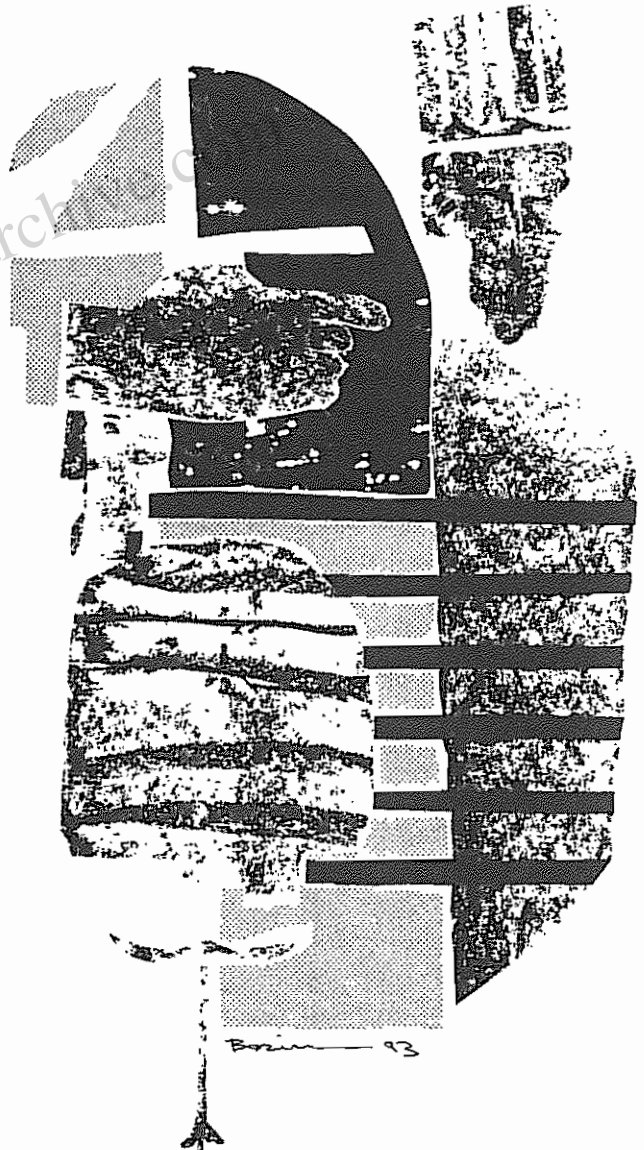
۳ - زن رقیق القلبتر است.

۴ - زن بهتر از مرد قضاوت نمی کند بلکه مرد بهتر قضاوت می کند، عملیتر فکر می کند و سازمان دهنده بهتری است.

زمانی که تعداد این روان شناسان زیاد شود، یقین حاصل خواهد شد که بالاخره زن و مرد از جهاتی متفاوتند به خصوص در چند نکته اصلی اخیر که اکثریت روان شناسان متفق القولند و اسلام نیز بعضی را تأیید کرده است.

باتوجه به نکات ذکر شده، فردی که بتواند بهتر قضاوت کند مسلم است که او باید بر منصب قضاوت بنشیند و این فضیلت و شرافت نیست، امر زائده ای است و اینکه زن نمی تواند قاضی شود<sup>۳</sup> نیز به همین سبب است، در ضمن اتفاق جنس سبب احیای حق نخواهد بود. تقوی شرط اساسی عمل است. چه بسا قاضی زن باشد و به سبب عدم تقوی با اخذ رشوه حقی را از زنی تضییع نماید و چه بسیارند قضاتی که مرد هستند و به علت تقوی حق تضییع شده زنی را احیاء کرده اند.

در تائی زنی که تحت تأثیر احساسات خود قرار بگیرد و تحت تابعیت دیگران باشد و رقیق القلبتر باشد از مرد، مسلم است که



۹۳



نمی‌تواند خوب شهادت بدهد. چه بسا صحنه‌هایی را که می‌بیند، بیش از حد وی را تحت تأثیر قرار دهد و کم‌و‌زیادی در آن راه بدهد و لو ناخودآگاه باشد و یا دیگران قضاوتی ناصحیح کنند و وی را تحت تابعیت نظر خود قرار دهند و با شهادت ناصحیح حقی از مظلومی ضایع گردد.

نتیجه آنکه بالاخره زن و مرد با هم متفاوتند و کسی نمی‌تواند منکر این تفاوت شود و این تنها نظر اسلام نیست و تنها در عصر حاضر این بحث وجود نداشته است. منتهی باید مشخص شود که این تفاوتها که تفاوت در مسئولیت اجتماعی و اجرایی را به همراه دارد، سبب نقص و کمال نیست بلکه تناسب است زیرا از نظر اسلام تفاوت میان زن و مرد سبب برتری یکی و نقص دیگری نیست. «تفاوتهای زن و مرد تناسب است نه نقص و کمال. قانون خلقت خواسته است با این تفاوتها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده‌اند و مجرد زیستن انحراف از قانون خلقت است، به وجود آورد.»

علامه طباطبایی - رضی الله عنه - در تفسیرالمیزان ذکر می‌کنند که وجود زیادی قوه تعقل در مرد یک زائده است نه معیار فضل و کمال، البته وجود عواطف بیشتر در زن هم همینطور است که یک امر زائده برانسانیت است نه معیار کرامت و شرافت انسانی. بلکه زن و مرد در شرافت و کرامت انسانی با هم فرقی ندارند. «ولقد کرمتنا بنی آدم: ما فرزندان آدم را کرامت دادیم.» فرزندان آدم هم شامل زنان است هم مردان و هر دو یک کرامت دارند.

در کتاب زن در آینه جلال و جمال از آیه‌الله جوادی آملی آمده است: «اگر چنانچه تفاوتی از نظر عقلی باشد، عقل به این معنا، ابزار انجام کارهای دنیاست...»

نتیجه آنکه عقلی که شرافت و کمال انسانی به اوست، عقلی است که در روایات معصومین<sup>ع</sup> تفسیر به چیزی شده است که انسان به وسیله او حق را بفهمد و عمل کند: «العقل ما عبد به الرحمان و اکتسب به الجنان» که عقل بدین معنا در زن و مرد مشترک است. ولكن در عرف بین این دو معنای عقل فرقی نمی‌گذارند و مغلطه می‌کنند.

علاوه بر مطالب فوق، یک اصل کلی نیست که تمامی زنان عقلشان در امور اجرایی و دنیوی از مردان کمتر باشد. زنان بسیاری بوده و هستند که از بسیاری مردان عقلشان بیشتر بوده است، قضاوتشان صحیح‌تر است. مدیریت بهتری می‌دانند، تحت تابعیت دیگران و احساسات فرد نیستند، این یک قاعده کلی و اصل استثناء‌ناپذیر نیست. مثلاً بانوی بزرگوار اسلام حضرت فاطمه زهرا - سلام... علیها - را در نظر بگیرید که به طور قطع و مسلم عقل و قضاوت و مدیریت ایشان تحت تأثیر احساسات و تابعیت از دیگران نبوده است و خیلی عقل و قضاوتشان از تمامی مردان (نه تنها بعض مردان) بیشتر بوده است و با ائمه معصومین<sup>ع</sup> هم برابر بوده است نه کمتر. اما مع‌ذک ایشاں بر منصب خلافت یا قضاوت نشستند.

چیزی که هست زنان مسلمان باید ارزش واقعی زن را که همان ارزش و شرافت انسانی است از نظر اسلام به خوبی درک کنند و وظیفه انسانیت خود را بشناسند و عمل کنند و به اهانت و مهمل‌گویی نابخردان اعتنا نکنند زیرا اگر تمام عالمیان از پذیرش حقیقت سر باز زنند، حقیقتی را که خداوند سبحان مقرر داشته است نمی‌توانند عوض کنند.

۷- قبل از ورود در فقه و قوانین مدنی اسلامی (که باز همان فقه است) باید وارد مسائل اعتقادی و اصولی اسلام شد. بعد از اعتقاد

به توحید صفاتی و عدل الهی که هر دو از اصول دین محسوب می‌شوند، می‌توان وارد فقه شد. مختصراً توضیحی در ذیل می‌آید.

#### توحید صفاتی:

بعد از قبول توحید ذاتی به دلیل عقلی و نقلی<sup>۵</sup> که جهان خالقی دارد و این خالق تنها یکی باید باشد نوبت به انواع دیگر توحید می‌رسد: توحید افعالی و توحید صفاتی.

مقصود از توحید صفاتی آن است که یک سری صفات ثبوتیه وجود دارند که این صفات به حد کمال و بی‌انتهای فقط مخصوص باریتعالی است. و یک سری صفات، سلبیه است. این صفات به طور کل از باریتعالی نفی می‌شود. از این صفات ثبوتیه می‌توان حکمت الهی را نام برد. خداوند حکیم است و تنها اوست که خوب و بد بشر را می‌داند و به مصالح بشر حکم می‌راند و کار عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد و به ضرر بندگان رفتار نمی‌نماید، اگر چه مصلحتی را بیان نکند.

#### عدل الهی:

عدل الهی نیز جزء صفات ثبوتیه الهی است، منتهی به لحاظ اهمیت ویژه آن در اصول اعتقادات یک فصل جدایی برای آن باز شده است. عدل الهی به معنای آن است که خداوند هیچ ظلمی به بندگان خود روا نمی‌دارد و تنها به مصالح آنان رفتار می‌نماید.

نتیجه آنکه اگر اعتقاد به این دو اصل از آفت شک و ریب در امان باشد تفاوت در احکام بین زن و مرد یا در سایر موارد که به نظر ظالمانه می‌رسند، حل شده خواهد بود.

اکنون با ذکر این هفت مقدمه می‌توان وارد بحث شد.

### کتاب اول / باب چهارم

ماده ۴۹ و تبصره اول آن که اشاره به تیری اطفال مجرم و مقصود از طفل را دارند بیانگر آن است که طفل آن است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و این من باب نابرابری فاحش بین دختر و پسر تلقی شده بود.

یک دختر وقتی به سن نه سال تمام می‌رسد رشد عقلی او مطابق با پسر ۱۵ ساله است. در این سن نه سالگی است که خداوند کرامتی خاص به دختر می‌بخشد و او را به حضور می‌پذیرد، احکامی را بر او واجب و بعض دیگر را حرام می‌نماید و احکام اسلام تنها شامل طهارت، نماز، روزه، و خمس و زکات نیست بلکه احکام اسلام شامل حدود هم می‌شود، شامل دیات هم می‌شود و هزاران مسائل دیگر. احکام اسلام تنها عبادتی نیست بلکه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است و دختر در نه سالگی قدرت درک تمام این مسائل را دارد برخلاف پسر نه ساله که هنوز در فکر بازی است و عقل او از درک چنین مسائلی عاجز است و زودتر مکلف شدن دختران ارزش است به زن.<sup>۶</sup>

مطلب دیگر آن است که آنچه بالاتفاق یا به شهرت مورد نظر علما باشد از آن جهت که می‌تواند بیانگر حکم واقعی معصومین<sup>ع</sup> باشد، تجدیدنظر و مخالفت با آن غیرممکن است، چون مخالفت با قوانین شارع مقدس یعنی خداوند تبارک و تعالی است.

### نابرابری در کیفیت اجرای حد زنا

ماده ۱۰۲: «مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه درگودال دفن می‌کنند، آنگاه رجم می‌نمایند.»

می‌شود.»

اینکه در اینجا تخفیف فقط نسبت به پدر و جد پدری می‌باشد، ممکن است به جهت ولایت ایشان بر فرزند باشد و ولایت داشتن به معنای این است که امور فرزند تا قبل از بلوغ به دست ایشان است نه اینکه کرامت و شرافت پدر و جد پدری بیش از مادر است. چرا که در دین مبین اسلام حق مادر اعظم از حق پدر است.<sup>۱</sup>

در اسلام هیچ حقی نیست که به ضرر فرد باشد که حقی در مقابل آن به نفع اوست. تنها خداوند سبحان است که تمام حقوق به نفع اوست و هیچ حقی بر ضرر وی نیست لذا اگر در مورد قذف تخفیفی نسبت به پدر است، در بسیاری موارد مادر فضیلت و برتری به پدر دارد لذا این مورد هم سبب تفاوت و نابرابری نیست، چون ارزش نیست. به هر حال پدر و جد پدری هم مجازات می‌شوند منتهی کمتر.

### کتاب سوم / قصاص نفس

#### باب اول «قصاص نفس»

ماده ۲۰۹: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل،



نصف دیه مرد را به او بپردازد.»

در جواب باید گفت که اولاً دیه‌ای که برای انسان در شرع در نظر گرفته شده است مطابق با ارزش اقتصادی انسان است. بدین معنا که این انسان مقتول اگر مورد قتل واقع نمی‌شد، چقدر می‌توانست کسب و کار کند و چه میزان می‌توانست مال به دست آورد<sup>۱</sup> که الان بازامانگان و ورثه وی مورد زیان مالی واقع شده‌اند که این کارکرد از قاتل گرفته می‌شود.

اینک از آنجایی که قدرت بدنی مرد بیش از قدرت بدنی زن است و مرد دوبرابر زن می‌تواند کار کند و مال به دست آورد لذا دیه مرد دو برابر دیه زن است و این به معنای نابرابری میان زن و مرد و یا بی‌ارزشی و کم‌ارزشی زن نیست چرا که اگر چنین باشد پس باید بگوییم که علم و تقوی و سایر فضایل در اسلام بی‌اعتبار و فاقد هرگونه ارزشی هستند. زیرا دیه یک مرد باتقوی و عالم و صاحب فضایل با دیه یک مرد فاسق و لایهالی و اهل فساد یکی است. آیا واقعاً این چنین است؟! هر عقل سلیمی که کوچکترین تدبیر در آیات قرآنی و روایات و احادیث کرده باشد، قطعاً جواب منفی خواهد داد. با توجه به اینکه قرآن کریم می‌فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؟» این آیه استفهام انکاری است و این معنا را می‌رساند که علما با جاهلان برابر نیستند. و یا «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» بیانگر ارزش و فضیلت تقوی است و بسیارند دلایل نقلی که بیانگر ارزش فضایل هستند پس علم و یا دیگر فضایل در اسلام فاقد ارزش و اعتبار نیستند بلکه اینجا موضوع دیگری است و دیه فقط صرف کارکرد اقتصادی زن و مرد است.

این نابرابری به طور قطع بنا بر مصالحی بوده است که شارع مقدس تشخیص داده است ولی آنچه به نظر حقیر می‌رسد ممکن است این نابرابری بدین لحاظ باشد که چون قدر رجم تا مقدار مشخصی است و مجرمین بعد از آن باید رها شوند و اگر فرد زانی یا زانیه هنوز زنده بودند یا فرار می‌کردند دیگر نباید آنها را تعقیب نمود و به قتل رسانید شاید شارع مراعات زن را کرده است که اگر باردار بود و تشخیص داده نشد و خود وی هم نمی‌دانست<sup>۲</sup>، فرزند وی آسیب نبیند و شاید رعایت ضعیف‌تر بودن جسم زن باشد.

### نابرابری در شناخت عمل مجرمانه

#### کتاب دوم / باب سوم «مساحقه»

ماده ۱۳۴: «هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند، بدون ضرورت، برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانہ تعزیر می‌شوند.»

در این مورد شاید صحبت از عفت زنان باشد. چون عفت زنان چنین اقتضای می‌کند دو زن برهنه، بدون ضرورت در زیر یک پوشش قرار نگیرند. چون از زنان عقیفه و صالحه این‌گونه اعمال سرنمی‌زند. در ضمن حیا در زن بیش از مرد است. مردان حیای زیادی به حد زن ندارند و زمانی که دوزن که قرابت نسبی هم ندارند، بدون ضرورت و بدون شرم و حیا جرأت نمایند که برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند، چنین شرم و حیایی هم ندارند که اعمال خلاف انجام ندهند.

### نابرابری در سقوط حدّ قذف:

ماده ۱۶۱ که ناظر به سقوط حدّ قذف از مردی است که زنش را پس از قذف لعان کند، می‌باشد.

کسی که مورد قذف قرار می‌گیرد، ممکن است در واقع حقیقت را بیان کرده باشند و یقین به آن داشته باشند اما به دلیل آنکه شاهد ندارد و یا آنکه شاهدان در دادگاه شهادت نداده‌اند و یا به هر دلیلی نتوانسته است مدعی خود را ثابت کند، مورد قذف قرار می‌گیرد اما مهم این است که جرم برای قاضی ثابت شود و یقین به آن نماید تا حکم دهد.

حال مردی که همسر خود را قذف می‌کند شاید یقین پیدا کرده باشد و خود دیده باشد ولی شاهد ندارد و زن هم اقرار نمی‌کند لذا حدّ قذف از چنین مردی برداشته می‌شود. مسلماً مرد خیلی سریع‌تر و آسان‌تر می‌تواند به خلاف همسر خود یقین کند اما برای زن بسیار دشوار است که به چشم خود ببیند که شوهرش خلاف می‌کند. گذشته از آن، از کجا می‌داند که حتماً خلاف است؟ شاید عقد (دائم یا موقت) باشد وزن از آن عقد بی‌خبر است، مرد می‌تواند همسران متعدد دائمی یا موقت اختیار کند اما زن شوهردار نمی‌تواند همسر دیگری چه دائم چه موقت اختیار کند. لذا اگر مرد همسر خود را با مرد بیگانه‌ای در حین گناه ببیند صرف دیدن می‌تواند یقین به نامشروعیت عمل نماید. اگر چه به اکراه و رضای زن پی نبرد<sup>۳</sup> اما زن نمی‌تواند اگر شوهر خود را بازنی دید، یقین به زنا کند. لذا سقوط حدّ قذف پس از لعان فقط در مورد مردی است که همسر خود را قذف کرده است.

### نابرابری در مجازات حدّ قذف

ماده ۱۲۹: «هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند، محکوم به حدّ می‌شوند.»

تبصره: «اگر پدر و جدّ پدری فرزندش را قذف کند، تعزیر

### نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم / باب اول «کیفیت استیفای قصاص»

ماده ۲۵۸: «هرگاه مردی، زنی را به قتل برساند، ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید.» جواب آنکه وقتی مردی زنی را به قتل رساند، دو حق ثابت می‌شود: یک حق برای ولی دم زن که حق قصاص است و دیگری حق گرفتن نصف دیه برای قاتل. اگر یکی از دو طرف از حق خود بگذرد دلیل بر آن نیست که دیگری هم از حق خود بگذرد. ولی دم مقتول خود راضی بر ضرر گشته است و از حق خود گذشته است و این مستلزم متضرر شدن قاتل نیست که از حق نصف دیه خود بگذرد.

### نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم / باب دوم «قصاص عضو»

ماده ۲۷۳ که آن هم ناظر به این است که دیه نقص عضو، اگر ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، دیه زن نصف است. این هم همان جواب برای قصاص نفس را دارد که گذشت.

### دفع شبهه

در خاتمه بحث از نابرابریهای قانون مجازات اسلامی نتیجه‌گیری شده بود که زن در مقام مدعی و صاحب خون و مقام شاهد و قسم خورنده در موقعیت بسیار متزلزل و ناپایداری قرار دارد که متأسفانه نسبت به جان او به نوعی قیمت‌گذاری شده است که این نوع قیمت‌گذاریها نهایتاً به تأخیر یا توقف در اجرای حکم قصاص و نابرابری در مجازات جانی می‌انجامد.

از این عبارات برمی‌آید که شناخت نسبت به مقام انسان علی‌الخصوص زن در اسلام و قرآن بسیار ضعیف است چرا که همانطور که در اول بیان شد دیه، قیمت‌گذاری جان آدمی نیست بلکه فقط صرف ارزش کارکرد اقتصادی آن است.

### نابرابری در ارزش خبرگی زن و مرد

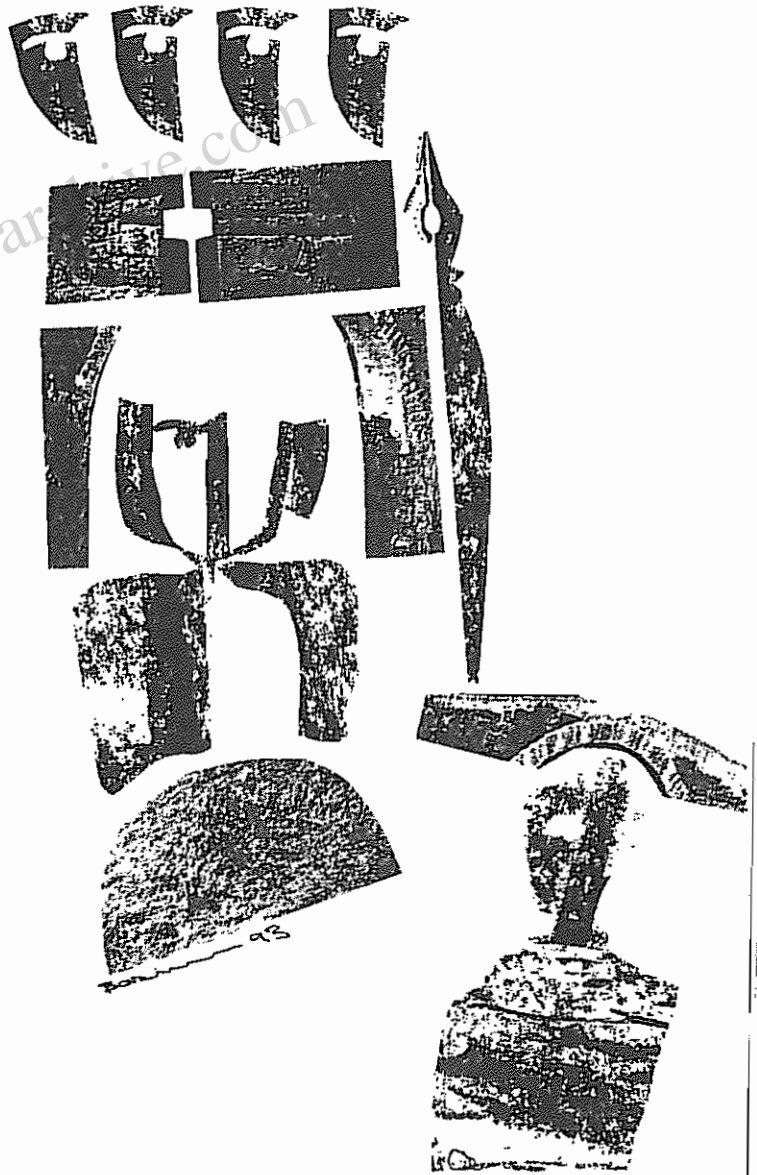
ماده ۴۵۹ که ناظر به مورد اختلاف دیه بینایی بین جانی و مجنی علیه است که با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک مرد خبره و دو زن خبره عادل دیه ثابت می‌شود در ذیل این ماده آمده بود که قانونگذاری برای گواهی و نظریه زن خبره بهایی قایل نیست و گواهی او را تا میزان نصف ارزش گواهی یک مرد خبره و هم‌تراز او ارزیابی می‌کند آن هم مشروط بر اینکه عادل باشد. در اینجا نه تنها نابرابری در حقوق فردی زن محقق شده است بلکه توجه به علم و تجربه زن خبره نیز موکول بر حضور و تأیید یک خبره مرد در کنار دو زن خبره عادل گردیده است که مبتنی بر نابرابری است.

همچنانکه قبلاً اشاره شد اینها ملاک ارزش و بها نیست بلکه تنها صرف خصوصیت روحی و روانی زن است و آن همه روایات و آیات در خصوص ارزش و مقام زن قابل انکار نیست و همچنین آن همه روایات و آیات در خصوص ارزش و مقام علم و دانش.

مطلب دوم آنکه در هر حال برای هر شهادتی اعم از اینکه زن شهادت دهد یا مرد، تنها شهادت فرد عادل قابل قبول است و اینکه در این ماده گفته است یا یک مرد خبره و دو زن خبره عادل و صفت عادل را برای مرد ذکر نکرده است، چون در چند کلمه قبل این صفت آمده است به دلیل آیه نبأ در سوره حجرات، یک قاعده کلی در فقه است که شهادت فاسق به طور اصل و کل غیر قابل قبول است.

مرد هرکاری می‌تواند برای کسب و کار انجام دهد از قبیل باربری، بنایی، نانوائی و غیره اما زن به علت حفظ عفت و وقار خود و رعایت شئون اسلامی و علاوه بر اینها عدم قدرت جسمی نمی‌تواند به هر کاری دست زند لذا یک دوم مرد می‌تواند کسب کند. باتوجه به مطالب فوق چون دیه زن نصف دیه مرد است لذا اگر مردی عمداً زنی را بکشد باید قصاص شود اما ولی دم زن نصف دیه مرد را به او ضامن است. شاید این براساس قاعده «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» باشد. هیچ کس در اسلام ضرر نمی‌بیند و نمی‌تواند به دیگری ضرر برساند. قاتل قصاص می‌شود چون جان انسانی را گرفته است اما در این باب نباید ضرر کند که نصف دیه را نگیرد. اسلام حتی به قاتل ظلم روا نمی‌دارد و اگر اولیای دم زن در پرداخت این پول کوتاهی کند کسی مقصر نیست.

حال اگر زنی، زنی را بکشد و یا مردی، مردی را بکشد، مسلم است که دیه برابر است و اولیای دم چیزی را ضامن نیستند. در مواردی هم هست که اگر مقتول مرد باشد ولی دم باید دیه به قاتل بپردازد در قبال قصاص و آن جایی است که مثلاً سه زن قاتل یک مرد باشند. اگر ولی دم بخواهد قصاص کند، باید دیه یک زن را به قاتلین بدهد که هر کدام یک سوم بردارند و سپس حق قصاص دارد.





## یک نابرابری خاص در مجازاتهای تعزیراتی نسبت به زنان

تبصره ذیل ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات که ناظر به تعزیرات زنان فاقد حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی است، اینکه قانونگذار فقط عدم پوشش برای زنان را موجب تعزیر می‌داند، بدین علت است که در اسلام برای مردان دستور حجاب و پوشش نیست، فقط پوشش عورتین برای مردان واجب است البته از نظر اخلاقی پسندیده نیست که مردی فقط با پوشش عورتین در جامعه بیاید. ولی اگر آمد فعل حرامی مرتکب نشده است.

در ادامه همین بحث اظهار تأسف شده است از فقدان ضوابط مشخص و دقیق برای جرایم منکراتی که باید گفته شود این ضوابط کاملاً دقیق و مشخص است که منظور حجاب اسلامی به طور دقیق است. حد شرعی حجاب آن است که تمام بدن را با لباس گشاد و بلند بپوشانند به غیر از گردی صورت که از محل رویدن موی سر تا چانه است. (البته نه زیر چانه) و همچنین غیر از مچ دست تا سرانگشتان که اگر صورت و دو دست تمام بدون زینت باشند، اشکالی ندارد والا صورت آرایش کرده یا دستان زینت شده با لاک ناخن، انگشتر، دستبند و غیر ذلک (البته حلقه و ساعت غیر تزئینی استثناء است) نباید بیرون باشند و لباسی که موجب جلب توجه شود، برتن نکنند. اگر کسی این ضوابط را مراعات نماید، هیچگاه او را به جرم منکرات نمی‌گیرند.

### برابری در دادخواهی

تحت این عنوان آمده است که تظلم و دادخواهی از جمله حقوق اولیه افراد به شمار می‌رود و بین زن و مرد فرقی نیست اما اینکه در ادامه ذکر می‌شود که نابرابریهایی که در سایر قوانین به زیان زنان وجود دارد (از قبیل نابرابریهای ناظر بر قوانین خانواده، طلاق، امور حسبی و...) در موارد خاصی جایگاه زن را در مقام دادخواه در دادرسیهای کیفری متزلزل و حتی بی‌اعتبار می‌سازد و به عنوان مثال ذکر شده است مقتولی که فرزندان صغار از او به جای مانده است، مادر صغار به علت عدم ولایت نمی‌تواند از طرف صغار به خونخواهی پدر آنها برخیزد و بعد مورد نابرابری ناشی از ولایت پدر در مباحث خانواده را مطرح کرده‌اند.

در جواب این شبهات مطالبی ذیلاً خواهد آمد:

۱- تظلم و دادخواهی در صورتی است که فرد حقی داشته باشد و حق وی از او گرفته شود و سپس به دادخواهی برخیزد. فی‌المثال زنی خانه‌داری و بچه‌داری نکند و مرد نتواند او را مجبور به انجام این امور کند، در اینجا مرد حق شکایت و دادخواهی ندارد. چون اصلاً شارع مقدس در این مورد حقی برای مرد منظور نداشته است تا او بیاید تظلم و دادخواهی نماید و تنها حقوقی برای زن و مرد ثابت است که خداوند آن حقوق را مقرر داشته است که با نگاه دقیق به احکام خانواده و غیره هیچ حقی از زن و مرد ضایع نشده است و زمانی می‌توان گفت که حقوق از زن و مرد ضایع شده است که شناخت نسبت به اسلام واقعی نباشد.

۲- و اما در حقوق خانواده که اکثریت مردم چنین می‌پندارند که نابرابری بین زن و مرد است. علت آن جهل به تمامی مسائل و احکام خانواده است. فی‌المثال اکثریت مردم اعم از زن و مرد بر این پندارند که زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود به طور مطلق. در صورتی که این حکم مشروط است یعنی زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود مگر اینکه عذر عقلی یا شرعی

داشته باشد که در این صورت حتی اگر شوهر او رامنع از خروج منزل کند، زن می‌تواند از منزل خارج شود و مرتکب هیچ حرامی نشده است. عذر عقلی مانند اینکه بیمار است و می‌خواهد نزد طبیب برود برای معالجه و عذر شرعی همانند آنکه زن می‌خواهد به سفر حج واجب برود.

یک سری احکام و حقوق خانوادگی است که تمامی مردم از آن بااطلاعند مثل اینکه مرد می‌تواند چهار زن عقدی دایم در یک زمان داشته باشد. اما اکثریت قریب بالاتفاق مردم غیر از تعداد اندکی (که شاید آن تعداد هم غیر از طلاب و علما نباشند) نمی‌دانند که با عدم توانایی بر رعایت عدالت مابین زنان به نظر بعضی علما حتی زن دوم هم حرام است چه رسد به زن چهارم.

در طلاق هم همین طور است. طلاق حق مرد است اما زن در ضمن عقد نکاح می‌تواند شرط کند که به طور مطلق هرگاه خواست از جانب شوهر وکیل باشد تا خود را مطلقه نماید و هر موقع که زن بخواهد می‌تواند طلاق بگیرد و دچار مشکلی نخواهد بود.

### نابرابری در تصدی مسئولیتهای قضایی

در ذیل این عنوان آمده بود: «غیبت زن در جریان محاکمات جزایی باعث شده است تا بخشی از دیدگاههای نابرابر قوانین کیفری نسبت به زن که حاوی نابرابریهای جنسیتی است توسط قضاوت مرد توجیه هم بشود.» جواب آن است که شرط ذکورت برای قضاوت نظر مشهور فقهاست و نظر فقها بر طبق قرآن و سنت است. البته فقهایی هم بوده‌اند که این شرط را قایل نبوده‌اند و عهده‌دار شدن منصب قضاوت را برای زنان هم جایز می‌دانسته‌اند. مثل مرحوم مقدس اردبیلی که از مقدمین بوده است.

اما گذشته از اینکه حکم فقهاست یا خیر، حقیر می‌خواهد بگوید آیا اکنون که مردان بر منصب قضاوت هستند، آیا هیچ وقت حقی از مردان ضایع نمی‌شود؟ در حالی که گاهی به گوش می‌رسد که به دادخواهی مردان نسبت به ظلمی که بعضی زنان به آنها روا داشته‌اند، توجه نشده است و حقی از ایشان ضایع گشته است.

از سوی دیگر، در زمان رژیم منحوط پهلوی که زنان هم بر منصب قضاوت می‌نشستند آیا هیچگاه به زنان ظلمی نمی‌شد؟ و حقی از ایشان ضایع نمی‌گشت؟ آیا در کشورهای که زن رئیس جمهور بوده است، مثل فیلیپین (خانم اکینو)، ویا زن نخست‌وزیر بوده است، مثل انگلستان (خانم تاچر)، آیا در این کشورها اصلاً به زنان ظلم نمی‌شود؟ و در دیگر کشورهای جهان که مرد رئیس جمهور است، آیا به مردان ظلم نمی‌شود؟<sup>۱۱</sup>

و مطلب سوم اینکه ذکر شده بود که غیبت زنان قاضی، تفسیر قوانین را به نفع زنان متهم غیرممکن می‌سازد. آیا واقعاً این چنین است که هیچ قانونی به نفع زن وجود ندارد؟ آیا حقیقتاً هیچگاه در هیچ دادگاهی به نفع زن حکم نمی‌شود؟ ما قضات عادلانی داریم که از باتقواترین مردانند<sup>۱۲</sup> در اسلام هم تقوا شرط است. هر که باتقوا باشد، حکم الهی را زیر پا نمی‌گذارد و باتوجه به دستورات الهی به پیش می‌رود و جنسیت برایش مطرح نیست. نمونه‌های بارزی هم از علماء و مسئولین داریم که برای حقوق زنان ارزش قائلند و حقی را ضایع نمی‌دارند.

البته در زندگی اجتماعی که مردم با هم در معاشرت هستند، نیاز به قوانینی است که بعضی به نفع یکی است و بعضی به ضرر وی و چاره‌ای از آن نیست. و اگر حکمی به ضرر فردی شده دلیل بر بی‌اعتباری و بی‌ارزشی وی نمی‌باشد.

من باب نمونه مورد اختلاف حضرت علیؑ با آن مرد مسیحی که زره حضرتؑ را به سرقت برده بود که قاضی به نفع مرد مسیحی حکم کرد. با اینکه علیؑ معصوم بودند یعنی دچار گناه و اشتباه نمی شدند، مع ذلک نیاز به حضور شاهدهی بود که علیؑ کسی را شاهد نداشت و به طور قطع این حکم به ضرر علیؑ به معنای شرافت مسیحی بر مسلمین آن هم امیر مومنانؑ نیست.

ذکر این نکته هم ضروری است که شاید بعضی مسائل از نظر ظاهر هم ظلم به نظر برسند اما در واقع ظلمی نیست منتهی به دلیل کمی علم خود اینطور می پنداریم و علما غیر از این تصور دارند.

### نابرابری در ارزش شهادت

در نتیجه گیری از بحث در شماره هفت آمده بود: «در زمینه ارزش شهادت زنان برای اثبات جرم و ارزش سوگند آنان در مقام مدعی گویی دیدگاه قوانین کیفری ایران، زن را هرگز در جایگاه شاهد صادق نمی پذیرد.»

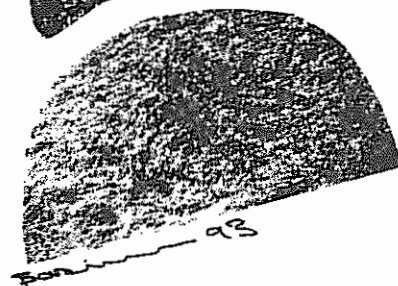
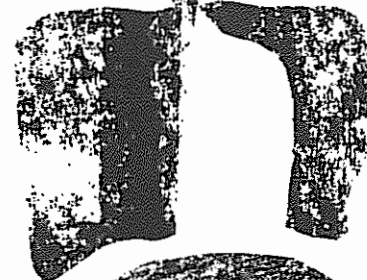
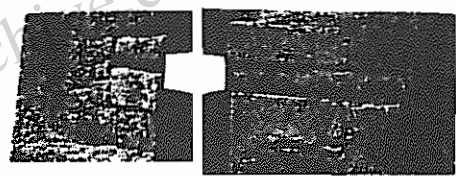
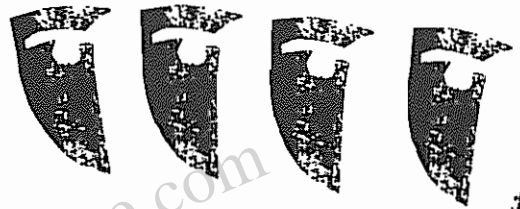
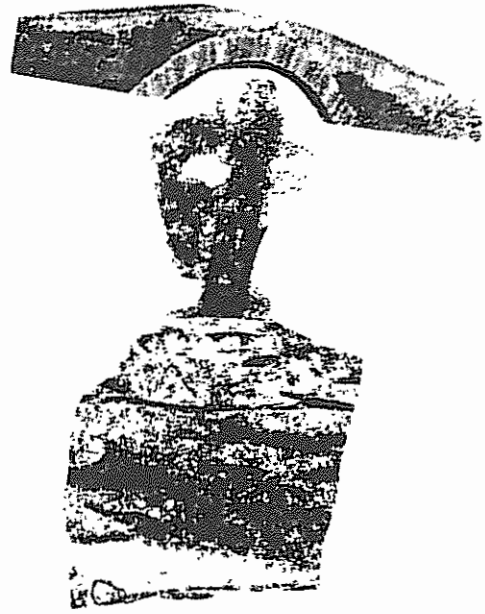
در جواب، ذکر چند مطلب حائز اهمیت است:

الف) این قوانین صرف یک سری قوانین ایرانی نیست بلکه قانون اسلامی است. یعنی این بیان حکم الهی است و منطبق بر فقه شیعی جعفری است. یعنی این قوانین طبق حکم و مصالحی از سوی خداوند وضع شده است و مخالفت با آن و تجدیدنظر در آن امکان پذیر نمی باشد.

ب) اگر شهادت فردی مورد قبول واقع نشد دلیل بر بی ارزشی شهادت او یا مدعای او و یا بی ارزشی و اهانت به خود فرد نیست. عدم قبول شهادت فرد سبب نمی شود تا او کذاب و انمود شود بلکه شواهد و قرائن باید به حدی باشد که برای قاضی یقین کامل و صددرصد حاصل نماید و سپس بتواند بر اساس یقین خود حکم بدهد. حال این مقدار را که یقین برای وی حاصل شود یا شارع تعیین کرده است مثل اینکه چهار شاهد عادل به زنا شهادت بدهند با تمام فروعاتش و یا شارع معین نفرموده است که خود افراد صاحب منصب تصمیم گیری کرده و حد تعیین را معین می کنند. مثل مورد شهود محلی که زنان باید شوهر دار باشند.

حال با توجه به مطالب فوق اگر سه مرد عادل که از علما و بزرگان هم باشند به زنا شهادت دهند و یک شاهد دیگر پیدا نشود، حد قذف بر این سه جاری می گردد، اگر چه این سه مرد عادل هستند، یعنی گناه کبیره نمی کنند و دروغ و بهتان جزء گناهان کبیره هستند کسی از ایشان دروغ نشنیده است. مع ذلک با تمام این اوصاف حد برایشان جاری می شود. اما حد به معنای بی ارزشی شهادت ایشان نیست یا دلیل بر عدم عدالت ایشان نیست و یا آنکه ایشان را به عنوان صادق نمی پذیرند. بلکه خداوند طبق مصالحی اینطور معین فرموده است.

مصالحی که خداوند در نظر داشته است ممکن است جلوگیری از اشاعه فحشا باشد چون فراهم شدن مثلاً چهار شاهد عادل برای زنا در حد غیر ممکن می نماید. هر کسی به سادگی جرأت نمی کند که گناه دیگری را بر زبان آورد و گناه در جامعه پوشانده می شود و قبح آن از بین نمی رود چون مصلحت الهی بر این تقدیر است که گناه علنی نشود: «ان الذین یحبون ان یشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره» این جواب کلی است اما چند نمونه به عنوان مثال ذکر می شود.



## نابرابری در ارزش شهادت کتاب دوم باب اول

### یادداشتها:

۱. ادله اربعه شامل کتاب (قرآن)، سنت (احادیث و روایات رسیده و تقریر مصومین (ع) اجماع فقهاء و عقل است (البته عقل فقهاء نه عوام).
۲. اگر چه بعضی افراد بر اثر جهل بسیط چنین می‌پندارند که متولد شدن فرزند پسر باعث شرافت است اما اسلام شلیداً آن را رد می‌کند. اگر چه برخی هم در اثر جهل مرکب چنین می‌پندارند که اسلام فرزند پسر را سبب شرافت می‌داند. اگر واقعاً این چنین بودنبی‌اکرم (ص) از داشتن فرزند دختر مضطرب می‌شدند. از اینکه تنها وارث و یادگار ایشان فقط یک دختر است، دچار اندوه می‌گردیدند. درحالی که تاریخ چنین اندوهی را از رسول اکرم (ص) نقل نکرده است. بلکه تاریخ حاکی از احترام و علاقهٔ بیش از حد این پدر و دختر بزرگوار نسبت به یکدیگر است.
۳. برای اطلاع بیشتر به کتاب نظام حقوق زن در اسلام اثر استاد مطهری مراجعه شود.
۴. البته نظر بعضی از علما و فقها متقدمین و متأخرین براین بوده است که زن می‌تواند قاضی شود. مثل مرحوم مقدس اردبیلی. و اما اینکه زن نمی‌تواند قاضی شود نظر مشهور فقها است نه اجماع فقها.
۵. اثبات توحید و عدل الهی از محل بحث ما خارج است. برای آگاهی بیشتر می‌توان به کتب عقیدتی مراجعه نمود.
۶. البته سن بلوغ دختر و پسر در میان فقها اختلاف است و قانون نظر مشهور را مورد نظر قرارداده است، که دختر را دو سن نه سالگی و پسر را در ۱۵ سالگی بالغ می‌دانند. البته قانونگذار مسئله رشد را از قلم انداخته است که رشد هم علاوه بر سن مورد نظر است که دختر اگر بالغهٔ رشیده بود و جرمی مرتکب شد آنگاه مجازات می‌شود. مسئلهٔ رشد در قانون ذکر نشده است اما در عمل اجرا می‌شود.
۷. مثل موردی که حیض و حمل جمع می‌شود.
۸. اگر زن مکره باشد، حدّ زنا از وی برداشته می‌شود.
۹. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب تحف العقول رساله حقوق امام سجاد (ع).
۱۰. چون تعیین مقدار کارکرد فرد مشکل است، لذا اسلام خود مقدار دبه را معین فرموده است.
۱۱. البته شاید در جواب گفته شود که فقط ایران دارای قوانین اسلامی است. بده، این چنین است. قانون، اسلامی است. اما در مرحلهٔ عمل، تمام قضات عادل نیستند و این ظلمها جز با ظهور امام زمان (عج) برداشته نخواهد شد. چنین ظلمهایی حتی در زمان حکومت علی (ع) و نبی اکرم (ص) وجود داشته است.
۱۲. البته در اسلام در مرحلهٔ کمال، جنسیت مطرح نیست. جنسیت برای بعد زندگی حیوانی و دنیوی انسانی است نه کمالات معنوی. و فقط در این امور دین جنسیت مطرح است.

### منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیرالمیزان مرحوم علامه طباطبایی ره
- ۳- زن در آینه جلال و جمال آیت الله جوادی آملی مدظله العالی
- ۴- نظام حقوق زن در اسلام شهیداستاد مطهری
- ۵- تحف العقول ابو محمد الحزازی ره
- ۶- اللهم الدمثیه شهید ثانی
- ۷- تحریرالوسیله امام خمینی ره
- ۸- توضیح المسائل مطابق با فتاوی امام خمینی ره
- ۹- بهشت خانواده دکتر سیدجواد مصطفوی
- ۱۰- قانون جزایی فرج الله قربانی
- ۱۱- روح زن جینا لبروزو
- ۱۲- بعض مطالب از بیانات اساتید حوزه علمیه قم در ضمن تدریس استفاده شده است.
- ۱۳- کتاب واجب و حرام آیت الله مشکینی
- ۱۴- حقوق خانواده سیدمصطفی محقق داماد

در ذیل این عنوان آمده است در مادهٔ ۷۶: «قانونگذار نه تنها شهادت زنان را به تنهایی مردود دانسته است، بلکه شهادت زنان را به انضمام شهادت یک مرد عادل مشمول مجازات حد قذف در مورد شهود تشخیص داده است.»

اولاً این قانونگذار که چنین قانونی وضع کرده است، خداوند بوده است و درجایی که خدای سبحان می‌فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم» ما انسانها را کرامت دادیم که این انسان شامل دو جنس زن و مرد است و رسول گرامیش می‌فرماید: «ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهن الا لثیم» زنان را جز افراد بزرگوار و کریم مورد کرامت قرار نمی‌دهند و به زنان اهانت نمی‌کنند جز افراد پست و فرومایه، پس دیگر جایی باقی نمی‌ماند که گفته شود اسلام زن را بی‌ارزش دانسته است. بلکه روشن می‌شود که معیار ارزش از نظر عقل ناقص بشری و از نظر کمال بی‌انتهای ربوبی متفاوت است و مسلم است که علم الهی بر عقل ناقص بشری ترجیح دارد این به دلیل عقل ثابت است.

ثانیاً چون این مورد از موارد بسیار حساسی است که پای مرگ و زندگی و آبرو و حیثیت فردی و خانوادگی در میان است و مسائل و عواقب بسیار حساس و خطرناکی را در پی دارد لذا شهادت دو زن مورد قبول است و از سوی دیگر زنان دارای یک سری عواطف هستند که خیلی سریعتر تحریک می‌شوند از سوی دیگر به فرمودهٔ قرآن مجید دچار نسیان می‌شوند: «فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان ممن ترضون من الشهدا ان تضل احدیهما فتذکر احدیهما الاخری. یعنی اگر دو مرد نبودند برای شهادت پس یک مرد و زن از کسانی که شهادتشان مورد قبول است (یعنی عادل باشند). که اگر یک زن فراموش کند، دیگری او را تذکر بدهد.» زنان به علت اینکه درگیر امور خانه هستند احتمالاً نسیان بیشتری دارند.

مثال:

به عنوان مثال هر مخترعی از قواعد و کیفیت اختراع خود بهتر از دیگران آگاه است. این سخن مورد تأیید عقلاء است خداوند نیز خالق بشر است و از خصوصیت این بشر آگاهی بیشتری دارد تا خود بشر. لذا خداوند این خصوصیت زن را بیان فرموده است و این به معنای بی‌ارزشی نیست. آن چیزی ارزش است که ارادی باشد نه غیرارادی.

گذشته از مطالب فوق، تحقق چنین حکمی بسیار بسیار بعید وقوع است. چون شهادت یعنی کسی که به چشم خود صحنهٔ گناه و مورد نظر را دیده باشد و دو فرد مجرم را کاملاً بشناسد. در ضمن فرد شاهد باید عادل باشد تا شهادت وی مورد قبول واقع شود و چهار شاهد با چنین خصوصیت باید فراهم شود. شاهدانی با چنین خصوصیت چقدر می‌تواند تحقق یابد!!! مسلماً بسیار کم و انگشت شمار و شاید از صدر اسلام تاکنون موارد آن از تعداد انگشتان دست متجاوز نباشد لذا این نابرابری به طور طبیعی ایجاد می‌شود چه این قانون باشد یا نه.

مواردی هم وجود دارد که حتی با توجه به شهادت چهار شاهد عادل حد زنا از زن برداشته می‌شود و آن موردی که زن به گناه مکره بوده است اعم از اینکه جانش در خطر بوده است یا به اجبار بوده است.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

# ... و اما پاسخ ما

## مقدمه اول:

ناقد محترم به مقدمه مقاله «جایگاه زن در قوانین کیفری ایران» توجه نکرده و تذکرات نویسنده را از نظر دور کرده است. چون از پیش، چنین واکنشی از سوی افکار تربیت شده به این شیوه انتظار می‌رفت، در آنجا صریحاً قید شده بود که منظور از قانونگذار، شارع نیست. مع الوصف مورد تغافل ایشان قرار گرفته است. در رژیم سابق قانون مدنی ایران از فقه امامیه و برمبنای آرای مشهور فقیهان توسط عده‌ای کارشناس حقوقی و دینی تدوین شده و هیچ موردی از موارد قانون مدنی خلاف دستورات اسلامی (شیعی) نبوده است. این سخن ناقد از سرکم اطلاعی ایشان از حقوق ایران است.

پس از انقلاب در قانون مدنی تجدید نظر کامل نشده بلکه چهار مورد اصلاح، سه یا چهار مورد الحاق و توضیح به صورت ماده واحده، یک مورد اظهار نظر شورای نگهبان در روزنامه رسمی درج شده است که در پاره‌ای از موارد قانونگذار به قانون سابق عدول کرده و اصلاحیه سال ۶۱ را ملغی نموده است. همچنین در حقوق ایران، «قانون مدنی حقوق خانواده» وجود ندارد.

## مقدمه دوم:

ناقد محترم نوشته است: «ادله اربعه مشتق از وحی الهی و عصمت معصومین است و فروع دین که شامل احکام و فروع اسلامی است تقلیدی و تعبدی محض می‌باشد». سپس در تعریف ادله اربعه نوشته‌اند: «شامل کتاب (قرآن)، سنت (احادیث و روایات رسیده و تقریر معصومین) ع، اجماع فقها و عقل است (البته عقل فقها و نه عوام)». جای تعجب است یک نفر که ظاهراً تحصیل کرده حوزه است این همه از اصول الفقه و حدیث شناسی بی‌خبر باشد و این همه برخورد مطمئن، که فتوایی دقیقاً خلاف مشهور صادر کنند. تعریف درست ادله اربعه چنین است: کتاب، سنت (قول و فعل و تقریر معصوم) ع، اجماع و عقل؛ که اجماع و عقل دلیل مستقلی در عرض دو دلیل اول نیست بلکه اجماع و عقل طریق اثبات احکام است که مرجع و مستند اساسی به شمار می‌رود. اجماع وقتی حجّت است که کاشف سنت باشد و طریق وصول به سنت است. عقل وقتی حجّت است که شرع حکم آن را امضا کند: «کل ما حکم بالعقل حکم به الشرع = هر چه عقل در باره آن قضاوت می‌کند باید شرع امضا کند». قید عقل فقیهان نیز فتوای تازه‌ای است که می‌شنویم. عقل، فقیه و غیر فقیه نمی‌شناسد خصوصاً اگر در تشخیص موضوع معتقد به اجتهاد مکلف باشیم چنان که جمع زیادی از مراجع و اساتید حوزه‌ها چنین گفته‌اند.

ناقد خواسته ما را از پژوهش در مسائل حقوقی برحذر دارد و چون

آنچه ما را به انتشار این نامه راغب کرد این بود که هنوز هم علی‌رغم همه پژوهشها و دریافتهای علمی دنیای امروز در باره تفاوت‌های جنسی زن و مرد و عدم تأثیر قطعی آنها در شکل‌گیری استعدادها و تواناییهای این دو جنس و تأثیر مخرب و بازدارنده تبعیضهای جنسی در رشد و پیشرفت آنها به طور خاص و خانواده و جامعه به طور عام، هنوز هم نگرشهایی وجود دارند که با یک حکم کلی زن را (نوعاً) محتاطتر و ترسوتر از مرد و موجودی نیازمند دوست داشتن و لاجرم تابع قهری دیگران می‌دانند و جالب‌تر اینکه علی‌رغم حضور گروه کثیری از زنان برنامه‌ریز در خانواده و جامعه و با وجود کثیری از مردانی که با سوءمدیریت و عدم قدرت برنامه‌ریزی اثر سوء عملکرد خود را در بسیاری سطوح باقی می‌گذارند، یکسویه نتیجه‌گیری شده که مردها عملیتر فکر می‌کنند و سازمان دهنده بهتری هستند. البته در فرصتی کوتاه و مجالی اندک نمی‌توان انتظار داشت همه جوانب مطرح شده در نقد، به طور مبسوط پاسخ داده شود ولی از آنجا که حال و هوای نقد کاملاً با مقتضای سخنرانی علمی خانم مهرانگیزکار بیگانه بود و چنین استنباط می‌شد که ناقد مفهوم و پیام آن را در نیافته و دچار شبهاتی شده که ناشی از عقاید ایشان است. قبل از ورود به بحث، کوتاه و گذرا دو نکته یادآوری می‌شود:

- ۱- روش بحث ما بر محور همان شیوه نگارش نقد است و در عناوین بحث به عناوین نقد اشاره خواهیم کرد.
- ۲- یادآوری می‌شود فلسفه تراشیها و تعلیلهای تراویده از اندیشه اندیشمندان معاصر و احیاناً ناقد محترم، دقیقاً خلاف جهتی است که خود در مقاله به نقد آورده است. ایشان احکام و فروع را تعبدی می‌داند اما خود برای توجیه و تفسیر آن علل استحسانی محضی ارائه داده است. ایشان از مخالفت با مشهور برحذر داشته و خود مکرر مرتکب این خلاف شده است و ...



● به تعبیر قرآن و سنت، زن و مرد از ماده‌ای نجس و متعفن آفریده شده‌اند. پس چرا باید در جامعه به گونه‌ای متمایز با زن رفتار شده و صنفی بر صنف دیگر سلطه پیدا کند و زور بگوید؟

و چراها را به حساب اصول اسلام بگذارد اما خود به راهی رفته که ما را می‌کشاند و فتوایی صادر کرده که خلاف عامه فقیهان اسلامی است و تا به حال سابقه ندارد. در کجای فقه اسلام آمده که ادله اربعه (بماهی اربعه) مشتق از وحی الهی و عصمت معصومین ع، است؟ و چه کسی تا به حال گفته احکام و فروع اسلامی تقلیدی و تبعیدی محض است؟ شاید بتوان این سخن را از قول اخباریان برداشت نمود اما نمی‌توان بر فقیهان بست که اگر چنین باشد باب اجتهاد مسدود خواهد بود!

هیچیک از احکام و فروع اسلامی تبعیدی و تقلیدی محض نیست. مجتهدان در اول رساله‌ها همانا باز یافت حکم خدا را به سه چیز می‌دانند: ۱- اجتهاد ۲- تقلید ۳- احتیاط. فتوای انحصار وصول مکلف به تکلیف الهی در تقلید محض، چیزی است که تا به حال احدی بدان «تقوه» نکرده است.

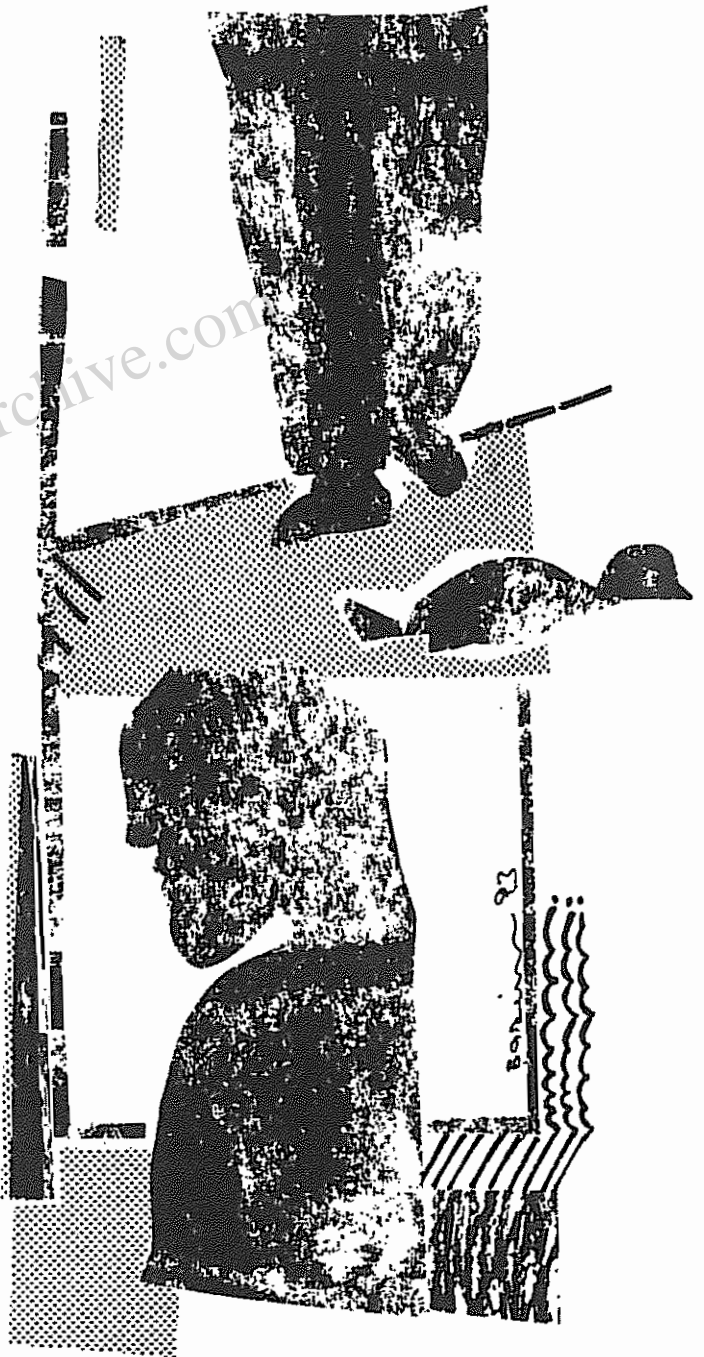
اگر قرآن باشد بحث از قوانین موضوعه و مسائل فقهی خدشه در کیان اسلام باشد هیچ فقهی نباید دست به تحقیق بزند و فتوایی صادر کند. اصولاً اسلام از مکلفان، تحقیق و اجتهاد خواسته و اصل اولیه همین است. اما از آنجا که تحقیق در فروع از همه مردم ساخته نیست راه دیگری به روی مردم گشوده و تقلید را اجازه داده است و همین مقلد هرگاه بتواند استنباط کند باز وظیفه او طبق همان اصل اولی اجتهاد است.

اگر منظور ناقد از تبعید، سر سپردگی در برابر مجموعه دین و فرمان خدا است اولاً ربطی به موضوع ندارد و ثانیاً نمی‌توان چنین روحیه‌ای را از یک سخنرانی یا مقاله (به اثبات و نفی) برداشت نمود.

#### مقدمه سوم و چهارم:

ناقد نوشته‌اند: «اولاً باید مقام والای زن در اسلام و قرآن را مورد عنایت قرار داد.» چنین بایندی را در اینجا نمی‌پذیریم و هیچ ربطی میان این دو موضوع وجود ندارد. در متن سخنرانی آنچه در قانون بوده گزارش شده است. وانگهی ایراد ناقد، به قانونگذار بر می‌گردد که مقام زن را در قانون خود نیاورده است، نه به گزارش که از آن خبر داده است و شما که مدعی هستید مقام والای زن در اسلام و قرآن را مورد عنایت قرار داده‌اید نوشته خود را از همین قوانین برگرفته‌اید. در این صورت دچار یک دور باطل شده‌اید. گذشته از این: منظور از مقام و جایگاه زن یا مرد هم مقام ظاهری و مادی، و هم معنوی و باطنی است. در قرآن و سنت جسم و تن آدمی تکریم شده است. از جمله می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم. ثم رددناه اسفل سافلین.» (سوره

تین ۵-۴)



## ● ریشه فرهنگی نابرابریها در افکاری چون افکار ناقد است که اعتقاد دارد مرد می‌تواند بی‌حیا باشد و به شیو

### مقدمه هفتم:

ایشان نوشته‌اند: «قبل از ورود در فقه و قوانین مدنی اسلامی، (که باز همان فقه است) باید وارد مسائل اعتقادی و اصولی اسلام شد. بعد از اعتقاد به توحید صفاتی و عدل الهی که هر دو از اصول دین محسوب می‌شوند می‌توان وارد فقه شد».

ناقد در اینجا نیز جزماً به رأی خود فتوا داده است و سخنان اصولیان و فقیهان را در باب اجتهاد و تقلید و شرایط فقیه، مجتهد و مرجع نادیده گرفته است، و به فرض آن که رأی ناقد را به عنوان شرطی از شرایط باب اجتهاد بپذیریم باز دارای اشکال است زیرا اولاً دلیل اصلی آن شرایط سیره عقلا است و در سیره عقلا تفاوتی میان معتقد و غیر معتقد دیده نمی‌شود، ثانیاً بعضی از فقیهان به جز قید عدالت چیز دیگری را شرط نمی‌دانند. پس اگر شخصی طبق اسلوب فقهی موجود،

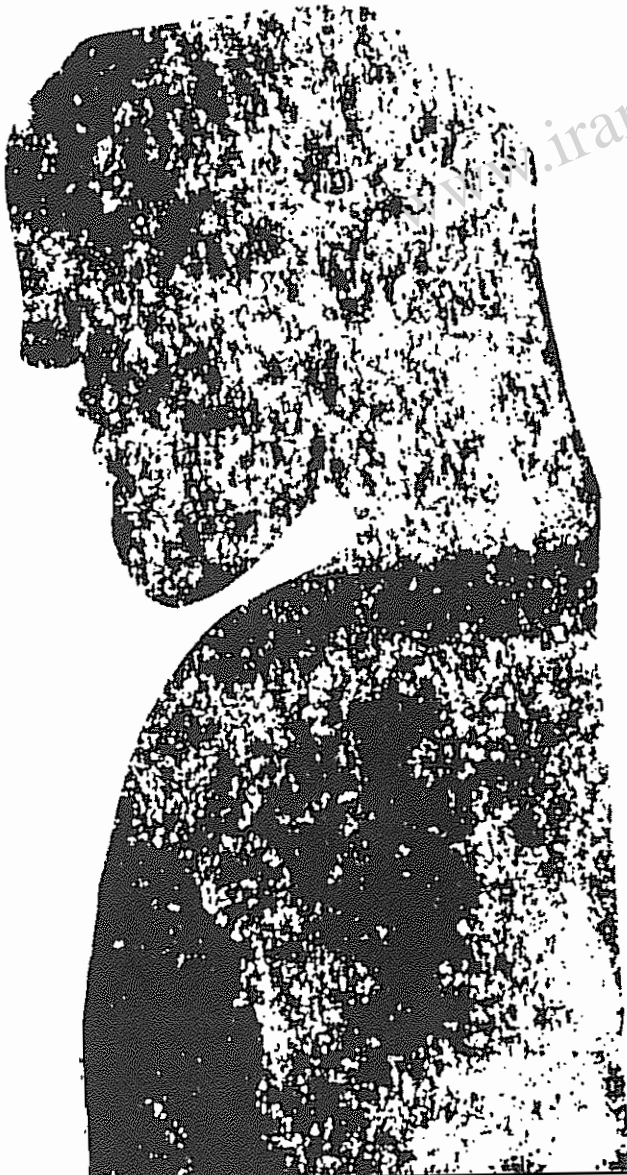
«و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناه فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر متن خلقنا تفضیلاً.» (آیه ۷۰ اسراء)  
و خدا این تن آدمی را می‌خرد و مزد می‌دهد: «إن الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و عدا علیه حقا فی التوراة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا بیعکم الذی بايعتم به و ذلك هو الفوز العظیم.» (۱۱۱ توبه)

و همین تن آدمی مورد پاداش و کیفر است و معاد مربوط به همین تن است و اصولاً بیعت که در قرآن مطرح شده (هم از سوی زنان و هم مردان) به معنی فروش جان است و هدیه کردن آن در راه خدا. آنجا که نفس انسانی برتری می‌یابد جایی است که میان تن سفید و تن سیاه و تن ایرانی و تن عرب مبارزه و کشاکش ارزشی باشد. در اینجا دین ملاک برتری را تقوی می‌داند نه تن سفید و گرنه تن سفید و سیاه هر دو ارزشمند است و هر دو خریدنی و تکریم شده. سؤال اینجاست که این تن شرافتمند، خصوصاً در زن، چرا برخلاف مقررات اسلامی باید تو سری خور باشد؟ چرا حقی که خدا به او عنایت کرده، به وی داده نمی‌شود؟ به تعبیر قرآن و سنت، نسل انسان چه مرد یا زن از ماده‌ای نجس و متعفن آفریده شده و در بدایت وجودش، طبق نظر قرآن، از یک گل و یک سرشت بوده. چرا باید در جامعه به گونه‌ای متمایز با او رفتار شود و او را دوگونه قیمت گذاری نموده و به دو شیوه ناعادلانه محک زنند؟ و چرا باید صنفی بر صنف دیگر سلطه پیدا کند و زور بگوید؟

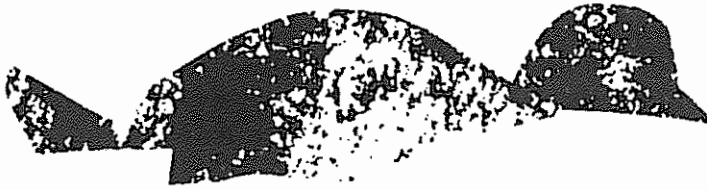
### مقدمه پنجم و ششم:

مباحثه علمی با کسانی که آسمان و ریمان را به هم می‌بافند و در هنگام شکست در استدلال منطقی سخن را به اصول و کیان اسلام می‌کشانند، بیهوده است اما علی‌رغم این نکته اظهار می‌داریم که ما تفاوتها را در حد امور واقعی و مشهود منکر نیستیم. سخن از این است که آیا تفاوت فیزیکی می‌تواند عامل نابرابری باشد یا نه؟

عقل سلیم اگر عقل فقیهان باشد، که به نظر ناقد چنین است، استدلال به سخن لمبروزو و کلیودالسون فاقد ارزش است و اگر عقل هر اندیشمند محقق منظر است، باید گفت که تمام اندیشمندان چنین نظری ندارند. نقل قولهای ایشان یک استقراء ناقص در اثبات فرضیه‌ای است که در دانش روان‌شناسی مطرح شده و کاملاً و به طور عموم قابل اثبات نیست. همان روان‌شناسان، حد متوسط را در نظر خود مطرح کرده بودند و نیز از استثنائاتی یاد نموده‌اند و راهی برای نقص تئوری خود گشوده‌اند. گذشته از این شارح مقدس چنان که در نهایت مقاله مثال آورده‌اید به رمز و راز انسان آگاه است پس او مثل بشر قانونگذار، نوع را مدنظر نمی‌گیرد بلکه همه افراد را در نظر می‌گیرد. قانون خدا تبصره ندارد و شامل همه افراد بشر می‌شود. بنابراین چگونه بر مبنای یک تئوری اثبات نشده که فراگیر نیست قضاوت کنیم و حق بسیاری از زنان را ضایع سازیم و در ملاک قانونگذاری به دانش بشری تکیه کنیم؟!



استدلال ایشان لابد می‌تواند هر عمل منافی عفتی مرتکب شود.



مشهور حق است و لازم‌الاتباع و برای مجتهد دیگر یا مقلدان یقین می‌آورد (گرچه با تعبد).

اگر شهرت و اجماع بدین پایه اعتبار داشته باشد باید رأی برادران اهل سنت در اکثر موارد پذیرفتنی باشد (خصوصاً در باره خلافت) و حال آن که ناقد و همفکران او از این موضوع گریزانند! مگر آن که شهرت را تقسیم‌بندی کنیم و شهرت اهل سنت را فاقد اعتبار بدانیم! تبعیت از مشهور همان چیزی است که در قرآن محکوم شده و آن را «سنت آبائنا الاولین» خوانده است. آیا هر چه پدران ما و مشهور مردم انجام داده‌اند ما هم باید انجام دهیم یا خدا از ما تدبیر و تفکر خواسته است؟

در حقانیت آرای فقیه، مطابقت با مشهور، شرط پاداش گرفتن، معذرت و حجیت نیست. بلکه اموری چون: انطباق با روح اسلام، سازگاری با قوانین طبیعی و فطری، مشکل‌گشایی از کار مردم و این که خلاف عقل نباشد و موجب وهن اسلام نشود و قابل عمل بودن و... تأثیر دارد. گذشته از این اولین فردی که یک رأی ویژه اظهار می‌کند از چه کسی پیروی کرده؟ آنجا که مشهوری نبوده و شهرت، به عوامل چندی، پس از او به وجود آمده؟ از کجا معلوم آرای که شما بدان اشاره می‌کنید مشهور باشد؟ خیلی از ادعاهای اجماع و شهرت اصلاً مبنایی ندارد و نفقات اندکی را شامل می‌شود. آیا پیروی از یک جمع معروف و چهره‌های شاخص علمی (مشهور عالمان) تقلیدی کورکورانه نیست؟ شما فکر نمی‌کنید این افکار بوده که راه توسعه را بر ما بسته است؟!

در پایان برای ناقد محترم، رأی مشهور مرحوم میرزا محمد حسن شیرازی، آخوند محمد کاظم خراسانی، آقا سید محمد کاظم یزدی و جمع دیگری را که فتوای نامه آنان اشتراکی است می‌آوریم: «مسأله: جایز نیست عمل کردن به قول مشهور، مگر در وقتی که موافق با احتیاط باشد یا آن که فتوای مجتهد حتی به دست نیاید و احتیاط هم ممکن نباشد. در این صورت عمل به مشهور جایز است.» آقا سید کاظم طباطبایی صاحب عروة بر جمله «در این صورت جایز است» افزوده: «لکن بعد از رجوع به مجتهد حتی اگر مطابق فتوای او نیست اعاده یا قضا کند.»

### نابرابری در کیفیت اجرای حدّ زنا:

(ماده ۱۰۲)

اولاً: در سخنرانی نابرابریها گزارش شده بود چنان که از ارفاقها نیز سخن گفته، و به فلسفه آن نپرداخته بود.

ثانیاً: تعلیل ناقد را نمی‌پذیریم زیرا: الف) احکام اسلام به گفته ایشان تعبّدی محض است و تعلیل از مغز ناقص بشری بر نمی‌آید. ب) این فرق و تمایز، گفته سخنران را مورد تأیید قرار می‌دهد زیرا زن اگر بخواید فرار کند چون تا سینه در خاک فرو نشانده شده، نخواهد توانست. ولی مرد قوی پنجه به سادگی فرار خواهد کرد زیرا که کمتر از

آرای درست (و به رأی ناقد طبق مشهور) استنباط کند اما مسلمان هم نباشد پذیرفته می‌شود. پیش‌داوری ناقد را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که فرض را بر بی‌توجهی سخنران به مسائل زیربنایی نهاده است. در حالی که سخنران بر مبنای اعتقاد خود به عدالت الهی، نابرابریها را از ساحت قدس ربوبی دور می‌داند و نمی‌پذیرد که انسانها در برابر او تمایز داشته باشند.<sup>۱</sup>

نکته‌ای که نشان از تعصب و پیش‌داوری ناقد محترم دارد این است که ایشان از ابتدای مقاله قانون مدنی ایران را مستنبط از آرای برادران اهل تسنن یا اصلاً خلاف دستورات اسلام دانستند اما اینجا قوانین مدنی اسلامی را همان فقه که باید پیش از آن با اعتقاد به اصول دین به طرح آن پرداخت، قلمداد می‌کنند.

پس از این مقدمات وارد بحث اصلی می‌شویم و به شیوه ترتیب نوشته ناقد به پاسخگویی می‌پردازیم:

### کتاب اول / باب چهارم:

(ماده ۴۹ و تبصره اول)

رشد عقلی دختر نه ساله را به مقدار یک پسر ۱۵ ساله، غیر علمی و مردود می‌دانیم و این بحثی است که هم اکنون فقیهان و عالمان بسیاری بر سر آن بحث و تحقیق دارند.

در پاراگراف همین موضوع ناقد فتوای عجیبی صادر کرده و قید رشد را شرط کیفر نهاده است چیزی که تا به حال نشنیده‌ایم و هیچ حقوقدان و فقهی بدان نظر نداشته است. ناقد، تجدید نظر و مخالفت با رأی مشهور را غیرممکن و با مخالفت با فرمان خدا هم سنگ می‌داند. این دقیقاً شرک است همان چیزی که خود بدان استدلال نموده از ارتکابش انذار می‌کند که رأی و اندیشه بشری را فرمان خدا می‌داند و در برابر آن از مردم تعبد و قبولی می‌طلبد.

امام خمینی در آرای خود زمان و مکان را دخالت دادند و مسایلی از قبیل شطرنج بازی را مطرح فرمودند که بر خلاف رأی مشهور و روایات ظاهراً صحیح است و این سخن ناقد دقیقاً بر خلاف رأی ایشان است.

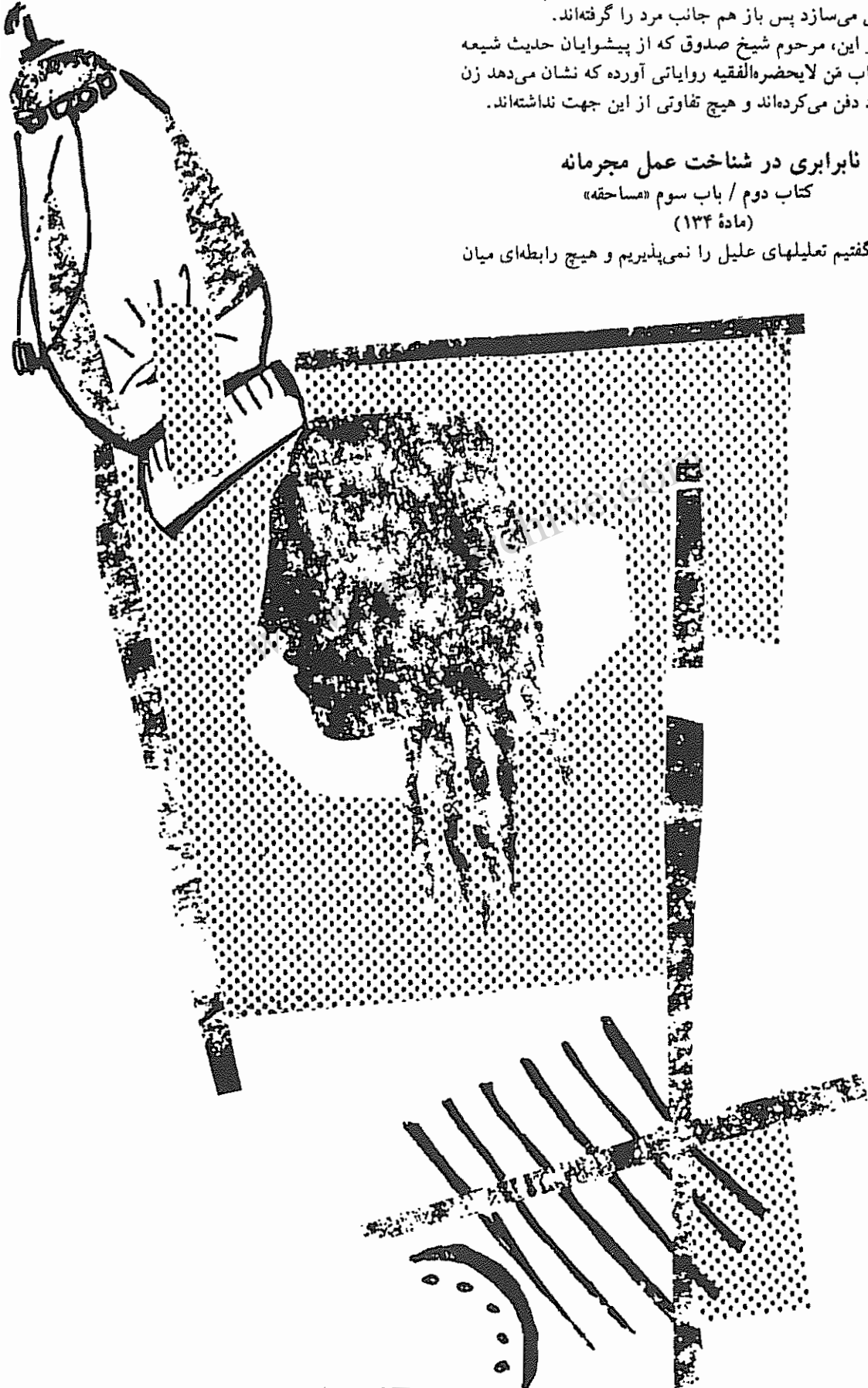
و اما در باره رأی مشهور، باید توجه داشت که اسلام دین فطرت است و قانونگذار در اینجا خدا است که از همه چیز خبر دارد. حکم او به رأی گیری اثبات نمی‌شود و کثرت و شهرت سخن، در هیچ موردی نشان دهنده حقانیت آن گفته نخواهد بود. شهرت راهی است که به طور «ظن» در یک قضیه جانب اندیشه‌ای را بر جانب دیگر می‌چرباند و رجحان می‌بخشد، تا برای مجتهد معذّر و برای پیروان او حجّت باشد اما چنان نیست که دین برای رأی مشهور حساب خاصی باز کرده و مردم را ولو خود صاحب رأی و اجتهاد باشند به قبول آن بخواند. در خیلی از موارد رأی مشهور اشتباه است و رأی دیگر فقیهان صواب و درست. در مباحث اصول الفقه پنبه این سخن (حجّت شهرت) زده شده و عدم دلالت آن محرز گردیده است. هیچ فقهی تاکنون نگفته که رأی

زن به خاک فرو رفته است. و این ستمی است بر زن مظلوم که مرگ را برای او حتمی می‌سازد پس باز هم جانب مرد را گرفته‌اند. گذشته از این، مرحوم شیخ صدوق که از پیشوایان حدیث شیعه هستند، در کتاب من لایحضره الفقیه روایاتی آورده که نشان می‌دهد زن را نیز مثل مرد دفن می‌کرده‌اند و هیچ تفاوتی از این جهت نداشته‌اند.

### نابرابری در شناخت عمل مجرمانه

کتاب دوم / باب سوم «مساحقه»  
(ماده ۱۳۴)

چنان که گفتیم تعلیلهای علیل را نمی‌پذیریم و هیچ رابطه‌ای میان





تعلیلهایی از این دست و نابرابری قانونی نمی‌یابیم. نابرابری در قانون وجود دارد، چه این علتها را بپذیریم یا نه. ناقد بهتر است برای نابرابریها فکری بیندیشد و پاسخ دهد که چرا قانونگذار ایرانی برای دو مرد مجرد این حکم را قید نمی‌کند و حال آن که فقیهان بدان فتوی داده‌اند.<sup>۱</sup>

اگر چه روشن است که ریشه فرهنگی نابرابریها در افکاری چون افکار ناقد است که اعتقاد دارد مرد می‌تواند بی‌حیا باشد و لابد به شیوه استدلال ایشان می‌تواند هر عمل منافی عفتی را مرتکب شود. آری، این چنین است که از کودکی به مردان ما تفهیم می‌شود که می‌توانند عناصری لایابالی و بی‌بندوبار باشند و همه گونه فسق و فجوری برای آنان مباح و حتی حلال است.

خود می‌بخشد نه ارزش مادی. و اگر چنین باشد باز هم اشکال به حال خود باقی است که چرا در ارزشگذاری مادی زن به نصف مرد تقویم یا به تعبیر ناقد ارزش کار کردش کم تعیین شده است. و این حکم قرآن نیست بلکه برداشتی فقیهانه از روایات متضاد در این مورد می‌باشد که توسط اندیشمندان اسلامی صورت گرفته است. (در این باره از شماره ۱۳ به بعد این مجله بحثی خواهد آمد.)

فلسفه دیه را نمی‌توان برای تأمین خسارات آینده تعیین کرد چه آن که قانونگذار این حکم را برای کوچک و بزرگ، عاقل و دیوانه، صحیح و معلول، یعنی برای همه در نظر آورده است. چه منافعی داشته باشند یا نداشته باشند.

دیه یک قانون بازدارنده است نه تأمین کننده خسارات ناشی از

## ● چنان نیست که دین برای «رأی مشهور» حساب خاصی باز کرده و مردم را ولو خود صاحب رأی و اجتهاد باشند به قبول آن بخواند.

### نابرابری در سقوط حق قذف:

(ماده ۱۶۱)

بخشی از پاسخ آن در چند سطر پیش آمد. علاوه بر آن در فقه اسلامی برای مردی که زنش را در حال زنا مشاهده کرده و او را کشته است مجازات قصاص آمده و فلسفه آن را چنین گفته‌اند که ادعای او به زنا یک دعوی جداگانه است و طبق موازین فقهی نیازمند اثبات است و چون چهار شاهد عادل ندارد تا بر زناي زن گواهی دهند قصاص می‌شود.

تعلیل ناقد وقتی درست است که بر موضوع واحدی قرار گیرد ولی در اینجا با دو موضوع متمایز مواجهیم: قذف و سپس لعان. گزارش سخنران به قذف و توجیه ناقد به لعان مربوط می‌شد و این دو اصلاً به هم ربطی ندارند. گذشته از این، با شاید و اگر و ممکن است و امثالهم کار به انجام نمی‌رسد و ستم به عدل بر نمی‌گردد. سخن بر سراسول و آیین نامه دادرسی کیفری اسلامی است، نه لیت و لعلن مدافع مصری چون ناقد.

### نابرابری در مجازات حد قذف:

(ماده ۱۲۹)

سؤال این است که چرا سقوط حد فقط در باره پدر و جد پدری آمده؟ مستند این رأی چه بوده است؟ و آیا رأی فقیهان را در این مورد می‌توان حکم خدا و دستور اسلام دانست؟

صرف تعظیم و بزرگداشت مقام زن، آن هم به صورت شعار، بی آن که عملی به دنبال آورد دردی را دوا نمی‌کند و مشکلی را نمی‌گشاید بلکه آن را دو چندان می‌سازد.

### کتاب سوم / قصاص نفس

باب اول «قصاص نفس»

(ماده ۲۰۹)

منظور از ارزش، امری اعتباری است که قانون به پیروان و تابعان

دست دادن سرپرست که اگر چنین باشد حقوق افراد زیان دیده بسیار تفاوت خواهد داشت. بدیهی است جان یک کودک با جان یک دانشمند برابری ندارد و اگر بخواهند خسارت مرگ دانشمند را برآورد و جبران کنند با دیه او مطابقت نمی‌کند که اولاً هزینه‌های هنگفتی صرف پرورش او شده و ثانیاً منافع مادی بی‌شماری را پدید می‌آورده است اما کودک علاوه بر آنکه هزینه چندانی ندارد منافعی هم از او متصور نیست و آینده‌اش را نمی‌توان ملاک عمل قرار داد. شاید بمیرد، شاید بیکاره شود و شاید مرتد یا کافر گردد و خونش به هدر رود.

### نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم / باب اول «کیفیت استیفای قصاص»

(ماده ۲۵۸ و ۲۷۳)

پاسخ این سخن خود را در این مورد از زبان یکی از صاحب نظران دینی در همین مجله از شماره ۱۳ به بعد بخوانید. گفتنی آن که شما نیز نابرابری را پذیرفته‌اید و در توجیه آن به فلسفه تراشی و تعلیل روی کرده‌اید. نویسنده هم جز این مطلبی ننوشته بود. بنابراین نزاع شما لفظی است و موضوعی نخواهد داشت. در مورد وجود دو حق متمایز که ناقد عنوان کرده بود می‌گوییم که جز یک حق، یعنی حق استیفاء و دادخواهی، چیز دیگری وجود ندارد و در مورد حق دوم اساساً بحث و مناقشه است و برگرفته از رأی که حاصل استنباطهای فقهی بعضی از فقیهان اسلامی است نه همه آنان.

چون مبنای شناخت ما قرآن است می‌گوییم مقام زن تنزل کرده زیرا در قرآن سخن از تفاوتها و فرو نهادنها نیست. فرق قیمت‌گذاری با ارزش کارکرد در چیست و ثمره این تفکیک در کجا ظاهر می‌شود؟ و اگر ارزش کارکرد مورد نظر قانونگذار بوده چرا برای مردان مزاحم جامعه و بچه‌ها ارزش کارکرد به میزان دوبرابر زنان مخترع و اندیشمند در نظر آمده؟

نام آن را هر چه می‌خواهید بگذارید، نمی‌توانید بر تفاوت و نا هم سنگی سرپوش بگذارید. در اینجا مقام زن چنان تنزل دارد که مشهود همه مردم (کالتار علی المنار) است.

● بعضی مردان شما را به ارزش معنوی حواله می دهند و در آنجا نیز پای شما را در پوست گردو می گذارند و مانع رشد شما می شوند و هزار و یک عیب و ایراد پدیدار می کنند.

### نابرابری در ارزش خبرگی زن و مرد (ماده ۴۵۹)

از نظر ناقد چه چیز ملاک ارزش و بها است؟ تقوا، که مردان بیشتر دارند! و در امامتها اولی ترند؟ مقامات معنوی که با هزاران قید و بند مردانه همراه است و زن را بر آن دستی نیست؟ از آن همه آیه و روایتی که اشاره کرده اید چند مورد را بیان می فرمودید و نیز به روایاتی که پاداش زنان را در امور معنوی نصف مردان می داند هم اشاره می کردید و به شأن نزول، توجیه و تفسیر و بررسی اسناد آنها نیز می پرداختید.

بعضی مردان شما را به ارزش معنوی حواله می دهند و در آنجا نیز پای شما را در پوست گردو می گذارند و مانع رشد شما می شوند و هزار و یک عیب و ایراد پدیدار می کنند. این همه زن در طول تاریخ حیات اسلامی ظهور و افول داشته اند. چه درصدی از آنان موفق شده اند از موانعی که بر سراهشان پدید آورده اند، بگذرند و به مقامات بالا والایی در حد مردان برسند؟

آیا نشنیده اید که در روایت آمده: «کمل من الرجال کثیر ولم یکمل من النساء الا مریم و آسیه امراه فرعون و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد = مردان بسیاری کمال یافته اند اما از زنان تنها مریم، و آسیه زن فرعون، و خدیجه دختر خویلد، (زن پیامبر اسلام) و فاطمه دختر محمد ص.» و با این جمله ختم مرحله کمال زن اعلام شده است! و دیگر زنی به کمال نخواهد رسید؟ پس شما دنبال چه ارزشی هستید؟ این را به روال منطقی ناقد نمونه آوردیم. (نظر ما این نیست و برای این روایت تفسیر داریم.)

در مقام علم، روایات و آیات فراوانی وجود دارد. اما چندین روایت ظاهراً صحیح السند وجود دارد که زن را از تعلیم برحذر می دارد و همین فقیهانی که شما رأی آنان را برابر با حکم خدا دانسته اید فتوی بر حرمت آموزش زنان داده اند؟! در مورد زن خبره و اینکه باید دوتفر عادل باشند، نظر ما این است که این امر یک قیاس محض است که به مسأله شهادت سنجیده اند و دلیلی قانع کننده بر ادعای خود ندارند.

### یک نابرابری خاص در مجازاتهای تعزیراتی نسبت به زنان

(تبره ذیل ماده ۱۰۲)

در فقه اسلامی برای مرد مثل زن، دستور پوشش مو و دست وجود ندارد اما مرد از حضور بی پوشش منع گردیده است. سؤال این است که چرا برای زن فتوا به حرمت و مجازات داده اند اما پوشش مرد را یک حکم اخلاقی می دانند که رعایت آن ضرورتی ندارد؟ هرگاه بخواهند چیزی را از اعتبار ساقط کنند می گویند اخلاقی و ارشادی است! مگر اخلاقیات و ارشادیات را نمی توان به الزام از مردم بی ادب درخواست نمود؟ چرا باید اخلاق در میان ملتی این قدر فرو نهاده شود؟ تقسیم روایات و متون دینی به اخلاقیات و احکام و... ترسیم اشتباهی است که نسل به نسل بر قوت خود باقی مانده است.

گذشته از این جمعی از فقیهان بزرگ مثل مرحوم میرزای شیرازی صاحب کفایه، صاحب عروة و دیگران پوشش را برای مرد نیز لازم شمرده اند. بنگرید:

«مسئله: در مجلس عزا هرگاه مرد سرخود را برهنه کند، و عالم باشد به نگاه کردن زن نامحرم، واجب است بر او نهی از منکر، و اعانت بر معصیت هم حرام است. و بر زن غیر محرم هم حرام است نگاه کردن بر او.»

منظور سخنران، از تعیین ضوابط، مقررات حقوقی و قانونی است نه اظهار نظرهای شخصی افراد بی مسئولیت و در سخنرانی اساساً از چنین برداشتها و استنباطهایی انذار شده است.

### برابری در دادخواهی

مطالبی که ناقد در این بخش آورده اصلاً ربطی به موضوع ندارد و سر بی صاحب تراشیده است. گذشته از این اگر به روش ناقد سخن بگوییم باید گفت که اولاً: خیلی از بزرگان فقه اسلامی تمکین را در خدمت خانه نیز دانسته اند. پس اگر زن از خدمت سرباز زند مرد حق شکایت دارد و به نظر اینان اگر قانونگذار اینها را در قانون مدنی یاد نکرده از نقاط ضعف آن به حساب می آید. ثانیاً: مقایسه کردن حق شکایت مادر برای دفاع از فرزندان، با مورد خانه داری و بچه داری قیاس مع الفارق است. در اینجا حق همسری و در آنجا حقوق یتیمان مطرح شده است. ثالثاً: از نگاه انتقادی ما مسئله عدم ولایت زن در چنین مواردی مورد خدشه است.

در مورد اجازه شوهر، تعدد زوجات و طلاق نظرات مستدل دیگری وجود دارد که در این نوشته مجال ذکرش نیست و اصولاً در این بحثها مناقشه بسیار رفته است.

### نابرابری در تصدی مسئولیتهای قضایی

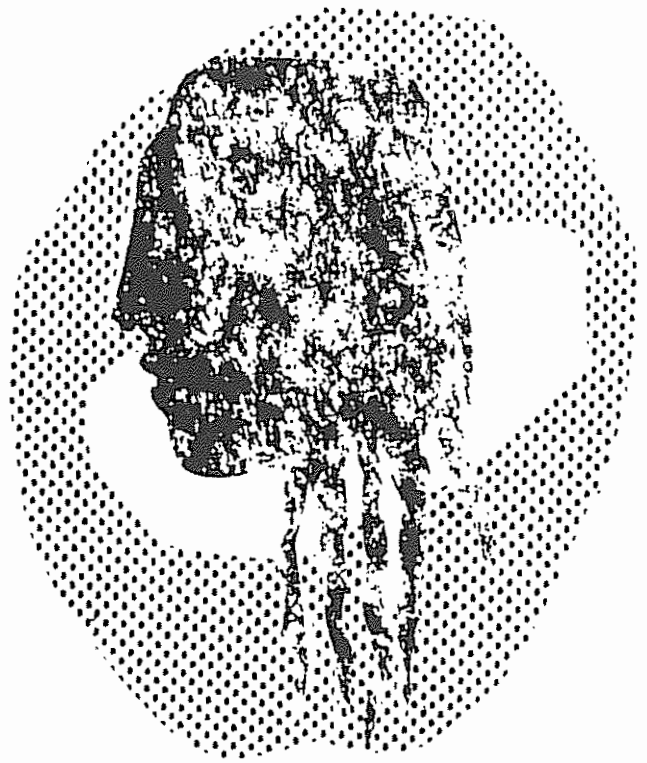
ناقد نظر مشهور فقیهان را در فتوای شرط ذکورت، مطابق قرآن و سنت دانسته است، چیزی که خلاف آن روشن و مبرهن است و استاد شهید مرحوم مرتضی مطهری و مرحوم آیت الله خویی در آن مناقشه داشته اند و هیچ مدرکی در قرآن و سنت بر آن دلالت ندارد.

همچنین ناقد بین ظلم قانونی و رسمی و ظلم مأموران اجرایی قانون تفاوتی نگذاشته است، سخن در این است که قانونگذار نباید در جعل قانون ستم کند یا جانب روی داشته باشد نه آن که مجریان قانون عادل باشند و...

در هر دوره حتی در صدر اسلام متولیان امور دچار انحراف و اشتباه شده اند و ما جز چهارده معصوم نداشته ایم و وجود قانون به نفع زن غیر از تفسیر قانون به نفع اوست. که ناقد در اینجا نیز مطلب را نگرفته و به هم آمیخته است. روشن است که اگر زن در محاکم باشد تفسیرها رنگ دیگری خواهد گرفت و حداقل قضاوتها مردانه نخواهد بود!

ناقد، در مثالی که «من باب نمونه» آورده حکم قاضی را با قانون یکی دانسته است و بنابراین چه انتظار هست که روح مقاله دریافت شود.

در فراز پایانی این عنوان مسائل «ظواهر الظلم» را دور از فهم حقوقدانان و مردم جامعه می داند و خود تصورش را مطرح نکرده است تا عدل نهفته در آن روشن شود!



کرده و مستندش فقه شیعی امامی است و در فقه ش  
در خصوص شهادت زنان مطرح است. سخن ا  
شهادت زن به انضمام مرد برای اثبات زنا ح  
دارد یا نه؟ یک وقت می‌گوییم شهادت زن به  
پذیرفته نیست؛ و یک وقت می‌گوییم اگر  
می‌خورند. ما به این قسمت قضیه انتقاد  
بشری است نه خدایی.

در آیات چهار و ۱۳ سوره نور ک  
سخن از جنسیت به میان نیامده و چ  
خصوصاً که در ادامه آن خدا سوگنا  
شهادت یاد کرده است، پس شها  
هم برابری. این روایات است ؟  
و نیازمند بحثهای دامنه‌داری

موضوع به همین اندازه اکتفا  
ثانیا: اگر زنان سریعتر

این قانون را جاری نمی

معترف، مستحق کیفر

شارح در مورد لعاب

مواردی صرفاً شها

ناقد مثال

ناقص بشر را

فرمانبردار

داریم چا

بج

یادداشت

کجا:

د:

ن ا

### نابرابری در ارزش شهادت

ناقد به دور از اصطلاحات حقوقی، بر جمله «قوانین کیفری ایران»  
اشکال گرفته و چند مطلب را ذکر کرده است که به همان ترتیب پاسخ  
می‌دهیم:

الف: این قوانین اگر چه روح دینی دارد اما در ایران و توسط  
مجامع قانونی ایران تصویب شده و اصطلاحاً به آن قوانین کیفری ایرانی  
اطلاق می‌شود. گوینده این سخن در صدد نفی اسلامی بودن یا اثبات  
ایرانی بودن آن نیست که تنها توجه او در این جا به تصویب و اجرای  
این قانون در ایران است و از نظر حقوقی اطلاق قانون کیفری ایران به  
مجموعه مصوبات محاکم تصمیم‌گیری اشکالی در بر ندارد. فقه شیعی و  
قانون مصوب مجلس شورا هرگز برابر فرمان خدا نیست. ما نمی‌توانیم  
اندیشه‌های بشری را که از کینه مصالح و مفاسد خبر ندارند به پای خدا  
بنویسیم (نعوذبالله سبحانه و تعالی عما یصفون) که اقتزایی محض است و  
عقوبتی سخت دارد.

ب: سخن در قبول یا رد شهادت فردی از افراد جامعه نیست.  
سخن در نابرابری ارزش و اعتبار شهادت بیش از نصف مردم (زنان) را د  
است. سخن در این است که چرا قانونگذار ایرانی شهادت زن را معمه  
همه جا به نصف مرد کاهش داده است در حالی که این را نمی‌توانیم  
دین اسلام منسوب نمود. چه آن که تنصیف شهادت زنان در جا  
خاصی است و آن هم با فلسفه و تعلیلی روشن که...

حاکم  
بی‌ارزشی ادعا، مدعی و کذب ادعا ربطی به اعتبار آن او  
ندارد. بحث در تعدد شاهد بود و قیودی که قانونگذار را به پای  
نهاده است. آنان که به تعبیر ناقد «غیر از این تصور دارند بی‌باز  
هستند که زبان خدا را می‌فهمند و اجازه گرفته‌اند از سر -  
بزنند، چرا دیدگاه مردانه خود را در استنباطها در شهادت  
شهادت زن را در کمیت و کیفیت فرو می‌نهند؟ مستند بره  
مورد (۲۸۲ سوره بقره) چه دلیلی است؟ آیا جز این  
روایات ضعیف چیزی دارند؟ ما انتظار داشتیم در این  
در این موارد ببینیم.

در باره نقد ایشان به گزارش نابرابری در

اولاً: قانونگذار خدا نیست که این ماده قانون

خال



تنظیم  
قانون  
شد  
در

● سارا با از دست دادن یک کانون مهم به کانونی مهمتر دست می‌یابد، کانونی که نیروی سمبلیک آن می‌تواند نمادی برای هویت‌یابی و رهایی زنان از قراردادهای وضع‌شده جامعه سنتی باشد.

● سارا می‌داند و می‌فهمد که کارش در عالم مردانگی ناپسند است و به هیچ روی مورد پذیرش نیست.

سعی در ایجاد یک مفهوم کلیدی و مهم دارد. مفهومی که با کشاکش میان سنتهای عصر کهن و پویایی شخصیتی متبلور گشته است و نهایتاً منجر به تحول و خلق هویت و شخصیت در فرد می‌شود.

آنچه در اینجا مهم است و تأثیر نهایی خود را در طرز تلقی فیلم نسبت به موضوع مطرح شده برجای گذاشته است این است که ارکان جامعه در اینجا گرایش دارند که نسبت به قراردادهای وضع شده سنتی ثابت بمانند و به صورت میراث ماندگار از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند. به این دلیل است که در پایان می‌بینیم تلاشهای سارا برای رفع و گاهاً هموایی با معضلاتی که با آن روبروست کاملاً با رهیافتهای عوامل پوسیده و کهن جامعه سنتی در تضاد است و بدین سبب سارا در یک بن‌بست متعارض با خواستگاههای دیوانسالارانه گرفتار می‌شود و سرانجام به مفهومی از آزادی و هویت دست می‌یابد: پرش سارا به سوی آزادی نشانگر رشد فکری اوست. او با از دست دادن یک کانون مهم به کانونی مهمتر دست می‌یابد، کانونی که نیروی سمبلیک آن می‌تواند نمادی برای هویت‌یابی و رهایی زنان از قراردادهای وضع شده جامعه سنتی باشد.

و حرف آخر اینکه: جای خوشحالی است که این فیلم را یک مرد ساخته است. اگر مرد به بحث از زن و هویتش بپردازد بسیار کار آمدتر از آن است که یک زن چنین کاری بکند. مرد کارگردان شاید تماشاگر خاص و به ویژه تماشاگر مرد را دعوت می‌کند که به زن همچون یک انسان بنگرد و او را صاحب اندیشه و اراده و عزم بداند، همچنانکه خود را چنین می‌پندارد.

متولئی تأمین چهار میلیون تومان شود، همچنان‌که شوهرش که ظاهراً نزدیکترین فرد به اوست، نیز فکر می‌کند که پول را پدر سارا تأمین کرده است.

نکته مهم در اینجا است که سارا می‌داند و می‌فهمد که کارش در عالم مردانگی (دقیقتر بگوییم در بین مردان این دیار) ناپسند است و به هیچ روی مورد پذیرش نیست. او جعل امضا کرده و آبروی خانواده را به مخاطره انداخته است اما آیا کسی نیست که سارا را بفهمد و درک کند؟ شوهری که زندگیش و دوام کانون خانوادگیش را مدیون این زن است، سارا را درک می‌کند؟ سارا جعل امضا کرده تا خانواده‌اش را حفظ کند. سوزن زده و صاحب عینک ته استکانی شده تا هویتش را حفظ کند و بگوید: «من هستم پس وظیفه‌ای دارم.» اما آیا عرف این قراردادها را می‌پذیرد.

ساخت شخصیت سارا در فیلم برآمده از تأثیرات گوناگون جامعه سنتی بر فردیت اوست. جامعه‌ای که نمی‌تواند نقشی در تطبیق پذیری او با جامعه مرد سالار و مناسبات ماشینی حاکم بر آن داشته باشد و سرانجام شوریدگی او علاوه بر کسب هویت و استقلال فردی، پاسخ به یک نیاز فطری و درونی است، نیازی که طی قرن‌ها سرکوب شده و در عصر جدید در گردباد مدرنیسم و تکنولوژی ماشین محو گشته است. جایی که زن در چنبره روابط ماشینی جامعه به جای یک انسان باهویت و اندیشه همچون شی تلقی می‌شود. سارا با توجه به ذهنیت کلاسیک خود از زن و مفهوم آزادی به یک دگردیسی معنوی می‌رسد.

سارا زنی است که در یک کشور در حال توسعه با همه زیر ساختهای سنتی آن،

سارا در واقع به نوعی رأس سوم مثلث هامون و بانو را تشکیل می‌دهد. سینمایی که بعد فلسفی و روان‌شناختی دارد و مطابق مد رایج سینمای ایران است، سینمایی منطبق بر نیازهای روحی، گمگشتگیها، تناقضات اجتماعی هویت گمشده است که سرانجام حدیث نفس نسلی از زنان و مردان این دیار را در برمی‌گیرد. ■■■

سارا نمونه نقش کامل شخصیتی است که با گذر از صافی تناقضات اخلاقی بلوغ روحی و روانی، پس از یک دوره فترت به هویت و استقلال گمشده خود می‌رسد. سارا مشخصاً در مسیری حرکت می‌کند که به خود و زن بودنش توجه ندارد و یا شاید دقیقتر است اگر بگوییم فرصت توجه به خود را نیافته است. او با صدها سؤال بی‌پاسخ رو به روست: ماهیت وجودیش چیست؟ کیست و چه می‌کند؟ تا به حال چه نقش سازنده‌ای در اجتماع داشته است؟ برای کسب هویت و استقلال فردی چه تلاشی کرده است؟ چرا اینقدر احساس سرگشتگی می‌کند؟ حالا به کجا می‌رود؟ چگونه هویت و استقلال خود را با گسست کانون خانوادگی به دست آورده است؟ سارا فرصت ندارد به این سؤالاتها بپردازد. عملش پاسخی است به همه این سؤالاتها.

سارا از صبح تا شام در فعالیت است و به امور خانواده‌اش می‌پردازد تا اینکه نوبت بیماری سرطان شوهر می‌رسد که خوشبختانه خوش‌خیم است و در کشور سویس درمان پذیرا پولی در بساط نیست و حامی وجود ندارد. بافت خانواده و محیطی که سارا در آن رشد کرده است از او چیزی در این مورد نمی‌خواهد. به ذهن کسی نمی‌رسد که سارا





● هر مسئولی باید بداند که برخی از زنان گاه مشکلاتی دارند. تجربه

# این عارضه ها

به همکار

می شود زنی دچار اضطراب شدید پیش از عادت ماهانه است، همراهی و ملاحظه در رفتار با او ضرورت دارد، بهتر است از جر و بحث با او پرهیز شود.

## ۲- عادت ماهانه دردناک

عادت ماهانه در اغلب زنان با درد همراه است. مسئولین و اطرافیان باید کاملاً آگاه باشند که بسیاری از زنان جوران کارسند یا حتی مسترها به آن دچار می شوند.

عادت ماهانه دردناک را نباید ساده گرفت، مردان اغلب مایلند آن را کم اهمیت تلقی کنند اما فقط تصور کنید که دو یا سه روز مداوم بخواهید درد شدید معده را تحمل کنید.

خوشبختانه در سالهای اخیر، این درد بیشتر قابل درمان شده است اما داروها در مورد همه زنان کارایی ندارد. کسانی که با مصرف دارو دردشان کاهش نمی یابد تطبیق

همسرانشان در روزهای قبل از عادت ماهانه، خیلی زودرنج می شوند و با هر واقعه ای سخت روی آنها اثر می گذارد. دست کم پنجاه درصد زنان با درجات مختلف، دچار اضطراب پیش از عادت ماهانه می شوند. البته آن طور که بعضی از مردان فکر می کنند این عارضه چیزی خیالی و تنها حاصل یک توهم زنانه نیست بلکه مربوط به نوعی عدم توازن هورمونی است که تغییرات محسوسی را در جسم و روح زن پدید می آورد. به همین جهت آمار نشان می دهد که تقریباً یک هفته پیش از عادت ماهانه، زنان بیش از زمانهای دیگر، در رانندگی بی دقتی می کنند، تصادف می کنند، با همکاران و اعضای خانواده شان جر و بحث می کنند و در انجام امور اداریشان دقت همیشگی را ندارند.

استفاده از بعضی داروها می تواند اضطراب را تا حدی کاهش دهد اما درمان کامل اغلب مشکل است. زمانی که مشخص

بسیاری از مسئولین، در باره مشکلات جسمی و روحی زنان کارمند و همکار خود هیچ اطلاعی ندارند. آنان نمی دانند که برخی از زنان دچار ناراحتیهای جسمانی ای می شوند که گاهی بر کارایی و روحیه شان تأثیر منفی می گذارد.

مسئولانی که درک درستی از مشکلات موجود در سلامتی زنان همکار داشته باشند، می توانند با تدبیر، وقفه در انجام کار روزمره و تنش در محیط کار را کاهش دهند.

در این زمینه نیازی نیست که کسی متخصص بیماریهای زنان یا بیماریهای داخلی باشد، بلکه اطلاع از پنج وضعیت کلی که معمولاً زنان با آن دست به گریبانند کافی است: "۱"

## ۱- اضطراب پیش از عادت ماهانه:

برخی از مردان اغلب متوجه می شوند که

هد که در این چند روز خاص، زندگی زن دشوار و حتی ناگوار می‌شود.

# نوهم زنانه نیست!

## به کمک کنید تا دوران بحرانش را به راحتی سپری کند

کافی با شرایط کاری برایشان دشوار می‌شود و نیاز به همراهی و درک متقابل دارند.

### ۳- خونریزیهای شدید

بعضی اوقات عادت ماهانه با خونریزیهای شدید همراه است که البته بیشتر در اثر فشار کار یا هیجاناتی روحی عارض می‌شود. البته لازم نیست با این موضوع زیاد تخصصی برخورد کنیم، ولی هر مسئولی باید بداند که برخی از زنان گاهی مشکلاتی در این زمینه دارند. تجربه نشان می‌دهد که در این چند روز، زندگی زن، دشوار و حتی ناگوار می‌شود.

به علاوه، این حالت باعث کاهش آهن بدن و در نتیجه کم‌خونی می‌شود، به همین دلیل است که کم‌خونی در بین زنان خیلی بیشتر شایع است و نشانه‌های آن، رنگ پریدگی، خستگی مفرط و عدم کارایی است. البته این مشکل به اندازه گذشته حاد

نیست چرا که بسیاری از زنان اکنون با مصرف قرص این عارضه را کنترل می‌کنند. با این حال اطرافیان باید در نظر داشته باشند که ممکن است رنگ پریدگی، خستگی و ضعف در همکار آنان به همین علت باشد.

### ۴- بحران دوران یائسگی

یائسگی در سنین ۴۵ تا ۵۵ سالگی رخ می‌دهد. عوارض یائسگی به دلیل افت ناگهانی ترشح هورمون جنسی زنانه در این گروه سنی پدید می‌آید و دست کم ۲۵ درصد زنان این بحرانها را تجربه می‌کنند. گر گرفتن ناگهانی، ریزش عرق و حس غریب در زیر پوست از نشانه‌های عمده یائسگی است که گاهی با افسردگی و اضطراب هم همراه می‌باشد. البته مصرف هورمون اگر به دقت تجویز و تنظیم شود می‌تواند به بعضی از زنان کمک کند اما آنچه زنان مبتلا به عوارض یائسگی نیاز دارند

بیش از هر چیز، همراهی و درک متقابل از سوی اطرافیان و کسانی است که با آنها کار می‌کنند.

### ۵- التهاب مثانه:

این بیماری در مردان واقعاً ناشناخته است اما می‌توان گفت در زنان بالغ به طور قابل توجهی حتی از آنفلوآنزا هم شایع‌تر است و عوارض آن احساس درد در مجرای ادرار و تکرر ادرار است. اگر همکار شما ناراحت و مضطرب به نظر می‌رسد نباید به سادگی او را «زن عصبی کج» خطاب کنید. فقط لحظه‌ای بیندیشید که شاید او از چیزی رنج می‌برد که در میان گذاشتنش با شما برایش راحت نیست و شما می‌توانید با کمی توجه و گذشت به او کمک کنید که آن دوره را به راحتی سپری کند.



# پیرزن

دکتر زهرا کدخداییان

صبح او را بیهوش آورده بودند. با ماشین قاسم آقا به تمام بیمارستانها سر زده بودند.

«جا نداریم، بپریدش یک بیمارستان دیگر.»

«مجروح جنگی زیاد داریم. اینجا تلف می‌شود، بپریدش خانه ازش پرستاری کنید.»

یک دکتر هم در اورژانس یکی از بیمارستانها گفته بود: «سکته مغزی که احتیاج به بستری ندارد. باید توی خانه به او رسیدگی کنند تا یا بهتر شود یا خدای نکرده... سیر بیماری دست خداست. از ما کاری ساخته نیست. فقط پرستاری می‌خواهد. خودتان بکنید.»

یک دست و یک پای پیرزن تکان نمی‌خورد. مانند تکه گوشت بی‌مصرفی روی تخت افتاده بود و دخترها جا به جایش می‌کردند. نمی‌توانست حرف بزند. صبح دکتر گفته بود: «تو مغزش، یعنی مرکز حرف زدنش اختلالی پیدا شده.» فقط گاهی با اشاره چیزهایی را به دخترها می‌فهماند قاسم آقا تلفن زده بود خواهر کوچکترشان، صدیقه خانم را هم خبر کرده بود.

سایه جنگ بر شهر سنگینی می‌کرد. خیابانها خلوت خلوت بود. گاهی صدای موشکی سکوت پر از ترس و انتظار را می‌شکست و با هر صدا ویرانه‌ای بر جای می‌ماند و عید رنگ و بویی نداشت. با رخساره‌ای زرد می‌آمد و پیراهن سیاه، مردم بسیاری به شهرستانها یا روستاهای نزدیک رفته بودند. ماهیهایی که در تنگها از یکماه پیش جلو مغازه‌ها گذاشته شده بودند، حالا توی مغازه‌های بسته به سکوت سرد آب اطراف خود خیره می‌شدند.

در این گیر و دار اقدس خانم به خاطر مادرش از شهرستان آمده بود و همان وقت به شوهرش تلفن کرده بود: «می‌خواهم مادرم را بیاورم خانه خودمان. چند روزی بماند، انشاءالله خوب شود. اینجا اوضاع خطرناک است. از صبح تا شب موشک می‌زنند. مردم دارند از تهران فرار می‌کنند.»

شوهر فریاد کشیده بود: «مادر دم مرگت را می‌خواهی بیاوری اینجا که چی؟ صد بار بهت گفتم این زن نایست آخر عمری بیخ ریش من باشد. می‌دانستم سکه می‌کند و روی دستم می‌ماند. حالا که

تنه چاق و بی‌حرکت پیرزن روی تخت افتاده بود. سرش را بنا به گفته دکترها یک طرف خم کرده بودند. باریکه‌ای از آب دهان، گوشه لبش بود. دو زن میانسال در کنارش نشسته بودند و تا کوچکترین تکانی می‌خورد، می‌پرسیدند: «مادر، چه می‌خواهی؟»

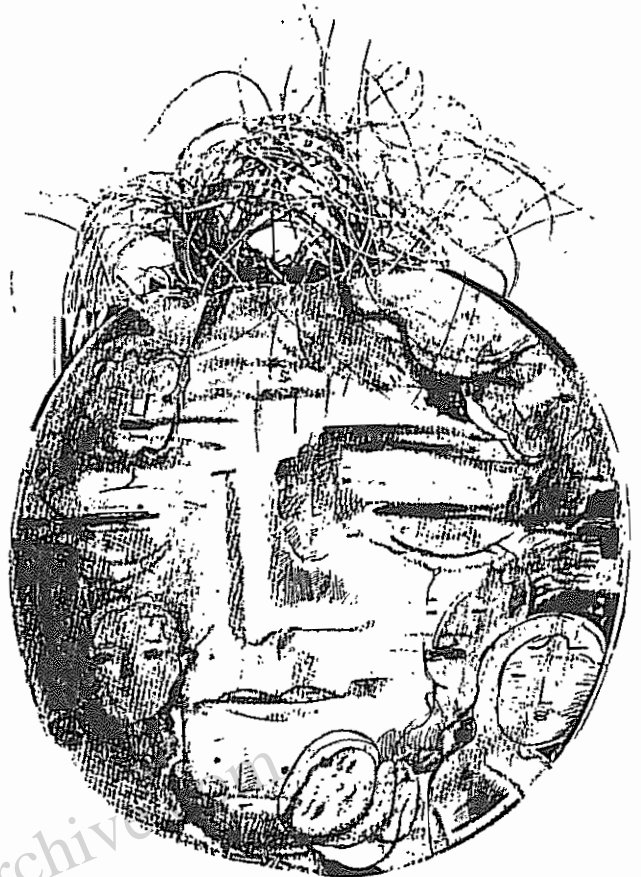
و پیرزن به جز ناله‌های دورگه صدایی از حنجره بیرون نمی‌داد. پیراهن خاکستری کهنه به تنش چسبیده بود. چارقدهش را شل کرده بودند. موهای بافته سفیدش در دو طرف سر روی بالش افتاده بود. پوست سفید گردن چروکیده‌اش گاه‌گاه با تکانهای گلو و دهانش بالا و پایین می‌رفت و زنها منتظر شنیدن کلامی از دهان او بودند و به دستهای بی‌حرکتش نگاه می‌کردند. دو روز پیش، در خانه ملیحه خانم، قبراق و سر حال می‌گشت. هر روز سطلهای پر از آب و چرک ظرفشویی سر حوض را توی چاه کوچه بالاتر خالی می‌کرد. بعد با دستهای چاق و چروکش سطلها را آب می‌کشید و توی آفتاب می‌گذاشت. آن وقت نوبت رخت چرکها بود که چنگ بزند. بعد هم دور حوض را آب و جارو می‌کرد. سه وعده هم نان تازه برای خانه دخترش می‌خرید. شوهر ملیحه خانم نان مانده نمی‌خورد. دو سه ماه پیش رفته بود شهرستان خانه اقدس خانم، دو دست لحاف و تشک برای مهمانهای او دوخته بود. پنبه زن که آوردند یکی از تشکهای کهنه را نو کند، به دستهای پیرزن نگاه کرده بود و گفته بود: «دست درد نکند با این سلیقه‌ات.» حلا ملیحه خانم و اقدس خانم، دستهایشان را به هم می‌ساییدند و سر تکان می‌دادند: «خدایا مادرمان را علیل نکن.»

قاسم آقا توی اتاق می‌گشت و هر از گاهی کنار رختخواب مادر بی‌حرکت می‌نشست، به خواهرها آهسته چیزی می‌گفت. خیلی مواظب بود که نق زدنهای زنش را از خواهرها پنهان کند. وقتی به آن اتاق رفت خواهرها شنیدند: «من می‌خواهم توی این اتاق پسر، داماد کنم. شگون ندارد این زن را اینجا بگذارید. چرا به حرف گوش نمی‌کنی، قاسم؟»

خواهرها در سکوت به هم نگاه کردند. جای پیرزن آنجا نبود. هر وقت قاسم آقا او را به خانه‌اش می‌آورد، دو سه روز بیشتر نمی‌ماند.







«نباید بگذارید مادر بزرگ روی تخت پسرم بمیرد. شگون ندارد. من آن تخت را برای دامادی پسرم می‌خواهم.»

منزل ملیحه خانم، همان جا که بیشتر عمرش را گذرانده بود، بهترین جا بود. افراد فامیل به منزل صدیقه خانم کمتر می‌رفتند. حوصلهٔ بد اخلاقیهای شوهرش را نداشتند. پس ارشد پیرزن، جواد آقا هم اصلاً به حساب نمی‌آمد. از مدتها پیش به همهٔ فامیل گوشزد کرده بود: «نه می‌آیم، نه بیایید.» اما حالا باید خبرش می‌کردند. بزرگتر خانواده بود.

زن قاسم آقا می‌آمد و می‌رفت و زیر لب چیزهایی می‌گفت. از زمین و زمان می‌نالید. بچه‌ها را از جلو پنجره می‌راند. آنها هم صدای اعتراضشان بلند می‌شد: «آزیر که نمی‌کشند.»

سه خواهر سر بلند می‌کردند، تو چشمهای غمزدهٔ یکدیگر نگاه می‌کردند. حالا که می‌خواستند مادر را منتقل کنند. در دل ملیحه خانم دلشوره‌ای به پا شده بود. به کسی نگاه نمی‌کرد تا راز چشمهایش را نفهمند:

«او سلامتی مادر را تحمل نمی‌کرد. حالا مریضیش را تحمل می‌کند؟ کاش این دم آخر عمر از اخم و تخم داماد در امان بود. کاش هیچ وقت نمی‌گفتم خرج مادرم را قاسم می‌دهد که او هم باور نکند. اگر از اول می‌فهمید خرجی خودش را درمی‌آورد، این همه منت سر مادر بیچاره‌ام نمی‌گذاشت. نه، نه راستی مگر خودش نبود که یکروز آمد داد کشید: «مادرت آبرو واسهٔ من نگذاشته. دوستانم توی قهوه‌خانه گفتند که مادر زنت کهنه فروشی می‌کند.» بیچاره پیرزن چه قدر سوزن زد، لباس دوخت و فروخت... مادر...»

حالا وقتی نبود که ببینند شوهر ملیحه خانم چه می‌گوید. پیرزن علیل جای دیگری نداشت. اغلب جایش در پستوی نزدیک آشپزخانهٔ منزل ملیحه خانم بود. باید او را از سرزنشهای زن قاسم آقا نجات می‌دادند.

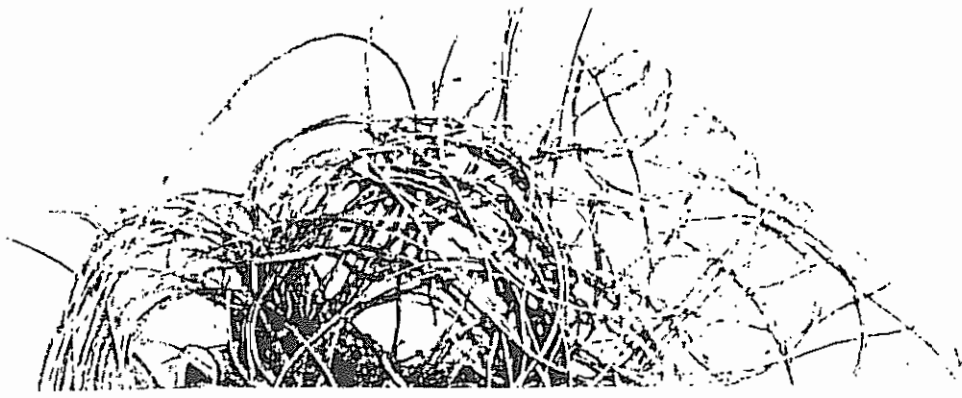
ساعتی بعد، روی تشک نرم و راحت که از هنرهای خودش بود، در منزل ملیحه خانم، در همان پستوی همیشگی خوابیده بود. دست و پای فلجش را طوری گذاشته بودند که احساس سنگینی نکند و باز

توی تهران سکنه کرده، می‌خواهی بیاوریش؟ آن پسر بی‌غیرتش چه کار می‌کند؟ هر چه زودتر برگرد. به خاطر یک پیرزن مردنی همه‌تان جمع شدید تهران.»

اقدس خانم لام تا کام نگفته بود و حالا کنار مادر نیمه جان نشسته بود و دنبال راه چاره می‌گشت. خواهر دیگرشان صدیقه خانم هم آمد. زیر لب دعایی با خود زمزمه می‌کرد. کنار مادر نشست. چشمهایش پر از اشک شد. دست چاق و سفیدش را از زیر چادر مشکی درآورد و آهسته دست مادر را گرفت و بوسید. بعد با صدای آهسته‌اش با قاسم آقا که توی اتاق آمده بود، سلام و احوالپرسی گرمی کرد و باز اشک در چشمهایش جمع شد. از زن برادر حال بچه‌هایش را پرسید و با پیچ پیچ به خواهرها گفت که شوهرش به سختی به او اجازه داده که پیش مادر بیاید. می‌گفته سکنهٔ مغزی که چاره ندارد، توی این بمباران می‌روی چه کار؟

خواهرها در سکوت نگاهش کردند. مادر بدشانسی آورده بود. هر موقع دیگری بود، حتماً همه جمع می‌شدند اما حالا درگیر و دار جنگ، تمام فامیل و کسانی که توی خانه‌شان یادگاری از دستهای پر کار پیرزن بود، از تهران رفته بودند.

سه زن چشم به مادر دوخته بودند و کمترین حرکاتش را می‌پایندند. دعا می‌کردند اندکی به هوش آید و به آنها نگاه کند. همهٔ زحمتهایی که تا حالا پیرزن برایشان کشیده بود، جلو چشمشان آمده بود، اما موقع قدردانی نبود. پیرزن بی‌حرکت، با چشمهای نیمه بسته در دنیای اطرافش نبود. قاسم آقا دوباره آمد داخل اتاق. این پا و آن پا می‌کرد. در صدد بود مادر را به منزل ملیحه خانم منتقل کند. همین چند لحظه پیش، زنش توی اتاق دیگر با صدای بلند هشدار داده بود:



زن جواد آقا بود: «این وقت شبی، تنهایی توی خانه می‌ترسم. بچه یک کم تب دارد. می‌دانم مادرت سکنه کرده، برایش که نمی‌توانی کاری بکنی. دخترهایش باید به او برسند. غذایش را بدهند، زیرش را تمیز کنند. این کار زن‌هاست. حالا حالاها باید بکنند. تو لازم نیست آنجا باشی. پاشو زودتر بیا.»

و بعد نوبت به زن قاسم آقا رسید: «نصف شبی، ول کن بیا. بچه‌ها تنها هستند. از صدای موشک اعصاب برابم نمائند.»

— مادرم حالش بد است. آخر عمری هم می‌خواهی پیشش نباشم؟ از خانه که بیرونش کردی.

بعد زن حرفهای دیگر هم زد.

— حالا شاید تا یکساعت دیگر بیایم.

قاسم آقا گوشی را گذاشت و پیش مادر نشست.

شوهر ملیحه خانم که تازه از سرکار برگشته بود، به اتاق پیرزن نیامد. از بیرون پستو زنش را برای آماده کردن شام صدا زد. شام را که خورد، گوشه‌ای نشست و منتظر جای شد. موقع جای خوردن صدای دو رگه‌اش بلند شد: «امروز همه‌اش بالای سرش بودی. این پیرزن دیگر تا صبح با تو کاری ندارد. اقدس خانم که بالا سرش هست. بگیر بخواب تا فردا صبح ببینیم خدا چه می‌خواهد.»

تا نیمه‌های شب، همه رفته بودند و کسی جز اقدس خانم در کنار رختخواب مادر نبود و پیرزن با یک دختر خود تنها شده بود. او هم غمزده جلوی رختخواب مادر چرت می‌زد. سکوت و تاریکی اتاقک کوچک را گرفته بود. فقط نور کم‌رنگ مهتاب کمی از جلو، در را روشن می‌کرد.

ملیحه خانم توی اتاق دیگر زیر ملافه غلت می‌زد و خوابش نمی‌برد: اگر این زن بدبخت مدت زیادی توی کنج افلیجی بماند چی؟ خدا کند شوهرم غر نزنند، دل مادرم را نرنجانند. اصلاً آنقدر به هوش می‌آید که برنجد؟ کاش اقدس او را پیش خودش می‌برد. اینطوری از خطر جنگ هم نجاتش می‌داد. چقدر این زن بیچاره دعا کرد که علیل نشود و کنج خانه نیفتد، حالا خرج دکتر و دوا و غذا و چیزهای دیگر چه؟»

توی پستو در کنار نفسهای یکنواخت پیرزن، اقدس خانم چرت می‌زد و در فواصلی بیدار می‌شد و به مادر چشم می‌دوخت: «چقدر توی تلفن فحش داد، من را هم که همین امروز خواسته، مجبورم به ملیحه بگویم که باید بروم. نمی‌توانم مادر را ببرم. اگر او یکی دو هفته به مادر برسد، باز از شوهرم اجازه می‌گیرم، می‌آیم چند روزی هم من به اون می‌روم. همین طور رسیدگی می‌کنیم تا ببینیم خدا چه می‌خواهد.»

شب در سکوت چرت‌های کوتاه زنها و خواب سنگین شوهر ملیحه خانم و اغمای پیرزن سپری شد.

صبح زود شوهر ملیحه خانم وقتی داشت از جلوی در پستو رد می‌شد، حال مادر را از ملیحه پرسید و سر کار رفت. ساعتی بعد،

سرش را به یک طرف خم کرده بودند. گاه دور دهانش را با دستمال پاک می‌کردند. قاسم آقا رفت برایش کمپوت خرید. وقتی خواهرها با قاشق کوچکی آب آن را در دهان پیرزن می‌ریختند، صدای وحشتناک موشکی همه را تکان داد. قبل از آن سرو صدای یکی دو بچه از توی کوچه می‌آمد اما صدای سبزی فروش و میوه فروش دوره گرد، دیگر آن روزها به گوش نمی‌رسید. محله خلوت شده بود. آنها که مانده بودند، از خانه‌هاشان بیرون نمی‌آمدند. به صدای موشک، پیرزن تکانی نخورد. سه روز پیش با شنیدن صدای موشکها ناله سر می‌داد: «آخ آخ، موشک... هستید؟ همتون هستید؟»

اکنون آرام خفته بود. گاهی ناله کوتاهی از حنجره بیرون می‌داد. شوهر ملیحه خانم در خانه نبود و پیرزن اکنون از ناراضی‌تیا آسوده بود. قاسم آقا به دنبال جواد آقا رفت. غروب که شد او را آورده بود. حالا دیگر فرزندان پیرزن همه بالای سرش بودند. جواد آقا هم که کسی تا به حال لطف و محبتش را ندیده بود، در کنار رختخواب مادر چمباتمه زده بود و چنان بلند گریه می‌کرد که هیچ‌کدام از خواهرها نتوانسته بودند جلو اشکشان را بگیرند. حتی صدیقه خانم ضجه کشید. جواد آقا وقتی ساکت شد دستهای چروکیده و بی‌حرکت مادر را تکان داد و به آنها زل زد. ماه پیش وقتی به خانه‌شان آمده بود با قدرت به لباسهای چرک آنها چنگ زده بود و خوب آنها را کف مالی کرده بود. بعد هم همه جا را دستمال کشیده بود که برای خانه تکانی عید، کار زنش راحت‌تر شود. حالا هیچ تکان نمی‌خورد. باز موشکی به زمین خورد و صدای مهیب و گوشخراش آن در اتاقها پیچید و لحظاتی خانه در سکوتی غم‌انگیز فرو رفت. دخترها کنار رختخواب مادر آه کشیدند و سر تکان دادند. ساعتی بعد زنگ تلفنی که گوشه اتاق بغلی فراموش شده بود، به صدا درآمد. شوهر اقدس خانم از شهرستان بود: «بیا اینجا ببین چه خبره. نمی‌دانم با این مهمانهای تهرانی که ریخته‌اند سر دلم چه کار کنم؟ بچه‌ها مون هم که خبر مرگشان هر کدام یک جا هستند. آخر عمری کسی را ندارم آب دستم بدهد. همین امروز راه بیفت، بیا. معطل نکنی‌ها.»

اقدس خانم با جوابهای کوتاه و آهسته گوشی را گذاشت و دوباره به طرف رختخواب مادر رفت و خاموش به نفسهای یکنواخت و ناآرام زن گوش سپرد. صدای حاجی توی گوشش نشسته بود. می‌اندیشید همین فردا مجبور می‌شود مادر محتر را رها کند و برود. دلش لرزید. لحظه‌ای بعد دوباره صدای زنگ تلفن بلند شد. شوهر صدیقه خانم بود: «سالمی؟ انگار موشک خورده همان طرفها. کجا مانده‌ای تا این وقت شب. همین حالا راه بیفت. فردا صبح اگر زنده مانده بودیم، می‌روی.»

صدیقه خانم که همیشه فرمانهای قاطع شوهر را اطاعت می‌کرد، پس از گذاشتن گوشی به نفس نفس افتاد. مانده بود چه طور به حاضران بگوید مجبور است برود، فردا بیاید. باز هم تلفن زنگ زد.



که در اطراف رختخواب مادر و حتی در خانه هم هیچ کس نبود، صدای بلندی از گلوی پیرزن بیرون آمد و به دنبال آن تقلایی کرد تا چیزی بگوید. شاید با اشاره آب می‌خواست. صورتش را جمع کرده بود و برای آخرین بار چشمهای گود افتاده‌اش را باز کرد و به اطراف خود نگاه کرد. شاید می‌خواست از حضور کسان خود در اطراف رختخوابش خاطر جمع شود. دستی را که هنوز رمقی داشت، به زحمت حرکت داد و در اطراف خود چرخاند. گویی فضای خالی و سکوت اطراف خود را حس کرد. چون خیلی آهسته دستش را پایین آورد و همان‌طور که نگاه بی‌روحش به نقطه‌ای خیره مانده بود، دیگر تکان نخورد.

اقدس خانم مادر را به ملیحه سپرد و رفت و قول داد که هفته بعد برگردد. تنها ملیحه خانم کنار رختخواب مادر نشست و قاشق قاشق چای شیرین در دهانش ریخت. گلوی چروکیده پیرزن بالا و پایین می‌رفت و قطرات چای را قورت می‌داد. بعد صدای خرخرش اتاق را پر کرد. ملیحه خانم بلند شد، کوبین نفت را از داخل کیسه پلاستیکی درآورد و خوب شماره‌اش را واریسی کرد که عوضی نباشد و آن را در کیف پولش گذاشت و چادرش را انداخت روی سرش. می‌خواست سرمای خانه را چاره کند. مجبور بود مادر را تنها بگذارد. با نگرانی به نفس زنده‌های او نگاه کرد بعد دعایی زیر لب خواند، او را به خدا سپرد و از خانه خارج شد. لحظاتی بعد وقتی

زمستان ۶۸



برخورد دلپذیر و خوشایند نشانگر شخصیتی آرام و عاری از کشمکشها و فشارهای درونی است. روان‌شناسان ثابت کرده‌اند که برای ایجاد رابطه صحیح و دوستانه با دیگران، روشی وجود دارد که می‌توان آن را آموخت و در جهت بهبود آن کوشش کرد؛ روشی که باید جزئی جدانشدنی از رفتار و شخصیت ما شود. چنانچه میل دارید در خانه، محل کار و یا به طور کلی در اجتماع به گرمی پذیرفته شوید، باید رسومات و قوانین اجتماعی را کاملاً بیاموزید. همه ما می‌خواهیم دیگران دوستان بدانند و ما را بپذیرند. این نیاز مانند نیاز به مسکن برای انسان، طبیعی است. علاوه بر این برقراری ارتباطات اجتماعی صحیح و دوستانه باعث تکامل شخصیت شما می‌شود. ❧

مسئله در برخورد اول یک فرد، نمی‌توان در مورد صداقت، ملایمت و یا وجود حس همکاری در او، قضاوت کرد. چنین خصوصیتی را تنها می‌توان طی یک اصطلاح نسبتاً طولانی دریافت. حال آنکه آگاهی افراد از قوانین اجتماعی و نیز رعایت و یا عدم رعایت آنها، در همان وهله اول مشخص می‌شود. یک دیدار کوتاه و عادی می‌تواند نحوه رفتار شما را نسبت به یک فرد و نیز نحوه رفتار او را نسبت به شما شکل دهد. رعایت آداب و رسوم اجتماعی را نباید به هیچ عنوان بی‌اهمیت پنداشت. همه ما می‌دانیم که نحوه برخورد و عملکردمان در شرایط و موقعیتهای مختلف اجتماعی، یکی از ارکان اصلی تعیین کننده عکس‌العمل دیگران نسبت به ماست.

بنابراین باید از همین لحظه سعی کنیم نکات و رفتارهای شایسته جزئی از شخصیتمان گشته و به طور ناخود آگاه در

اعمال ما منعکس شود. البته این بدان معنا نیست که آگاهی از آداب معاشرت، از مهمترین صفات مشخصه یک فرد است. ملاحظه و مراعات حال دیگران، رعایت صداقت و عدالت در عمل، روراستی و همچنین آمادگی و اشتیاق به همکاری با دیگران به معنای واقعی نیز صفاتی ارزشمند هستند. گو اینکه آداب معاشرت نیز بر پایه چنین صفاتی استوار است. زمانی که رعایت آداب معاشرت باعث ناراحتی و رنجش دیگری می‌شود، یک فرد مؤدب و ملاحظه کار هرگز در شکستن این آداب تردید نمی‌کند.

### ◀ آداب معرفی

چطور باید افراد را به یکدیگر معرفی کرد؟ آیا تنها ذکر نام آنها کافی است؟ آیا

راس تالمن

ترجمه حورا اخلاقی

# از آداب معرفی

● نحوه برخورد و عملکرد ما در شرایط و موقعیتهای مختلف اجتماعی یکی از ارکان اصلی تعیین کننده عکس‌العمل دیگران نسبت به ماست.

● باید از همین لحظه سعی کنیم رفتارهای شایسته جزئی از شخصیت ما گردد و به طور ناخود آگاه در اعمال ما منعکس شود.

ذکر سمت و موقعیت اجتماعی آنها الزامی است؟

توجه به نکات زیر مشکل شما را تا حد زیادی حل می‌کند و با رعایت آنها می‌توانید افراد مختلف را به راحتی به یکدیگر معرفی کنید. به طور کلی سه نحوه معرفی وجود دارد:

- ۱- معرفی دو فرد همجنس به یکدیگر
- ۲- معرفی دو فرد غیرهمجنس به یکدیگر
- ۳- معرفی یک فرد به یک گروه

معرفی دو فرد همجنس به یکدیگر هنگام معرفی دو فرد همجنس، ابتدا نام شخص مستر را ذکر کنید:  
«سرکار خانم الف (شخص مستر)»

اجازه دهید دوشیزه ب (شخص جوانتر) را به شما معرفی کنم.»

«مادر، با دوست من آشنا شوید.»  
زمانی که طرفین معرفی تقریباً همسن بوده و در موقعیت اجتماعی مشابهی قرار دارند، رعایت ترتیب ذکر نام آنها اختیاری است.

معرفی دو فرد غیرهمجنس به یکدیگر هنگام معرفی دو فرد غیرهمجنس، ابتدا نام خانمها ذکر می‌شود:

«خانم الف، اجازه دهید آقای ب را به شما معرفی کنم.»  
در مواردی که تفاوت سن یا موقعیت اجتماعی آنها زیاد بوده و مرد مقابل، از موقعیت خاصی برخوردار باشد:  
«آقای الف اجازه دهید خانم ب را به شما معرفی کنم.»

معرفی یک فرد به یک گروه هنگامی که می‌خواهید شخصی را به

گروهی معرفی کنید، باید ابتدا نام او را بگویید و بعد نام افراد آن گروه را به ترتیبی که ایستاده و یا نشسته‌اند، ذکر کنید.

«آقای الف، ایشان خانم ب هستند، خانم ج و آقای ح.»

به هنگام معرفی بستگانتان باید نسبت آنها را با خود ذکر کنید، مانند مادر، پدر، خواهر، برادر، عمه، خاله، عمو، عمه، شوهر و یا ...

### چرا معرفی افراد به یکدیگر ضروری است؟

معرفی افراد، حتی زمانی که چندان ضروری به نظر نمی‌رسد، بهتر از آن است که با معرفی نکردن این اشخاص، باعث ناراحتی و رنجش آنها شوید. نکته اساسی آن است که هر شخصی به هنگام برخورد با

# فرد به یکدیگر چه می‌دانید؟

- برای به خاطر سپردن نامها، سعی کنید به نکات دیگر درباره طرف مقابلتان توجه کنید و اطلاعاتی در مورد شخصیت او به دست آورید تا تصویر ذهنی شما از آن فرد، چیزی بیش از یک «اسم» باشد.

یک فرد و یا گروه ناشناس، احساس غریبی نکند و در جمع تازه به گرمی و گشاده رویی پذیرفته شود. بنابراین در موارد زیر حتماً افراد را به یکدیگر معرفی کنید:

- ۱- اعضای یک گروه کوچک به یکدیگر
- ۲- تمام مهمانها به مهمان افتخاری
- ۳- تمام مهمانها در یک مهمانی کوچک
- ۴- مهمانی که به منزل شما می‌آید به تمام اعضای خانواده
- ۵- افراد شرکت‌کننده در یک مسابقه کوچک به یکدیگر
- ۶- شخصی که جدیداً در محلی استخدام شده است به همکاران و کارمندان دیگر.

معرفی در خیابان چندان الزامی نیست. چنانچه به هنگام قدم زدن با یکی از دوستان و یا بستگان خود در خیابان، به یکی از آشنایان او برخورد کردید و شما فرد مذکور را نمی‌شناسید باید چند قدم جلوتر رفته و کمی از آنها فاصله بگیرید و منتظر همراهتان بایستید. اما اگر فرد ناشناس بخواهد شما را در بقیه راه مشایعت نماید، در این صورت شما باید به او معرفی شوید. حال اگر معرفی نشوید، باید چه کنید؟ به طور حتم تا به حال برای شما چنین اتفاقی افتاده است. بهترین کار این است که از همراه یا یکی از آشنایان خود بخواهید تا شما را معرفی کنند. در صورتی که چنین فردی هم در دسترس شما نبود، بهتر است خود این کار را انجام دهید. مثلاً خیلی ساده می‌گویید: «فکر نمی‌کنم قبلاً با هم آشنا شده باشیم. اسم من الف است.»

### ◀ به خاطر آوردن نامها

لزومی ندارد در یک مهمانی بزرگ با تمام مهمانان آشنا شوید. در واقع به خاطر سپردن نام همه افرادی که در مهمانی هستند غیرممکن است. حال اگر نام شخصی را فراموش کردید، چه می‌کنید؟ در صورتی که کسی نبود تا از او بپرسید، تنها یک راه برای شما باقی می‌ماند، باید بگویید: «خیلی عذر می‌خواهم، متأسفانه نام شما را به خاطر نمی‌آورم.»

و یادتان باشد که یک فرد باتجربه، به محض آنکه متوجه مکث شما شود، نام خود را ذکر می‌کند.

### ◀ به خاطر سپردن نامها

هیچ فرمول خارق‌العاده‌ای برای به خاطر سپردن اسامی افراد وجود ندارد. اما از آنجا که این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است باید واقعاً سعی کنید اسامی را از خاطر نبرید. چند نکته به شما در این

مورد کمک می‌کند:

- ۱- نام آن فرد را به هنگام معرفی تکرار کنید: «از دیدن شما خوشوقت هستم، خانم الف.»
- ۲- چنانچه اسم آن شخص ناآشنا و غریب است، از او بخواهید تا طرز نوشتن صحیح آن را به شما بگوید.
- ۳- سعی کنید به نکات دیگری در مورد او توجه کرده و اطلاعاتی در مورد شخصیت او به دست آورید تا تصویر ذهنی شما از آن فرد، چیزی بیش از یک «اسم» باشد.

اسامی افراد را باید صحیح تلفظ کنید. چنانچه تلفظ اسمی برای شما مشکل است، بهتر است چندین بار نحوه صحیح تلفظ آن را تمرین کنید.

حالا سعی کنید در مورد مطالبی که هم اکنون خوانده‌اید در ذهنتان مروری کنید و برای آن که خودتان را امتحان کنید به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- به هنگام معرفی، نخست نام شخص مستر ذکر می‌شود.

درست ○ غلط ○

۲- زمانی که دو خانم به یکدیگر معرفی می‌شوند، نخست نام خانم متأهل ذکر می‌شود.

درست ○ غلط ○

۳- عنوان افراد به هنگام معرفی باید ذکر شود.

درست ○ غلط ○

۴- اگر با یکی از آشنایان به طور تصادفی برخورد کرده و او را به جمع دوستانتان دعوت کردید، لازم است که شخص مذکور را به مهمانهای دیگر معرفی کنید.

درست ○ غلط ○

۵- چنانچه قبلاً به شخصی معرفی شده‌اید اما نام او را فراموش کردید، می‌توانید از وی بخواهید تا نام خود را تکرار کند.

درست ○ غلط ○

۶- در صورتی که شخصی را به نهار، شام، نوشیدنی، سینما ویا تئاتر و... دعوت کردید، مخارج او را نیز باید بپردازید.

درست ○ غلط ○

۷- چنانچه در یک مهمانی اوقات خوشی را می‌گذرانید، می‌توانید بیش از زمان تعیین شده، در منزل میزبان (یا محل مهمانی) بمانید.

درست ○ غلط ○

۸- خود را با شرایط محل و خانواده‌ای که پذیرای شما هستند، وفق دهید.

درست ○ غلط ○

۹- با کمک کردن به میزبانان در کارها، باعث خجالت او نشوید.

درست ○ غلط ○

۱۰- می‌توانید از تلفن میزبانان برای راه دور استفاده کنید.

درست ○ غلط ○

۱۱- بهتر است ۲۰ دقیقه بعد از زمان تعیین شده به منزل میزبان یا محل برگزاری مهمانی برسید.

درست ○ غلط ○

۱۲- چنانچه لباس شما مناسب مهمانی‌ای که رفته‌اید نبود، می‌توانید به منزل رفته و لباس خود را تغییر دهید.

درست ○ غلط ○

۱۳- سعی کنید با مهمانان دیگر طرح دوستی ریخته و از دیگران کناره نگیرید.

درست ○ غلط ○

۱۴- در یک مهمانی، تنها با افرادی که می‌شناسید، صحبت کنید.

درست ○ غلط ○

۱۵- چنانچه غذای خاصی سر میز قرار می‌گیرد و شما نحوه صحیح خوردن آن را نمی‌دانید می‌توانید از دیگران سؤال کنید.

درست ○ غلط ○

۱۶- هرگز آداب معاشرت را زیر پا نگذارید حتی اگر در موقعیت بخصوصی رعایت این قوانین موجبات رنجش دیگران را فراهم آورد.

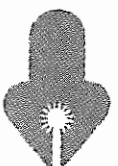
درست ○ غلط ○

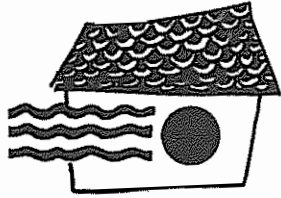
۱۷- از صحبت کردن با صدای بلند و یا جلب توجه، به هر طریقی، در مکانهای عمومی جداً خودداری کنید.

درست ○ غلط ○

#### جواب سؤالا

- |      |      |
|------|------|
| درست | ۱ -  |
| درست | ۲ -  |
| درست | ۳ -  |
| درست | ۴ -  |
| درست | ۵ -  |
| درست | ۶ -  |
| غلط  | ۷ -  |
| درست | ۸ -  |
| غلط  | ۹ -  |
| درست | ۱۰ - |
| درست | ۱۱ - |
| درست | ۱۲ - |
| درست | ۱۳ - |
| درست | ۱۴ - |
| درست | ۱۵ - |
| درست | ۱۶ - |
| درست | ۱۷ - |

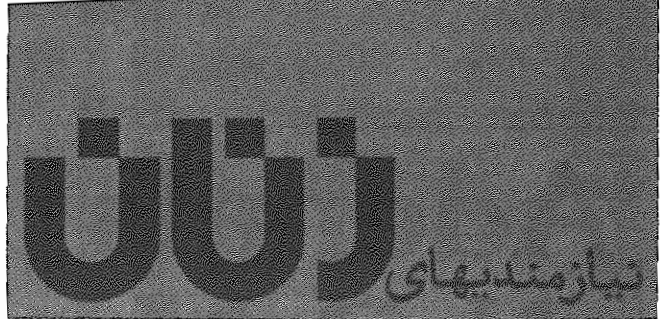




کلبه آرایش ویژه بانوان با مدرنترین  
متد آرایشی و مجربترین کادر به بانوان  
جهت ارائه انواع خدمات آرایش افتتاح شد.

آدرس: شهرک غرب - ایستگاه  
دریا - خیابان ناخدا محتاج -

جنب پلاک ۲۱



مؤسسه  
کنیتکس وروکس  
کهکشانشان

خانه و محل کارخوارا  
سنگاره بانوان میهن  
دفتر خدمات کهکشانشان

نامی آشنا برای همه خانواده‌ها

متخصصان ورزیده کهکشانشان با یکا تلفن کلیه

وسایل برقی - الکتریکی و الکترونیکی شما را در  
منزل تعمیر و تحویل می‌دهند.

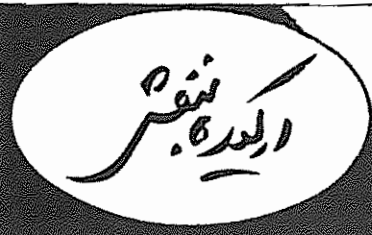
سرویس و تعمیر انواع تلویزیون - ویدئو -

وسایل صوتی لباسشویی - یخچال - فریزر -

جاروبرقی و آبگرمکن گازی و نفتی فقط توسط

متخصصان کهکشانشان

تلفن ۶۴۳۲۹۰۰ - ۶۴۲۷۲۷۰



سالن آرایش و زیبایی

کلیه خدمات پوستی و زیبایی  
و آرایش بهداشت پوست و مو  
رسم، چین و چروک،  
جلوگیری از ریش مو،  
رفع حوش و لک

برطرف کردن موهای صورت، آرایش عروس و همراهان زیر نظر متخصص

خیابان کریمخان خیابان میرزای شیرازی شماره ۳۴ تلفن ۸۸۹۳۰۹۲



دفتر خدماتی مسافرتی ناوبران

ناوبران

تور

جزیره کیش

۱ - مشهد مقدس

۲ - اصفهان

۳ - شیراز

۴ - کاشان، اصفهان

۵ - کرج شهرک سینمایی کاخ مروارید

۶ - کاخ و موزه‌ها

۷ - کیش

۸ - شمال (گیلان، مازندران)

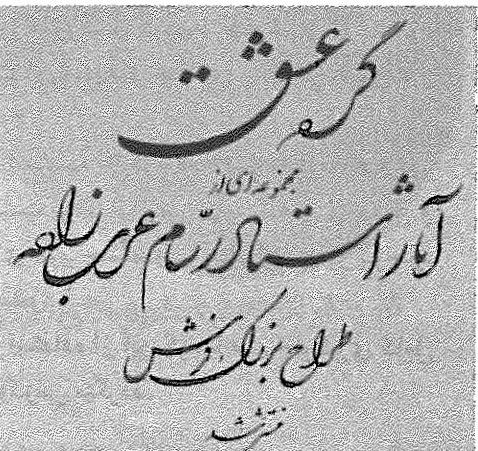
فروش بلیط داخلی و خارجی به تمام نقاط دنیا

تهران: خیابان سمیه، شماره ۱۲۲، کد پستی: ۱۵۸۱۶ تلفن: ۵-۴۹۷۲-۸۸۰

فکس: ۸۳۱۸۵۹ تلکس: NAVB IR ۲۲۶۸۸۸

122 Somayeh Street, Tehran 15816, Iran. Tel: 8804972-5 Fax: 831859

Tlx: 226888 NAVB IR



انتشارات و تبلیغات در بروی دانشگاه تهران

شماره ۱۳۲۲ کد پستی ۱۳۱۲۲ تلفن ۶۳۰۶۶۶۸

# Adenals N.R.M paris

کرم ویتامینه A.E. PP.B5 (جوان کننده)  
کرم ویتامینه A.E. PP.B5 آدنائیس از ترکیب  
مجموعه‌ای از گیاهان دارویی مخصوص زیبایی  
صورت و سلامتی پوست توسط کمپانی NRM کشور  
فرانسه تهیه شده است.

موارد استفاده:

۱ - استفاده از کرم A.E. PP.B5 آدنائیس  
باعث طراوت و سلامتی پوست صورت و گردن  
میگردد.

۲ - استفاده از کرم A.E. PP.B5 آدنائیس  
کمبود رطوبت طبیعی پوست را جبران میکند.  
۳ - استفاده از کرم A.E. PP.B5 آدنائیس  
باعث جلوگیری از مرگ زودرس سلولها میشود.

۴ - استفاده از کرم A.E. PP.B5 با ویتامین PP  
که در ترکیب این کرم وجود دارد باعث جلوگیری  
از پوسته پوسته شدن و ترک خوردن پوست خصوصاً  
در ناحیه گردن و زیر چشم میشود.

۵ - استفاده از کرم A.E. PP.B5 با ویتامین B5  
که در ترکیب این کرم بکار رفته باعث جلوگیری از  
لک و پیس صورت و گردن و جلوگیری از بوجود  
آمدن خطهای سفید و قهوه‌ای رنگ در صورت و  
گردن میشود.

۶ - استفاده از کرم A.E. PP.B5 در ناحیه زیر  
چشم سبب برطرف نمودن سیاهی و چین و  
چروک‌های دور چشم و یا جلوگیری از بوجود  
آمدن آن میشود.

۷ - استفاده از این کرم باعث جلوگیری کامل  
از پیری زودرس میگردد.

کیش، بازار بین‌المللی پردیس شماره ۱۳۸ تلفن: ۲۱۵۴

**ماساژور دستی  
هور**

نی یاقی کازاب رنگ پتیل  
پیلان زیر پستی در تاتیه شکم سیزا پیلان دران  
فرغ خشکی بزرگی فضالی

طراحی بر اساس طب فشاری  
فروش در کلیه  
داروخانه ها، فروشگاههای ورزشی و بهداشتی.

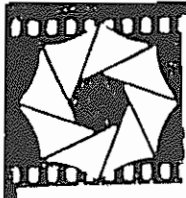


از بهترین موادها لمایده فعال پذیرفته میشود  
نمایندگی مشهد ۲۹۲۶۸

**جشن تولد**

شما که مشکل پسند هستید برای فیلمبرداری  
از تولد با ما تماس بگیرید. سالها تجربه در  
خدمت فیلمبرداری از مجالس

تلفن: ۲۲۲۳۲۰۱



**عاشق  
کامو**

عکسبرداری و فیلمبرداری از مجالس  
و صنعتی و ورزشی با سیستم کامپیوتری  
پاساژ هنر، اندیشه، بانگ صدق  
۲۸۳۵۴۲ - تقی پور





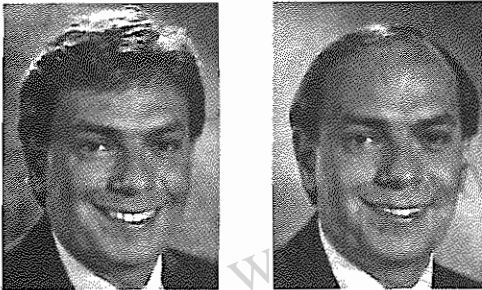
سازمان آموزش و پرورش و وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
 مجمع آموزشی و پژوهشی

**جدید** خانه موی ایران **جدید**

(ویوتک راشل سابق) اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران  
 خیری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهای خود  
 را از دست داده یا می دهند ما نتیجه آخرین تحقیقات و  
 اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را  
 رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در  
 اروپا هم عرضه نمی شود این مندها نتیجه تلاش پیگیر  
 متخصصین مو در امریکا می باشد، در این روش بدون  
 عمل جراحی از یکصد تا دو تا ده هزار تار مو روی سر  
 شما نصب می گردد با این منده کاملاً جدید و استثنایی  
 شما احساس خواهید کرد که موهایتان از زیر پوست  
 روئیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی تان ندارد و با  
 لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می کنید که  
 موهایتان ریخته است با خیال راحت استحمام کرده و  
 موهایتان را به فرم دلخواه شانه کنید بعد از نصب مو  
 چنانچه مورد پسندتان واقع گردید وجه آنرا بپردازید  
 ضمناً فراموش نکنید مندهای فوق احتیاج به مراجعه  
 بعدی ندارد.

تلفن: ۸۹۸۴۲۳

تهران خیابان ولی عصر حب سیمما آفریقا (آتلانیک سابق)



از خولان برادان ای رشته های پریشانی نماند  
 عام کاپیتو آرتوئی تکس  
 فاکس و حساب داری عمومی  
 نقشه کشی و نقشه برداری  
 رادیو تلویزیون سیار مقید  
 ماشین نویسی تایپ و دوز با  
 ترمزس برده تمام سطوح

مدرسه های پریشانی نماند  
 خشتی ملی متد کرادین  
 بافندگی و ستلاب دوزی و کت  
 گل سازی پارچه ای غیره  
 کلدوزی بادست و پنجه  
 ابرشم دوزی تصویر کشی  
 آموزش آرایش از مدل تا عالی

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
 خیابان کرمانجیان بخش حافظ  
 میدان امام حسین اول انقلاب  
 ۸۹۴۲۲۱-۸۹۴۲۲۰  
 ۷۵۵۹۹۵-۷۵۲۹۴۵

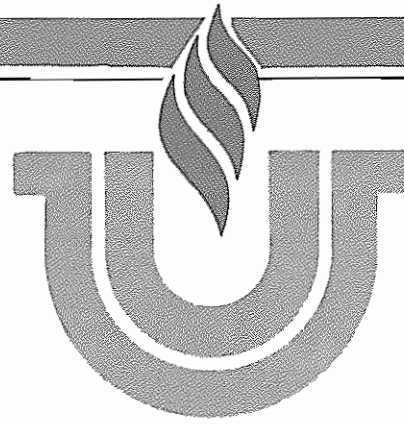
خدمات مرکزی ایران  
 فروش انواع لوازم خانگی  
 خریدار انواع لباسشویی های سالم و خراب  
 فروشنده انواع قطعات لباسشویی و فریزر

(۹۶۵۷۷۱۸-۹۷۹۷۴۲)

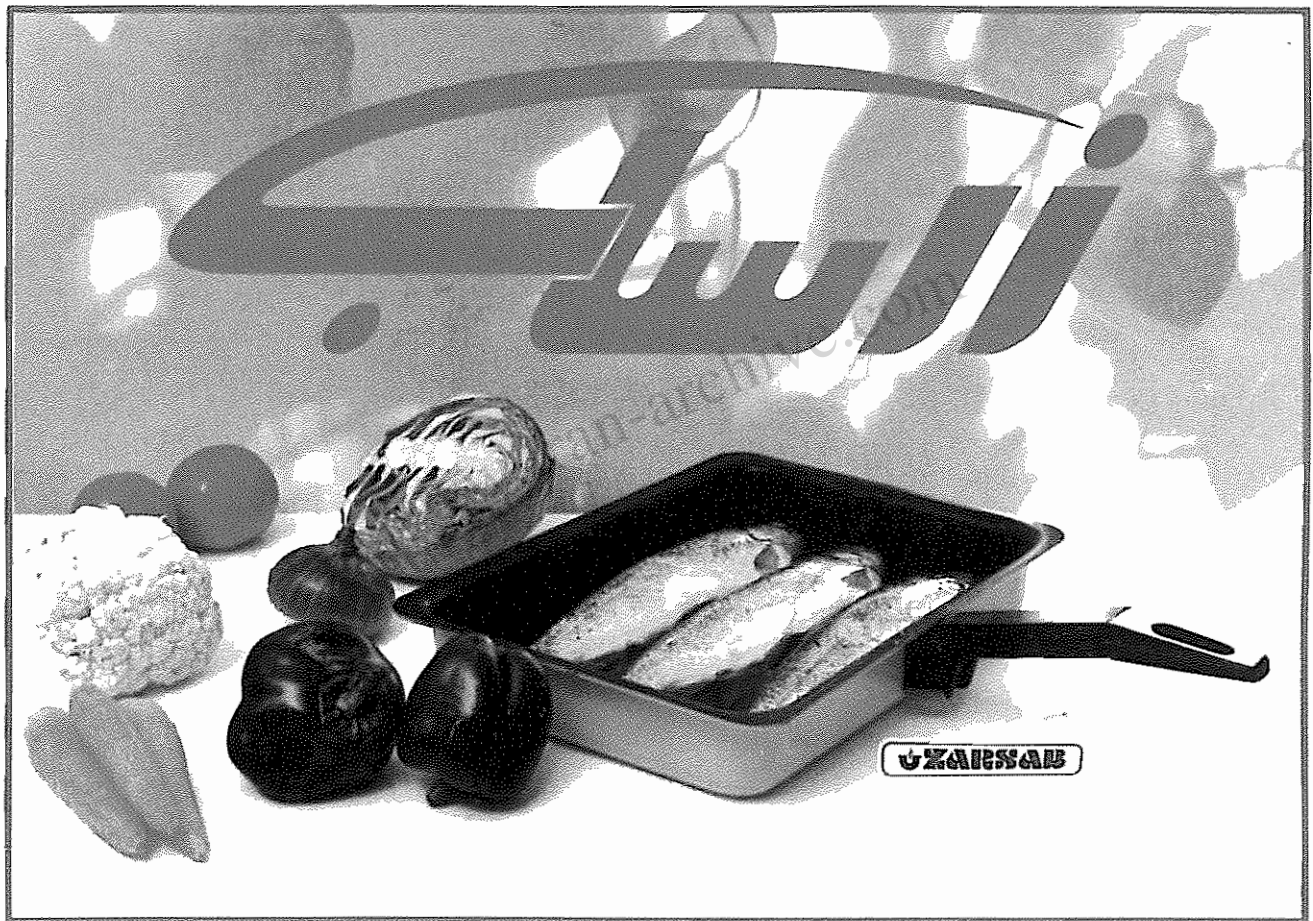
فروشنده انواع قطعات لباسشویی و فریزر

(باسرویس مجهز زیر نظر متخصصین مجرب جنرال الکتریک)





## همگام با بهترین های جهان



ظروف آشپزخانه با امتیاز از "کورسیل سوئیس"

مرکز پخش: تلفن ۸۶۰۱۳۶۴، فاکس ۸۶۰۰۷۹۸

هنوز هم ما هستیم که باعث  
شگفتی شما میشویم!

